



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



خطبه های معصومین
در جمع ائمه عین

مهدی عبداللہی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خطبه های معصومین علیهم السلام در جمعه ها و عیدین

نویسنده:

مهدی عبداللهی

ناشر چاپی:

موسسه پیام امام هادی (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
خطبه های معصومین علیهم السلام در جمعه ها و عیدین	۶
مشخصات کتاب	۶
سخن ناشر	۶
مقدمه	۱۱
۱ - اولین خطبه ای که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز جمعه در مدینه ایراد فرمودند	۱۴
۲ - خطبه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین جمعه ماه شعبان	۱۸
۳ - خطبه دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز جمعه	۲۲
۴ - خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام در روز جمعه	۲۴
۵ - اولین خطبه جمعه امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه	۳۶
۶ - خطبه دیگری از امیرالمؤمنین علیه السلام در روز جمعه	۴۰
۷ - خطبه دیگری از آن حضرت در روز جمعه	۵۲
۸ - خطبه ای دیگر از علی علیه السلام در روز جمعه	۵۶
۹ - خطبه دیگری از آن حضرت علیه السلام مناسب روز جمعه	۶۲
۱۰ - خطبه دیگری از امیرالمؤمنین علیه السلام مناسب روز جمعه	۶۸
۱۱ - خطبه امام حسن علیه السلام روز جمعه در بصره	۷۴
۱۲ - خطبه نماز جمعه منقول از امام محمدباقر علیه السلام	۷۶
۱۳ - خطبه روز عید فطر از امیرالمؤمنین علیه السلام	۸۴
۱۴ - خطبه دیگری از آن حضرت در روز عید فطر	۹۸
۱۵ - خطبه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در عید قربان	۱۰۰
۱۶ - خطبه نماز باران از علی علیه السلام	۱۱۰
فهرست منابع	۱۲۴
درباره مرکز	۱۲۶

خطبه های معصومین علیهم السلام در جمعه ها و عیدین

مشخصات کتاب

سرشناسه: عبداللهی، مهدی، ۱۳۲۸ -

عنوان و نام پدیدآور: خطبه های معصومین علیهم السلام در جمعه ها و عیدین / تهیه و تنظیم مهدی عبداللهی.

مشخصات نشر: قم: پیام امام هادی (ع)، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

شابک: ۲۳۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۸۸۳۷-۰۴-X

وضعیت فهرست نویسی: برونسپاری (فاپا)

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۸ (فیفا).

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۱۹] - ۱۲۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: محمد (صلی الله علیه و آله)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- خطبه ها

موضوع: علی بن ابی طالب (علیه السلام)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- خطبه ها

موضوع: نماز جمعه

رده بندی کنگره: BP۱۴۲/۲/ع۲۴خ ۶ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۴۵۶۲۸

ص: ۱

سخن ناشر

سخن ناشر:

ثواب این اثر را که به پیشنهاد و تشویق پدر بزرگوارم مرحوم حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد عبداللّهی فراهم آمده است به روح ایشان تقدیم داشته و از درگاه خداوند متعال رحمت و مغفرت و تعالی درجاتشان را خواستارم.

مؤلف

ص: ۳

نمازهای جمعه، عید فطر، اضحی و استسقا (طلب باران) از عبادتهایی هستند که جنبه اجتماعی آنها بسیار مهم است، از این رو ایراد دو خطبه توسط امام جماعت از شرائط آنها است که در نماز جمعه پیش از نماز و در سه دیگر بعد از نماز ایراد می گردد، چنان که پیشوایان معصوم چنین می کردند.

ولیکن شمار خطبه هایی که از پیشوایان معصوم در زمینه این نمازها روایت شده بسیار اندک است و جهت آن بر اهل بصیرت پوشیده نیست زیرا ممنوعیت نوشتن حدیث در زمان خلفا سبب فراموش شدن احادیث حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله بخصوص احادیث طولانی مثل خطبه ها گردید، پیشوایان دیگر نیز - بجز امیرالمؤمنین علیه السلام - در مسند حکومت قرار نگرفتند تا نماز جمعه و عیدین را بجا دارند و خطبه بخوانند.

نکته دیگر این که در بیشتر موارد خطبه ها به طور کامل نقل نشده بلکه به نقل یکی از دو خطبه یا بخشی از آن اکتفا گردیده است.

□
به هر حال این مکتوب مشتمل بر ۳ خطبه از رسول الله صلی الله علیه و آله و ۱۱ خطبه از امیرالمؤمنین علیه السلام یک خطبه از امام حسن علیه السلام و یک خطبه از امام محمدباقر علیه السلام است که در مجموع ۱۶ خطبه می شود.

در گزینش بیش از نیمی خطبه ها از کتاب ارزشمند نهج السعاده فی مستدرک

نهج البلاغه بهره برده ام گرچه تمام خطبه ها با مصادر اصلی مطابقت داده شده است.

متن خطبه ها با اعراب گذاری، توضیح لغات مشکل در پاورقی و ترجمه فارسی در صفحه مقابل همراه است، امید است مورد استفاده علاقه مندان قرار گرفته و از انتقاد و پیشنهاد دریغ نفرمایند.

ص: ۷

١. أوّل خطبه خطبها رسول الله صلى الله عليه وآله

يوم الجمعة في المدينة الحمد لله أحمدُهُ وأستعينُهُ وأستغفرُهُ وأشهدُ به وأؤمنُ به ولا أكفُرُهُ وأُعادِي مَنْ يكفُرُهُ وأشهدُ أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن مُحَمَّدًا عبده ورسوله أرسله بالهدى والنور والموعظه على فتره من الرُّسل وقله من العلم ودنو من الساعه وقرب من الأجل، من يطع الله ورسوله فقد رشدَ ومن يعصهما فقد غوى وفرطَ وضلَّ ضلالاً بعيداً.

أوصيكم بتقوى الله فإنه خير ما أوصى به المسلم المسلم أن يحضه على الآخرة وأن يأمره بتقوى الله فأحذروا ما حذركم الله من نفسه [ولما أفضل من ذلك نصيحة ولا أفضل من ذلك ذكراً] (١) وإن تقوى الله لمن عمل به على وحيل ومخافه من ربه عون صدق على ما تبغون من أمر الآخرة ومن يصلح الذي بينه وبين الله في أمره في السر والعلانيه لا ينوي بذلك إلا وجه الله يكن له ذكراً في عاجل أمره ودخراً فيما بعد

ص: ٨

١- (١) - الزيادة من الطبري..

۱ – اولین خطبه ای که رسول اکرم صلی الله علیه و آله روز جمعه در مدینه ایراد فرمودند

ستایش مخصوص خداست، او را می ستایم، از او یاری می طلبم و طلب آمرزش می کنم، از او هدایت می خواهم، به او ایمان دارم و ناسپاسی نمی کنم و با هر کسی که به وی کافر باشد دشمنی می ورزم و شهادت می دهم معبودی جز خدای تنها و بی شریک نیست، و گواهی می دهم محمّد بنده و فرستاده اوست، خداوند او را با هدایت، نورانیت و اندرز، در دوران فترت و نیامدن رسولان و کمبود دانش و نزدیک شدن رستاخیز و پایان عمر [دنیا] فرستاد.

هر کس خدا و پیامبرش را فرمان برد رشد و هدایت یابد و کسی که آنها را نافرمانی کند دچار گمراهی و تجاوز شده و [از مسیر حق] بسیار دور گشته است.

شما را به تقوای الهی توصیه می کنم زیرا بهترین سفارش مسلمان به مسلمان این است که او را به سوی آخرت تشویق کند و او را به پرهیزکاری فرا خواند، پس هراسان باشید از آنچه خداوند شما را نسبت به خودش بیم داده است که پندی از این برتر و یادآوری از این بهتر نیست. و همانا تقوای الهی برای کسی که از ترس و خوف خدا تقوا بورزد یاور راستین است برای دستیابی به آنچه از امر آخرت جستجو می کنید. کسی که بین خود و خدایش را در کارهای نهان و آشکارش اصلاح کند و هدفی در این امر جز خدا نداشته باشد، یادی می شود برای او در دنیا و توشه ای برای بعد از

الموتِ وَحِينَ يَفْتَقِرُ الْمَرْءُ إِلَىٰ مَا قَدَّمَ وَمَا كَانَ مِنْ سِوَىٰ ذَلِكَ «يَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمِدًا بَعِيدًا، وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» وَالَّذِي صَدَقَ قَوْلُهُ وَنَجَزَ وَعَدَهُ لَأُخْلَفَ لِدَلِكْ، فَإِنَّهُ يَقُولُ: «مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ» (١).

فَمَا تَتَّقُوا اللَّهَ فِي عَاجِلِ أَمْرِكُمْ وَآجِلِهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ فَإِنَّهُ «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا» (٢) وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا، وَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ تَوْقَى مَقْتَهُ وَتَوْقَى عُقُوبَتَهُ وَتَوْقَى سَخَطَهُ وَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ تُبَيِّضُ الْوُجُوهَ وَتُرَضِّى الرَّبَّ، وَتَرْفَعُ الدَّرَجَةَ، تُحَذِّوْا بِحُظُّكُمْ، وَلَا تُفَرِّطُوا فِي جَنْبِ اللَّهِ فَقَدْ عَلَّمَكُمْ اللَّهُ كِتَابَهُ وَنَهَجَ لَكُمْ سَبِيلَهُ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَيَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ فَأَحْسِنُوا كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ، وَعَادُوا أَعْدَاءَهُ «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، هُوَ اجْتَبَاكُمْ» (٣) وَسَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ» (٤) وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْمَلُوا لِمَا بَعَدَ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ مَنْ يُصْلِحْ مَا بَيْنَهُ وَمَا بَيْنَ اللَّهِ يَكْفِهِ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَمَا بَيْنَ النَّاسِ، ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يَفْضِلُ الْحَقَّ عَلَى النَّاسِ وَلَا يَقْضُونَ عَلَيْهِ وَيَمْلِكُ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. (٥)

ص: ١٠

١- (١) - ق: ٢٩..

٢- (٢) - الطلاق: ٥..

٣- (٣) - الحج: ٧٨..

٤- (٤) - الانفال: ٤٢..

٥- (٥) - مجمع البيان: (١٠-٩) ص ٤٣٢؛ تاريخ الطبرى: ١١٥/٢؛ بحار الأنوار: ١٢٦/١٩؛ نهج الخطابه: ٧/١ خ ١..

مرگ و هنگامی که شخص به آنچه از پیش فرستاده نیازمند است. و آنچه جز این باشد آرزو می کند کاش میان او و آن کارها فاصله ای دور بود، و خداوند شما را از [کیفر] خود می ترساند و در عین حال خدا به بندگان مهربان است.

خداوندی که گفتارش درست و وعده اش حتمی و تخلف ناپذیر است چرا که می فرماید: «سخن من تغییرناپذیر است و من هرگز به بندگان ستم نخواهم کرد.»

پس در کار دنیا و آخرتتان در نهان و آشکار از خدا بترسید چرا که «هر کس از خدا پروا کند بدیهایش را از او بزداید و پاداشش را بزرگ گرداند.» و هر کس از خدا پروا کند به رستگاری بزرگ رسیده است. و همانا تقوای الهی از خشم، مکافات و سخط او باز می دارد و موجب رو سپیدی انسان و خشنودی پروردگار و بلندی مرتبت می شود.

بهره خود را بگیرید و [در انجام وظایف] در پیشگاه خداوند کوتاهی نکنید.

همانا خداوند کتاب خود را به شما آموخته و راهش را به سوی شما گشوده تا مدعیان راستین از دروغگویان شناخته شوند. پس همچنان که خداوند به شما احسان و نیکی کرده شما نیز احسان کنید و با دشمنان او دشمنی بورزید «و در راه خدا چنان که حق جهاد در راه اوست جهاد کنید اوست که شما را برگزید» و شما را مسلمان نامید. «تا آنهایی که هلاک می شوند از روی اتمام حجت باشد و آنها که زنده می شوند [و هدایت می یابند] از روی دلیل روشن باشد.» و حول و قوه ای جز از جانب پروردگار نیست. پس خدا را بسیار یاد کنید و برای بعد از مرگ عمل کنید چرا که هر شخص میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند آنچه را بین او و مردم است کفایت می کند؛ برای این که خداوند بر مردم حکومت به حق دارد و مردم بر او حکومتی ندارند، خداوند مالک و صاحب اختیار مردم است اما مردم مالک او نیستند، الله اکبر و لا قوه الا بالله العظیم.

محمد بن يحيى وغيره، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن أبي أيوب، عن أبي الورد، عن أبي جعفر عليه السلام قال: خطب رسول الله صلى الله عليه وآله الناس في آخر جمعه من شعبان

فحمد الله وأثنى عليه، ثم قال: أيها الناس إنّه قد أظلكم شهرٌ فيه ليلةٌ خيرٌ من ألفِ شهرٍ وهو شهرُ رمضانَ، فرضَ اللهُ صِيامَهُ وَجَعَلَ فِيهِ لَيْلَةً فِيهِ بِتَطَوُّعِ صَلَاةٍ كَتَطَوُّعِ (١) صَلَاةِ سَبْعِينَ لَيْلَةً فِي مَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ وَجَعَلَ لِمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِخِصَالِ الْخَيْرِ وَالْبِرِّ كَأَجْرِ مَنْ أَدَّى فَرِيضَةَ مِنَ فَرَائِضِ اللَّهِ، وَمَنْ أَدَّى فِيهِ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ كَانَ كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِي مَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ وَهُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ وَإِنَّ الصَّبْرَ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ.

وَهُوَ شَهْرُ الْمَوَاسَاةِ، وَهُوَ شَهْرٌ يَزِيدُ اللَّهُ فِيهِ فِي رِزْقِ الْمُؤْمِنِ فِيهِ، وَمَنْ فَطَرَ فِيهِ مُؤْمِنًا صَائِمًا كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ وَمَغْفِرَةٌ لِدُنُوبِهِ فِي مَاضِي،

۲ - خطبه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین جمعه ماه شعبان

امام باقر علیه السلام روایت نموده که حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله در روز جمعه آخر شعبان برای مردم خطبه خواند و پس از حمد و ثنای الهی، فرمود:

ای مردم: ماهی بر شما سایه افکنده که در آن ماه شبی است که از هزار ماه نیکوتر است. و آن ماه رمضان است که خداوند روزه اش را واجب فرموده و عبادت و پرداختن به نماز مستحبی در یک شب از آن را به منزله عبادت و نماز هفتاد شب از ماههای دیگر قرار داده است؛ هر کس در این ماه کار خیر و نیکی از مستحبات بر جای آورد مثل آن است که واجبی از واجبات الهی را انجام داده است.

و هر شخصی تکلیف واجبی را در این ماه انجام دهد مثل این است که هفتاد فریضه از فرایض خدا را در ماههای دیگر انجام داده باشد. و آن ماه صبر است و پاداش صبر بهشت است و نیز ماه همیاری است، و نیز ماهی است که خدا روزی مؤمن را در آن فزونی بخشد و هر کس در آن، مؤمن روزه داری را افطاری دهد، در نزد خدا پاداش آزادی یک بنده، و آمرزش گناهان گذشته اش را دارد.

قيل يا رسول الله ليس كلنا يقدر على أن يفطر صائماً، فقال: إن الله كريم يعطي لهذا الثواب لمن لم يقدر إلا على مدقه (١) من لبن يفطر بها صائماً أو شربه من ماء عذب (٢) أو تمرات لا يقدر على أكثر من ذلك.

ومن خفف فيه عن مملوكه خفف الله عنه حسابه، وهو شهر أوله رحمه وأوسطه مغفره وآخره الإجابة والعنت من النار. ولا غنى بكم فيه عن أربع خصال: حصلتين ترضون الله بهما وحصلتين لا غنى بكم عنهما، فأما اللتان ترضون الله عز وجل بهما: فشهادته أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله. وأما اللتان لا غنى بكم عنهما: فتسألون الله فيه حوائجكم والجنة وتسالون العافية وتعدون به من النار. (٣)

ص: ١٤

١- (١) - المذقه: بضم الميم او بالفتح: الشربه من اللبن الممزوج بالماء..

٢- (٢) - العذب: العذب من الماء: الطيب الذى لاملوحه فيه..

٣- (٣) - الكافى: ٤٦/٤ ح ٤؛ الفقيه: ٥٨/٢ ح ١؛ نهج الخطابه: ٢٢٧/١؛ و جدير بالذكر أنّ لرسول الله صلى الله عليه وآله خطبه اخرى فى فضائل شهر رمضان المعروفه بالخطبه الشعبانيه مفتتحها: «ايها الناس إنّه قد اقبل اليكم شهر الله بالبركه و الرحمه و المغفره» رواها الصدوق(ره) فى عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢٣٠/١ ح ٥٣ و الأمالى: ٨٤ المجلس ٢٠ ح ٤..

گفته شد: ای رسول خدا! همه ما بر این که روزه داری را افطاری دهیم توانا نیستیم.

فرمود: خدا کریم است، همین پاداش را به کسی که با آبی آمیخته با شیر، یا با جرعه آب گوارایی، یا با چند دانه خرما - که جز بر آن توانا نیست - روزه داری را افطاری دهد عطا می کند.

هر کس در این ماه بر بنده [و زبردست] خود آسان گیرد خداوند محاسبه او را [در قیامت] سبک گرداند.

و این ماهی است که آغاز آن رحمت، و میانه آن آمرزش و پایان آن استجابت دعا و آزادی از آتش است.

و شما [در این ماه] از چهار خصلت بی نیاز نیستید با دو خصلت خدا را خوشنود می سازید و به دو دیگر محتاجید.

اما آن دو که با آنها خدای سبحان را خوشنود می کنید: شهادت به این که هیچ معبودی جز خدا نیست و محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست.

و اما آن دو که شما از آن بی نیاز نیستید: این که از خداوند [در این ماه] حوائج خود، بهشت و عافیت را بخواهید و از آتش جهنم به او پناهنده شوید.

في يوم الجمعة

عن أبي الدرداء قال: خطبنا رسول الله صلى الله عليه وآله يوم جمعه، فقال:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا، وَبَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ قَبْلَ أَنْ تَشْتَغِلُوا، وَأَصْلِحُوا الَّذِي بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ رَبِّكُمْ تَسْعُدُوا،
وَأَكْثِرُوا مِنَ الصَّدَقَةِ تَرْزُقُوا، وَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ تَحْصُنُوا، وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ تُنْصَرُوا.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَكْثَرَكُمْ أَكْثَرُكُمْ ذِكْرًا لِلْمَوْتِ، وَإِنَّ أَحْزَمَكُمْ أَحْسَنُكُمْ اسْتِعْدَادًا لَهُ، أَلَا وَإِنَّ مِنْ عِلْمَاتِ الْعَقْلِ التَّجَافِي عَنِ دَارِ
الْغُرُورِ، وَالْإِنَابَةِ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ، وَالتَّرَوُّدِ لِسُكْنَى الْقُبُورِ وَالتَّأَهُبِ لِيَوْمِ النُّشُورِ. (١)

ص: ١٤

۳ - خطبه دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز جمعه

ابودردا گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله روز جمعه برای ما خطبه خواند و چنین فرمود: ای مردم! پیش از آن که مرگ به سراغتان بیاید به سوی خدا بازگشت کنید و پیش از آن که سرگرم شوید به انجام کارهای نیک سبقت بگیرید، و میان خود و خدایتان را اصلاح کنید تا سعادتمند شوید، و صدقه زیاد بدهید تا روزی داده شوید، امر به معروف کنید تا محفوظ باشید و از منکر جلوگیری کنید تا پیروز شوید.

ای مردم زیرک ترین شما کسی است که بیشتر یاد مرگ باشد، و دوراندیش ترین شما کسی است که آمادگی بهتری برای آن کسب کرده باشد.

همانا از نشانه های عقل دوری از خانه غفلت و فریب و بازگشت به سرای جاودانی و تهیه توشه برای خانه قبر و آمادگی برای روز رستاخیز است.

□
على بن إبراهيم عن أبيه - عن الحسن بن محبوب - عن محمد بن النعمان أو غيره، عن أبي عبد الله عليه السلام، انه ذكر هذه الخطبه لأمير المؤمنين عليه السلام يوم الجمعة.

□
الْحَمْدُ لِلَّهِ أَهْلِ الْحَمْدِ وَوَلِيِّهِ، وَمُنْتَهَى الْحَمْدِ وَمَحَلُّهُ، الْبَيْدَى (١) الْبَدِيعِ (٢)، الْأَجَلُّ الْأَعْظَمُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، الْمُتَوَحِّدِ بِالْكَبْرِيَاءِ،
وَالْمُتَفَرِّدِ بِالْأَلَاءِ، (٣) الْقَاهِرِ بَعْزِهِ، وَالْمُسَلِّطِ بِقَهْرِهِ، الْمُمْتَنِعِ (٤) بِقُوَّتِهِ، الْمُهَيْمِنِ (٥) بِقُدْرَتِهِ، وَالْمُتَعَالَى فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ بِجَبْرُوتِهِ،
الْمَحْمُودِ بِامْتِنَانِهِ وَيَاحْسَانِهِ، الْمُتَفَضِّلِ بِعَطَائِهِ وَجَزِيلِ فَوَائِدِهِ، الْمَوْسِعِ بِرِزْقِهِ الْمُسْبِغِ بِنِعْمِهِ (٦).

-
- ١- (١) - البدى: الأول، و يحتمل ان يكون بمعنى مبدع الاشياء..
 - ٢- (٢) - البديع: الخالق المخترع لاعن مثال سابق، و قيل هو الذى لم يعهد مثله و لا نظير له..
 - ٣- (٣) - المتفرد بالالاء: هو المنعم حقيقه لم يشركه أحد فى النعم..
 - ٤- (٤) - الممتنع: يمتنع من أن يصل إليه سوء أو يغلب عليه أحد.. □
 - ٥- (٥) - المهيمن: الرقيب و الشاهد و المؤتمن. و هو من أسماء الله تعالى و معناه القائم على خلقه بأعمالهم و آجالهم و أرزاقهم و قيل الامين الذى لا يضيع لأحد عنده حق.. □
 - ٦- (٦) - المسبغ بنعمه: الإسباغ: الإكمال و لعلّ الباء زائده او المراد المسبغ حجته بنعمته..

۴ - خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام در روز جمعه

ثقه الاسلام کلینی در کتاب روضه کافی از علی بن ابراهیم و او از پدرش از حسن بن محبوب از محمد بن نعمان یا شخص دیگری از ابوعبدالله امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرموده این خطبه حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در روز جمعه می باشد:

ستایش خداوندی را که اهل ستایش و سزاوار آن [و توفیق دهنده هر ستایشگری] است. نهایت هر ستایشی به او بر می گردد و او محل و مرجع هر ستایشی است. خداوند آغازگر و آفریننده اشیاء بی نظیر، خدای برتر و بزرگتر از آن که کسی به کنه صفات او پی ببرد. خدای غالب و کریمتر از هر صاحب کرامتی. در کبریا و عظمت بی نظیر و در نعمت بخشی بی بدیل. با عزت خود بر هر موجودی غالب و با قهر و غلبه خود بر ممکنات حاکم و چیره. با نیرومندی خود شکست ناپذیر. اداره کننده موجودات با قدرتش و برتر و عالی تر از هر چیزی با کبریا و جبروتش. ستایش شده به سبب امتنان و احسانش. برتر و والاتر به جهت بخشش و فراوانی فوایدش. گشایش دهنده به وسیله روزیش

و كامل كنده نعمتهايش.

نَحْمَدُهُ عَلَى الْآلَاءِ وَتَظَاهِرِ نِعْمَائِهِ (١)، حَمْدًا يَزِنُ عَظَمَةَ جَلَالِهِ، وَيَمْلَأُ قَدْرَ الْآلَاءِ وَكِبْرِيَاءِهِ.

وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، الَّذِي كَانَ فِي أَوْلِيَّتِهِ مُتَقَادِمًا (٢)، وَفِي دَيْمِيَّةٍ وَمِيَّتِهِ (٣) مُتَسَيِّطِرًا، خَضَعَ الْخَلَائِقُ لَوْحَدَانِيَّتِهِ وَرُبُوبِيَّتِهِ وَقَدِيمِ أَرْزَلِيَّتِهِ، وَدَانُوا (٤) لِدَوَامِ أَبَدِيَّتِهِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَخَيْرُهُ مِنْ خَلْقِهِ، إِخْتَارَهُ بَعْلَمِهِ وَاصْطَفَاهُ لَوْحِيهِ، وَائْتَمَنَهُ عَلَى سِرِّهِ، وَارْتَضَاهُ لَخَلْقِهِ، وَاتْتَدَبَهُ (٥) لِعَظِيمِ أَمْرِهِ وَلِضِيَاءِ مَعَالِمِ دِينِهِ وَمَنَاهِجِ سَبِيلِهِ وَ[جَعَلَهُ] مِفْتَاحَ وَحْيِهِ، وَسَبَبًا لِبَابِ رَحْمَتِهِ.

إِبْتَعْتُهُ عَلَى حِينِ فَتْرَتِهِ (٦) مِنَ الرُّسُلِ، وَهَدَاهُ (٧) مِنَ الْعِلْمِ وَاخْتَلَفَ مِنَ الْمَلَلِ، وَضَلَمَالِ عَنِ الْحَقِّ وَجَهَالِهِ بِالرَّبِّ وَكُفْرِهِ بِالْبَعْثِ وَالْوَعْدِ.

أَرْسَلَهُ إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، بِكِتَابٍ كَرِيمٍ؛ قَدْ فَضَّلَهُ وَفَضَّلَهُ وَبَيَّنَّهُ وَأَوْضَحَهُ وَأَعَزَّهُ؛ وَحَفِظَهُ مِنْ أَنْ يَأْتِيَهُ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ، ضَرَبَ لِلنَّاسِ فِيهِ الْأَمْثَالَ، وَصَرَّفَ فِيهِ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَعْقِلُونَ، أَحَلَّ فِيهِ الْحَلَالَ، وَحَرَّمَ فِيهِ الْحَرَامَ،

ص: ٢٠

١- (١) - تظاهر نعمائه: تتابعها..

٢- (٢) - متقادماً: أى على جميع الأشياء و ليست أوليته إضافيه..

٣- (٣) - ديمومه و دوام مصدر دام و لم أجد في كتب اللغة ديموميّه بالياء لعله تصحيف او من الديموم بمعنى المفازة التي بعيد أطرافها..

٤- (٤) - دان: ذلّ، خضع، عبد، اطاع، اقرّ و اعتقد..

٥- (٥) - انتدبه: دعاه و رشحه و حثّه..

٦- (٦) - الفتره: الفتره ما بين الرسولين أى على سكون و انقطاع من الرسل..

٧- (٧) - هدأه: السكون ..

ستایش می کنیم او را در برابر بخششها و پیوسته بودن نعمتهایش. ستایشی که برازندهٔ عظمت جلالش و متناسب مقدار نعمتها و کبریایش باشد.

و گواهی می دهیم جز الله معبودی نیست. او تنها و بی شریک است. خدایی که در اولیت و سرآغاز بر هر چیزی مقدم است و در بقاء و پایدگیش صاحب سلطه و قدرت. مخلوقات در برابر وحدانیت، ربوبیت و قدمت و ازلی بودن او خاضع، و به ابدیت پیوسته او معترف و تسلیم اند.

و گواهی می دهیم محمد صلی الله علیه و آله بنده، فرستاده و برگزیده او از میان آفریدگانش می باشد. از روی علم او را برگزید و به وحیش مخصوص گردانید و امین سترش قرار داد و او را برای مخلوقاتش پسندید، و برای کار سترگ و روشن شدن معالم دین و راههای آشکارش انتخاب نمود. و او را کلید و راهگشای وحی و سببی برای باب رحمتش قرار داد.

او را در هنگام توقف آمدن پیامبران، زمان سکون و فراموشی دانش، گوناگونی آیین ها، گمراهی از مسیر حق و ناشناسی به پروردگار و انکار رستاخیز و وعده کردگار، برانگیخت.

او را به سوی همه انسان ها و رحمت برای عالمیان فرستاد به همراه کتابی گرامی که آن را برتری و تفصیل داده و مبین و آشکار کرده، عزت بخشیده و از این که باطلی از پس و پیش به او راه یابد محفوظ داشته است. از جانب خداوند حکیم و حمید نازل شده و در او برای مردم مثالهایی آورده و آیات و نشانه هایی بیان کرده، شاید ایشان تفکر کنند. حلال و حرام را در قرآن تبیین

و شَرَعَ فِيهِ الدِّينَ لِعِبَادِهِ عُدْرًا وَنَذْرًا (١)، لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ، وَيَكُونَ بَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ، فَبَلَغَ رَسُولُهُ، وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِهِ، وَعَبَدَهُ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ (٢)، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ، وَأَوْصِي نَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي ابْتَدَأَ الْأُمُورَ بِعِلْمِهِ، وَإِلَيْهِ يَصِيرُ غَدًا مِعَادُهَا، وَيَبِيدُ فَنَائُهَا وَفَنَائُكُمْ، وَتَصِيرُكُمْ (٣) أَيَّامِكُمْ، وَفَنَاءَ آجَالِكُمْ وَانْقِطَاعَ مُدَّتِكُمْ، فَكَأَنَّ قَدْ زَالَتْ عَنْ قَلِيلٍ عَنَّا وَعَنْكُمْ كَمَا زَالَتْ عَمَّنْ كَانَ قَبْلَكُمْ!

فَاجْعَلُوا - عِبَادَ اللَّهِ - اجْتِهَادَكُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا التَّرْوُدَ مِنْ يَوْمِهَا الْقَصِيرِ لِيَوْمِ الْآخِرَةِ الطَّوِيلِ، فَإِنَّهَا دَارُ عَمَلٍ، وَالْآخِرَةُ دَارُ الْقَرَارِ وَالْجَزَاءِ، فَتَجَافُوا عَنْهَا (٤) فَإِنَّ الْمَغْتَرَّ مَنْ اغْتَرَّ بِهَا.

لَنْ تَعُدُوا (٥) الدُّنْيَا إِذَا تَنَاهَتْ إِلَيْهَا أُمَّتِيهِ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِيهَا - الْمُحِبِّينَ لَهَا الْمُطْمَئِنِّينَ إِلَيْهَا الْمَفْتُونِينَ بِهَا - أَنْ تَكُونَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ:

«كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ، فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ الْآيَةَ» (٦).

مَعَ أَنَّهُ لَمْ يُصِبْ امْرُؤٌ مِنْكُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَبْرَةً (٧) إِلَّا أَوْرَثْتَهُ عِبْرَةً! (٨)

ص: ٢٢

١- (١) - عُدْرًا وَنَذْرًا: أَي حُجَّةٌ وَتَخْوِيفًا أَوْ إِعْذَارًا وَإِنْذَارًا أَوْ تَخْوِيفًا وَوَعِيدًا وَفِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ: عُدْرًا أَوْ نَذْرًا - الْمُرْسَلَات: ..٦

٢- (٢) - الْيَقِينُ: الْمَوْتُ..

٣- (٣) - التَّصَرُّمُ: التَّقَطُّعُ..

٤- (٤) - فَتَجَافُوا عَنْهَا: اتْرَكُواهَا وَابْعَدُوا عَنْهَا..

٥- (٥) - لَنْ تَعُدُوا: لَنْ تَتَجَاوَزُوا..

٦- (٦) - يُونُسُ: ٢٤..

٧- (٧) - الْحَبْرَةُ: النِّعْمَةُ وَسَعَةُ الْعَيْشِ..

٨- (٨) - الْعِبْرَةُ: الدَّمْعَةُ قَبْلَ أَنْ تَفِيضَ أَوْ الْحُزْنُ بِلَا بَكَاءٍ..

و آیین شریعت را برای بندگانش از روی اتمام حجت و اخطار و زنهار مقرر فرمود تا پس از آمدن رسولان برای مردم در پیشگاه خدا عذری باقی نماند و برای بندگان عابد آگهی و پیامی باشد.

رسول خدا پیام الهی را رساند و در راه او مجاهده کرد و او را پرستید تا این که مرگ او را دریافت. خداوند بر او و آلش درود فرستد و سلام فراوان.

بندگان خدا! شما و خودم را به تقوای الهی سفارش می کنم. خدایی که کارها را از روی دانائی آغاز فرموده، برگشت کارها نیز فردا به سوی اوست. نابودی امور و نابودی شما و گذشت روزگارتان و پایان مهلت و نهایت عمرتان به دست اوست. گویا به زودی سرمایه عمر از کف ما و شما خواهد رفت. چنان که از کف پیشینیان رفته است.

بندگان خدا تلاشتان در این دنیا این باشد که از روز کوتاه آن برای روز طولانی آخرت توشه فراهم کنید زیرا دنیا خانه عمل و آخرت محل استقرار و نتیجه گیری است. پس به دنیا دل نبندید. همانا فریب خورده کسی است که فریب دنیا را بخورد.

ارزش دنیا - در صورتی که علاقه مندان، دوستداران و اطمینان کنندگان به او و فریفتگانش به آرزوی خود برسند - هرگز بیش از آنچه خداوند درباره زندگی دنیا مثل زده نیست، آنجا که فرموده: «مَثَلُ زَنْدَاقِی دُنْیَا» [بسان آبی است که آن را از آسمان فرو ریختم، پس گیاه زمین - از آنچه مردم و دامها می خورند - با آن در آمیخت تا آن گاه که زمین پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که آنان بر آن قدرت دارند. شبی یا روزی فرمان ما آمد و آن را چنان درو کردیم که گویا دیروز وجود نداشت. این گونه نشانه ها را برای مردمی که اندیشه می کنند به روشنی بیان می کنیم.»

در حالی که هیچ شخصی از شما در دنیا به وسعت عیشی دست نیافته مگر این که اشک و حزنی به دنبال داشته

وَلَا يُصْبِحُ فِيهَا فِي جَنَاحِ أَمِنْ إِلَّا وَهُوَ يَخَافُ فِيهَا نُزُولَ جَائِحِهِ (١) أَوْ تَغْيِيرَ نِعْمِهِ أَوْ زَوَالَ عَافِيَتِهِ مَعَ أَنَّ الْمَوْتَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ وَ هَيْوَلُ الْمُطَّلَعِ (٢) وَالْوُقُوفَ بَيْنَ يَدَيْ الْحَكَمِ الْعَدْلِ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا عَمِلَتْ «لِيُجْزَى الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيُجْزَى الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى» (٣).

فَاتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ، وَسَارِعُوا إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ؛ وَالْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ وَالتَّقَرُّبِ إِلَيْهِ بِكُلِّ مَا فِيهِ الرِّضَا فَإِنَّهُ قَرِيبٌ، مُجِيبٌ.

جَعَلْنَا اللَّهُ قِيَامَكُمْ مِمَّنْ يَعْمَلُ بِمَحَابِّهِ (٤) وَيَجْتَنِبُ سَيِّئَاتِهِ. ثُمَّ إِنَّ أَحْسَنَ الْقَصَصِ وَأَبْلَغَ الْمَوْعِظَةِ وَأَنْفَعِ التَّذَكُّرِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (٥) أَسْتَعِيدُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، «وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (٦).

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (٧).

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ (٨) عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

ص: ٢٤

١- (١) - الجائحه: الهالكه، المستأصله و كل مصيبه عظيمه و فتنه مبيره..

٢- (٢) - هول المَطَّلَع: الهول: الفزع و الخوف: و المطلع: موقف القيامة الذي يحصل الإطلاع عليه بعد الموت..

٣- (٣) - النجم: ٣١..

٤- (٤) - المحاب: جمع المحبه..

٥- (٥) - الأعراف: ٢٠٤..

٦- (٦) - سوره العصر..

٧- (٧) - الأحزاب: ٥٦..

٨- (٨) - بارك: أى أثبت و آدم التشريف و الكرامه على محمد و آله صلى الله عليه و آله ..

و کسی از شما در سایه امنیت و آسایشی قرار نگرفته مگر این که در انتظار نزول آفتی یا تغییر نعمتی یا نابودی عافیتی بوده است. مهمتر این که مرگ و وحشت سهمگین قیامت و ایستادن در مقابل قاضی عادل در پس اینها است در آن روزی که هر شخصی جزای عمل خود را می بیند «تا کسانی را که زشتکار بودند به سزای عمل خود کیفر دهد و نیکوکاران را نیز به نیکی پاداش دهد.»

از خداوند که یادش گرامی است پروا کنید، و به سوی رضوان الهی و عمل به طاعت او و نزدیک شدن به او به وسیله هر آن چیزی که مورد رضایت اوست پیشی گیرید. چرا که خداوند نزدیک و پذیرنده است.

خداوند، ما و شما را در زمره عمل کنندگان به خواست خدا و پرهیز کنندگان از سخط و خشم پروردگار قرار دهد.

سپس همانا بهترین داستان و سرگذشت و رساترین موعظه و پرسودترین یادآوری کتاب خدای جلیل و عزیز است. خداوند عزوجل می فرماید:

«هنگامی که قرآن خوانده شود پس به او گوش فرا دارید و ساکت باشید شاید مورد رحمت قرار گیرید.»

□
پناه می برم به خدا از شیطان رانده شده: بسم الله الرحمن الرحيم. و العصر، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ.

□
إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا.

خداوندا بر محمد و آلش درود فرست، و کرامت خود بر محمد و آلش پیوسته گردان، بر محمد و آل او

وَتَحَنَّنَ (١) عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَسَلِّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلِّمْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ وَالْمَنْزِلَةَ الْكَرِيمَةَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ أَعْظَمَ الْخَلَائِقِ كُلِّهِمْ شَرَفًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَأَقْرَبَهُمْ مِنْكَ مَقْعِدًا، وَأَوْجَهُهُمْ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَاهًا (٢) وَأَفْضَلَهُمْ عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَنَصِيبًا.

اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا أَشْرَفَ الْمَقَامِ، وَجِبَاءَ (٣) السَّلَامِ وَشَفَاعَةَ الْإِسْلَامِ (٤).

اللَّهُمَّ وَالْحَقِّقْنَا بِهِ غَيْرَ خَزَايَا (٥) وَلَا نَاكِبِينَ (٦) وَلَا نَادِمِينَ، وَلَا مُبَدِّلِينَ - إِلَهَ الْحَقِّ - آمِينَ.

ثُمَّ جَلَسَ قَلِيلًا ثُمَّ قَامَ فَقَالَ:

الْحَمْدُ لِلَّهِ أَحَقُّ مِنْ خُشْيِ وَحُمْدِ، وَأَفْضَلُ مِنْ اتَّقَى وَعُبِدَ، وَأَوْلَى مِنْ عُظِّمَ وَمُجِّدَ.

نَحْمَدُهُ لِعَظِيمِ عَنَائِهِ وَجَزِيلِ عَطَائِهِ وَتَظَاهِرِ نِعْمَائِهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ،

ص: ٢٤

١- (١) - تحنن عليه: ترحم..

٢- (٢) - الجاه: القدر و المنزله..

٣- (٣) - الجبَاء: العطاء، و جباء السلام أى أعطه عطيه سلامتک حتى يكون سالمًا من الخزي و النقص أو أعطه و أمته تحيه السلام من عندك حتى يسلم عليهم الملائكه فى الجنان رسلاً من عندك..

٤- (٤) - شفاعه الإسلام: الشفاعة التى تكون لأهل الإسلام و لا تكون لغيرهم..

٥- (٥) - خزايا: جمع خزيان و هو المستحى..

٦- (٦) - ناكبين: أى عادلين متنكبين عن طريق الحق. و فى بعض النسخ: الناكثين أى ناكثين للعهد و البيعه..

رحمت و سلام فرست همانند بهترین درود، کرامت، رحمت و سلام که بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی، همانا تو خدای حمید و مجید هستی.

خداوندا! به محمد صلی الله علیه و آله وسیله، شرافت، فضیلت و منزلت گرامی عطا کن.

خداوندا! در روز قیامت محمد و آل او را بالاترین مردم از جهت شرافت و نزدیکترین آنها به تو از جهت جایگاه و برترین انسانها نزد تو از جهت موقعیت و برخورداری قرار ده. خداوندا! به محمد صلی الله علیه و آله شریفترین موقعیت و سلامتی از هر عیب و نقص و شفاعت اهل اسلام را عطا فرما. خداوندا! ما را نیز به او ملحق فرما در حالی که نه رسوا باشیم نه منحرف و نه پشیمان و نه تغییر دهنده [آئین او] ای خدای حق! آمین.

آن گاه امیرالمؤمنین اندکی نشست سپس برخاست و گفت:

ستایش خدایی را که سزاوارترین برای خشیت و ستایش و برترین برای پروا داشتن و عبادت کردن و اولی ترین برای تعظیم و تمجید است. حمد می کنیم او را به جهت عظمت بی نیازیش و گستردگی احسانش و پیوستگی نعمتهایش و زیبایی [نعمتها و] آزمایشاتش.

وَنُؤْمِنُ بِهَيْدَاهُ الَّذِي لِيُخْبُو (١) ضِيَاؤُهُ، وَلَا يَتَمَهَّدُ سَيْبَاؤُهُ (٢) وَلَا يُوهِنُ عُرَاهُ (٣)، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُوءِ كَمَلِ الرَّيْبِ، وَظَلَمِ الْفِتَنِ، وَنَسْتَغْفِرُهُ مِنْ مَكَاسِبِ الذُّنُوبِ وَنَسْتَعِصِمُهُ مِنْ مَسَاوِي الْأَعْمَالِ، وَمَكَارِهِ الْأَمَالِ، وَالْهُجُومِ (٤) فِي الْأَهْوَالِ (٥)، وَمُشَارَكِهِ أَهْلِ الرَّيْبِ، وَالرِّضَا بِمَا يَعْمَلُ الْفَجَّارُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ؛ الَّذِينَ تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيَّ دِينِكَ وَمِلَّةِ (٦) نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ حَسَنَاتِهِمْ، وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَدْخِلْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالرِّضْوَانَ.

وَاغْفِرْ لِلْأَحْيَاءِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الَّذِينَ وَحَدُّوكَ وَصَيَّدَقُوا رَسُولَكَ، وَتَمَسَّكُوا بِدِينِكَ وَعَمَلُوا بِفَرَائِضِكَ، وَاقْتَدُوا بِنَبِيِّكَ، وَسُنُّوا سُنَّتَكَ وَأَحْلَوْا حَلَالَكَ وَحَرَّمُوا حَرَامَكَ، وَخَافُوا عِقَابَكَ وَرَجَوْا ثَوَابَكَ، وَوَالُوا أَوْلِيَاءَكَ وَعَادُوا أَعْدَاءَكَ.

اللَّهُمَّ اقْبَلْ حَسَنَاتِهِمْ، وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَدْخِلْهُمْ بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ - إِلَهَ الْحَقِّ - آمِينَ. (٧)

ص: ٢٨

١- (١) - لا يخبو: خبت النار أى سكنت..

٢- (٢) - التمهّد الانبساط: و فى بعض النسخ: يمهّد و الهمود. طفوء النار، و السناء ممدوداً: الرفقه و مقصوراً: ضوء البرق، و لا يخفى أنّ الأنسب على نسخه يتمهد، المدّ و على الأخرى، القصر..

٣- (٣) - العرى: جمع العروه و هى ما يتمسك به..

٤- (٤) - الهجوم: الدخول..

٥- (٥) - الاهوال: جمع هول بمعنى الفرع، هال الأمر فلاناً: أفزعه و عظم عليه..

٦- (٦) - المله: الطريقه أو الشريعه فى الدين..

٧- (٧) - الكافى: ٨ (الروضه) ص ١٧٣ ح ١٩٤؛ نهج السعاده: ١٥٣/٣..

و ایمان داریم به هدایت الهی که نورش خاموش نمی شود و بلندای آن پست نمی گردد و دستاویز آن سست نمی شود، و پناه می بریم به خدا از زشتی هر تردید و بدگمانی، و تاریکی فتنه ها و استغفار می کنیم از نتیجه گناهان و پناه می جوئیم از زشتی کردارها، و ناپسندی آرزوها و داخل شدن در کارهای وحشتناک، و همراهی اهل شک و خشنودی از رفتارهای ناحق فاجران در روی زمین.

خداوندا! بر ما ببخش و نیز بر مؤمنین و مؤمنات زندگان از ایشان و مردگان، آنان که بر دین تو و شریعت پیامبرت در گذشته اند.

خداوندا! حسنات ایشان را بپذیر و از سیئات آنها درگذر و بر آنها رحمت و مغفرت و رضوان نازل فرما. بر زندگان از مؤمنین و مؤمنات نیز ببخش، آنان که تو را یگانه دانستند و پیامبرت را تصدیق کردند و به دین تو چنگ زدند و واجبات تو را عمل کردند و از پیامبرت پیروی نمودند و سنت تو را بپا داشتند حلال تو را حلال و حرام تو را حرام شمردند، و از عقاب و مجازات تو بیمناک گشتند و به ثواب تو امید بستند و با دوستان تو دوستی و با دشمنانت دشمنی نمودند.

خداوندا! حسناتشان را بپذیر، از سیئات و زشتیهایشان درگذر و به رحمت خود آنها را در زمره بندگان صالح خود قرار ده. ای خدای حق! آمین.

لأول جمعه نزل الكوفه و صَلَّى بها

نصر بن مزاحم(ره) عن أبي عبدالله سيف بن عمر، عن الوليد بن عبدالله، عن أبي طيبة عن أبيه، قال: أتم على الصلاة يوم دخل الكوفه، فلما كانت الجمعة و حضرت الصلاة صَلَّى بهم و خطب خطبه [كذا].

قال نصر: قال أبو عبدالله، عن سليمان بن المغيرة، عن علي بن الحسين [قال]:

هذه [خطبه علي بن أبي طالب عليه السلام في يوم الجمعة بالكوفه و المدينة:

الْحَمْدُ لِلَّهِ (١)، أَحْمَدُهُ وَأَسْتَعِينُهُ وَأَسْتَهْدِيهِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الضَّلَالَةِ، مَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، إِنَّتَجِبُهُ (٢) لِأَمْرِهِ، وَاخْتَصَّهُ بِبُيُوتِهِ، أَكْرَمَ خَلْقِهِ وَأَحَبَّهُمْ إِلَيْهِ، فَبَلَّغَ رَسُولَهُ رَبِّي وَنَصَحَ (٣) لِأُمَّتِهِ وَأَدَّى الَّذِي عَلَيَّ.

وَأَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ، فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ خَيْرٌ مَا تَوَاصَى بِهِ عِبَادُ اللَّهِ،

ص: ٣٠

١- (١) - كذا في البحار: ٣٥٦/٣٢ نقلاً عن وقعه صفيين، و في وقعه صفيين: إن الحمد لله..

٢- (٢) - انتجبه: اصطفاه و اختاره..

٣- (٣) - النصح: نصحه او نصح له: وعظه، اخلص له الموّده..

۵- اولین خطبه جمعه امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه

ابوطیبه از پدرش روایت کرده که روزی که علی علیه السلام وارد کوفه شد نماز را کامل و تمام به جا آورد و چون روز جمعه شد هنگام نماز بر مردم امامت کرد و این چنین خطبه خواند.

از امام زین العابدین علیه السلام نیز نقل شده که فرمود این خطبه، خطبه روز جمعه علی بن ابی طالب علیه السلام است در مدینه و کوفه:

حمد و ستایش خدای را است. او را حمد می گویم و از حضرتش یاری و هدایت می جویم، پناه بر خدا از گمراهی، آن را که خدا هادی باشد گمراه کننده ای نخواهد داشت و آن را که خدا گمراه کند - در اثر نافرمانی ها - هدایتگری برای او نیست. گواهی می دهم که جز خدای معبودی نیست. او تنها و بی شریک است. و شهادت می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست. خدا او را برای امر - رسالت - خود برگزید و به نبوت خویش مخصوص گردانید. او را که گرامی ترین خلق خدا و محبوبترینشان در نزد اوست. او پیام پروردگارش را رساند و برای امت خویش خیرخواهی کرد و آنچه بر عهده اش بود ادا نمود.

شما را به تقوای الهی سفارش می کنم، همانا تقوای الهی بهترین چیزی است که بندگان خدا همدیگر را نسبت به آن توصیه کرده اند،

وَأَقْرَبُهُ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ، وَخَيْرُهُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ، وَبِتَقْوَى اللَّهِ أَمَرْتُمْ، وَلِلْإِحْسَانِ وَالطَّاعَةِ خُلِقْتُمْ، فَاحْذَرُوا مِنَ اللَّهِ مَا حَذَرَكُمْ (١) مِنْ نَفْسِهِ، فَإِنَّهُ حَذَرَ بَأْسًا (٢) شَدِيدًا وَاحْشُوا اللَّهَ خَشْيَةً لَيْسَتْ بِتَعْذِيرٍ (٣) وَاعْمَلُوا فِي غَيْرِ رِيَاءٍ (٤) وَلَا سُمْعَةٍ (٥)، فَإِنَّهُ مِنْ عَمَلٍ لِغَيْرِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى مَنْ عَمِلَ لَهُ، وَمَنْ عَمِلَ لِلَّهِ مُخْلِصًا تَوَلَّى اللَّهُ ثَوَابَهُ.

□
وَأَشْفِقُوا (٦) مِنْ عَذَابِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا وَلَمْ يَتْرِكْ [شَيْئًا] مِنْ أَمْرِكُمْ سُدًى (٧) قَدْ سَمِيَ آثَارَكُمْ، وَعَلِمَ أَعْمَالَكُمْ، وَكَتَبَ آجَالَكُمْ، فَلَا تَغْتَرُّوا (٨) بِالْأَدْنِيَا فَإِنَّهَا غَرَارَةٌ لِأَهْلِهَا، مَغْرُورٌ مَنْ اغْتَرَّ بِهَا، وَإِلَى فَنَاءٍ مَا هِيَ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْحَيَوَانِ (٩) لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (١٠).

□
أَسْأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ، وَمُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ، وَمَعِيشَةَ السُّعَدَاءِ، فَإِنَّمَا نَحْنُ بِهِ وَلَهُ (١١). (١٢)

ص: ٣٢

- ١- (١) - الحذر: حذره و منه: تحرز منه، حذره: خوفه. تبهه و حزره..
- ٢- (٢) - البأس: الشجاعه، القوه، الخوف، الصعوبه، العذاب..
- ٣- (٣) - التعذير: عذر في الامر: قصر فيه بعد جهده..
- ٤- (٤) - الرياء: التظاهر بخير دون حقيقه..
- ٥- (٥) - السمعه: بالفتح و الضم، يقال فعله رثاء و سمعه أى ليراه الناس و يسمعه..
- ٦- (٦) - أشفق: أشفق منه: خاف و حاذر..
- ٧- (٧) - سدى: أسدى الأمر: أهمله، ذهب كلامه سدى أى باطلاً..
- ٨- (٨) - إغتر: إغتر بكذا: خدع، الغزار: الخداع، الغرر: التعريض للهلاك و الغرور: الهالك..
- ٩- (٩) - الحيوان: قيل الحيوان و الحياه واحد، و قيل الحيوان ما فيه الحياه و الموتان ما ليس فيه الحياه..
- ١٠- (١٠) - مقتبس من الآيه الشريفه و إن الدار الآخره لهى الحيوان لو كانوا يعلمون العنكبوت: ٦٤..
- ١١- (١١) - به و له: أى نحن موجودين بالله و باستعانته و ينبغى أن نخلص له أعمالنا..
- ١٢- (١٢) - وقعه صفيين: ١٠؛ شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد: ١٠٨/٣؛ بحار الأنوار: ٣٥٦/٣٢؛ نهج السعاده: ١/٤٢٧..

و نزدیکترین امور به خشنودی پروردگار و بهترین آن‌ها در نتیجه و عاقبت کار در پیشگاه خداوند است، شما به تقوا و پرهیزکاری مأمور و برای نیکی و بندگی آفریده شده‌اید. پس بترسید از [کیفر] خدا آن چنان که شما را از [کیفر] خود ترسانده است زیرا خداوند از عذاب شدید برحذر داشته است. و از خدا پروا کنید و هیچ سستی در خشیت از او روا مدارید.

عمل کنید عملی که از روی ریا و کسب شهرت و آوازه نباشد، زیرا آن که برای غیر خدا تلاش کند خداوند او را به آن غیر وا می‌گذارد، و کسی که از روی اخلاص برای خدا کار کند خداوند خود پاداش او را عهده دار می‌شود.

از عذاب خدا در هراس باشید زیرا شما را بیهوده نیافریده و چیزی از امور شما را مهمل رها نکرده است. همانا آثار و نتایج کارتان را برشمرده و از اعمالتان آگاه است و هنگام مرگتان را مقرر فرموده است. پس فریب دنیا را نخورید. زیرا دنیا نسبت به اهلش بسیار فریبکار و خدعه‌گر است. هر کس که گول او را بخورد هلاک شده است. هر چه در دنیا است رو به فنا و نیستی است و آخرت خانهٔ حیات و جاودانگی است اگر بدانید.

از خداوند منزلت شهیدان، همراهی پیامبران و زندگی نیکبختان را خواستارم، همانا هستی ما از اوست و به سوی او باز می‌گردیم.

□
روى عن زيد بن وهب أنه قال: خطب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب صلوات الله عليه يوم الجمعة فقال:

□
الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَلِيِّ الْحَمِيدِ؛ الْحَكِيمِ الْمَجِيدِ (١)؛ الْفَعَالِ لِمَا يُرِيدُ؛ عَلَّامِ الْغُيُوبِ؛ وَسَيِّئَاتِ الْعُيُوبِ؛ وَخَالِقِ الْخَلْقِ وَمُنزِلِ الْقَطْرِ (٢)؛
وَمُدَبِّرِ الْأَمْرِ؛ وَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛ وَالدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ وَارِثِ الْعَالَمِينَ؛ وَخَيْرِ الْفَاتِحِينَ؛ الَّذِي مِنْ عِظَمِ شَأْنِهِ أَنَّهُ لَأَشَىءٌ مِثْلُهُ.

تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعِظَمَتِهِ؛ وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ؛ وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَقَرَّ (٣) كُلُّ شَيْءٍ قَرَارَهُ لِهَيْبَتِهِ (٤)، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ
مَنْ خَلَقَهُ لِمُلْكِهِ (٥) وَرُبُوبِيَّتِهِ؛ الَّذِي «يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (٦)، وَأَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ، وَيَحْدُثَ شَيْءٌ إِلَّا
بِعِلْمِهِ.

ص: ٣٤

١- (١) المجيد: صاحب المجد و العظمه، الشريف..

٢- (٢) القطر: المطر..

٣- (٣) قر: قر قراراً: ثبت و سكن..

٤- (٤) - الهيبة: الخوف: الوقار..

٥- (٥) المُلْك: المملكه و قيل السلطنه و هى الإستيلاء مع ضبط و تمكّن مع التصرف..

٦- (٦) - الحج: ٦٥..

۶ - خطبه دیگری از امیرالمؤمنین علیه السلام در روز جمعه

از زید بن وهب نقل شده که گفت: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب صلوات الله علیه در روز جمعه چنین خطبه خواند:

حمد خدای را که یاور است و ستوده، حکیم است و صاحب مجد و عظمت، آنچه را اراده کند انجام دهد، نهان ها را می داند و عیب ها را می پوشاند، آفریننده پدیده ها و فرستنده باران تدبیر کننده کارها، پروردگار آسمان ها و زمین و دنیا و آخرت، وارث جهانیان، بهترین گشاینده گان، خدای عظیم الشانی که همانندی برای او نیست.

هر چیزی در برابر عظمت او فروتن، هر شیئی در مقابل عزت او ذلیل و در مقابل قدرت او تسلیم، هر چیزی از بیم او آرام و ساکن و تمام مخلوقاتش در برابر سلطنت و ربوبیت او خاضع اند.

خداوندی که «آسمان را نگاه می دارد تا [مبادا] بر زمین فرو افتد، مگر به اذن خودش» و قیامت بر پا نمی شود مگر به فرمان او. و چیزی حادث نمی گردد مگر به دانش او.

نَحْيِدُهُ عَلَى مَيَا كَانَ، وَنَسْتَعِينُهُ مِنْ أَمْرِنَا عَلَى مَا يَكُونُ، وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، مَلِكُ
الْمُلُوكِ، وَسَيِّدُ السَّادَاتِ، وَجَبَّارٌ (١) السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (٢)، الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ (٣)؛ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ؛ دَيَّانٌ (٤)
يَوْمَ الدِّينِ، وَرَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ دَاعِيًا إِلَى الْحَقِّ؛ وَشَاهِدًا عَلَى الْخَلْقِ، فَبَلَغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ كَمَا أَمَرَهُ؛ لَامْتَعِدِيًّا وَلَا مُقْصِرًا،
وَجَاهِدًا فِي اللَّهِ أَعْدَاءَهُ لَأَوَانِيًا (٥) وَلَا نَاكِلًا (٦) وَنَصَحَ لَهُ فِي عِبَادِهِ صَابِرًا مُحْتَسِبًا (٧)، فَقَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَقَدْ رَضِيَ عَمَلَهُ، وَتَقَبَّلَ
سَعْيَهُ وَغَفَرَ ذَنْبَهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَاعْتِنَامِ طَاعَتِهِ مَا اسْتَطَعْتُمْ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ (٨) الْفَانِيَةِ، وَإِعْدَادِ الْعَمَلِ الصَّالِحِ لِجَلِيلِ مَا يُشْفِي
(٩) بِهِ عَلَيْكُمْ الْمَوْتُ

ص: ٣٦

١- (١) - الجَبَّار: المسلط، و الجَبَّار من اسمائه تعالى و هو اللذى يجبر الخلق و يقهرهم على بعض الأمور التى ليس لهم فيها
اختيار و لا- على تغييرها قدره و اللذى يجبر حالهم و يصلحه و قيل: الجَبَّار: العظيم الشأن فى الملك و السلطان و لا يطلق هذا
الوصف على غيره تعالى [إلأعلى] وجه الذم..

٢- (٢) - القَهَّار: القاهر: شديد القهر و الغلبه و قَهَّار مبالغه..

٣- (٣) - المتعال: المتعالى: الذى جلّ عن كلّ وصف و هو متفاعل من العلوّ و قد يكون بمعنى العالى..

٤- (٤) - الديان: القهار، القاضى، المحاسب و المُجازى، الحاكم و السائس..

٥- (٥) - الوانى: من الونى بمعنى الفتور و الضعف..

٦- (٦) - النّاكل: نكل: نكص و جبن، الناكل: الحبان، الضعيف..

٧- (٧) - المحتسب: احتسب الأمر: نوى به وجه الله..

٨- (٨) - الخاليه: الماضيه..

٩- (٩) - أشفى: أشفى على الشىء: أشرف عليه..

سپاس می گوئیم او را بر آنچه بوده و یاری می طلبیم از او بر کارمان در آینده، از او خواهش مغفرت و هدایت داریم و گواهی می دهیم که جز او معبودی نیست. تنها و بی شریک، شاه پادشاهان، بزرگ بزرگان، صاحب قدرت مسلط در آسمان و زمین، تنهای پیروز، بزرگ متعال، صاحب جلال و کرامت، قاضی روز جزا، پروردگار ما و پروردگار پدران پیشین ما.

گواهی می دهیم همانا محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده خدا است، که او را برای دعوت به سوی حق و شاهد بر خلق فرستاده است. او نیز پیام ها و رسالت های پروردگارش را آن چنان که فرموده بود به انجام رسانید. نه از حد گذشت و نه کوتاهی نمود. در راه خدا با دشمنان خدا به جهاد پرداخت نه سستی کرد و نه ضعف و ترسی نشان داد. و برای خدا درباره بندگانش خیرخواهی نمود و در این کار بردباری نمود و جز خدا را در نظر نداشت. آن گاه خداوند روح او را به سوی خود برد در حالی که از کردار او راضی بود و تلاش او را پذیرفته و او را بخشوده بود، درود خدا بر او و خاندانش.

بندگان خدا شما را سفارش می کنم به مراعات تقوای الهی و غنیمت شمردن طاعت او در این روزگار گذرا و فانی شونده آنچه بتوانید.

و توصیه می کنم به فراهم کردن کردار نیک برای امور مهمی که مرگ، شما را در معرض آن قرار داده است.

وَأْمُرْكُمْ بِالرَّفْضِ لِلْهَدْيِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ؛ الزَّائِلَةِ عَنْكُمْ وَإِنْ لَمْ تَكُونُوا تُحِبُّونَ تَرْكَهَا، وَالْمَبْلِيَةِ (١) لِأَجْسَادِكُمْ وَإِنْ أَحَبَبْتُمْ تَجْدِيدَهَا، فَإِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَمَثَلُهَا كَرَكِبٍ (٢) سَلَكَوا سَبِيلًا فَكَأَنَّهُمْ قَدْ قَطَعُوهُ، وَأَفْضُوا (٣) إِلَى عِلْمٍ فَكَأَنَّهُمْ قَدْ بَلَغُوهُ وَكَمْ عَسَى الْمُجْرِي إِلَى الْغَايَةِ أَنْ يَجْرِيَ إِلَيْهَا حَتَّى يَبْلُغَهَا؛ وَكَمْ عَسَى أَنْ يَكُونَ بَقَاءٌ مِنْ لَهُ يَوْمٌ لَيَعُدُّوهُ، وَطَالِبٌ حَيْثُ (٤) مِنَ الْمَوْتِ يَحْدُوهُ (٥).

فَلَا تَنَافَسُوا (٦) فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَفَخْرِهَا، وَلَا تَعَجَّبُوا بِزِينَتِهَا وَنَعِيمِهَا، وَلَا تَجَزَّعُوا مِنْ ضَرَائِهَا (٧) وَبُؤْسِهَا (٨)؛ فَإِنَّ عِزَّ الدُّنْيَا وَفَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ، وَإِنَّ زِينَتَهَا وَنَعِيمَهَا إِلَى ارْتِجَاعٍ، وَإِنَّ ضَرَاءَهَا وَبُؤْسَهَا إِلَى نَفَادٍ، وَكُلُّ مُدَّةٍ فِيهَا إِلَى مُنْتَهَى، وَكُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى بَلِيٍّ.

أَوْلَيْسَ لَكُمْ فِي آثَارِ الْأَوَّلِينَ؛ وَفِي آيَاتِكُمُ الْمَاضِيَةِ بَيْنَ مُعْتَبِرٍ وَبَصِيرَةٍ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ أَوْ لَمْ تَرَوْا إِلَى الْأَمْوَاتِ لِمَا يُزْجَعُونَ، وَإِلَى الْأَخْلَافِ مِنْكُمْ لَيُخْلَدُونَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى - وَالصَّدُوقُ قَوْلُهُ - : «وَحَرَامٌ عَلَى قَرِيْبِهِ

ص: ٣٨

١- (١) - المبلية: بلى: خلق ورت..

٢- (٢) - الركب: جمع راكب..

٣- (٣) - أفضوا: انتهوا، افضى إلى الاخرى: صار إليها..

٤- (٤) - حيث: سريع..

٥- (٥) - يحدو: حداً بالابل إذا زجرها و غنى لها ليحثها على السير و يحدوه أى يسوقه..

٦- (٦) - تنافسوا: رغبوا..

٧- (٧) - الضراء: من الضرّ و قيل المرض و نقصان الأنفس و الأموال..

٨- (٨) - البؤس: ضد النعيم، الفقر و الخوف و شدة الإفلاس و سوء الحال..

شما را به دور انداختن این دنیا که شما را رها خواهد کرد و از دستتان بیرون خواهد رفت فرا می خوانم - اگر چه ترک آن را دوست نمی دارید - و پیکرهای شما را فرسوده می کند - اگر چه شما تازه بودن آن را دوست می دارید - همانا مثل شما و دنیا به سوارگانی مانند که راهی را پیموده اند و گمان می کنند آن را به پایان برده اند! و هدفی رانشانه رفته اند و گمان می برند که به آن دست یافته اند؛ چه بسا رهپوی به سوی هدفی که امید رسیدن دارد، و چه بسا آرزومند بقا که روزی در پی دارد که از او نخواهد گذشت و جوینده پر شتابی از سوی مرگ او را به پیش می راند.

پس در عزت و ناز دنیا فرو نروید، و از زینت و نعمت دنیا شگفت زده نشوید. و در مقابل سختیها و شداید دنیا بی تابى نکنید، چرا که عزت و افتخار دنیا رو به گسیختگی، و آرایش و آسایش آن رو به برگشت، و سختی ها و ناراحتی های آن رو به پایان است. و هر وقت و زمانی در دنیا [هر چه دراز باشد] رو به انتها است و هر زنده ای در دنیا در معرض نیستی و فنا است.

آیا در آثار پیشینیان و پدران گذشته تان عبرت و بصیرتی برای شما نیست؟! [بلی هست] اگر صاحب عقل باشید. مردگان را نمی نگرید که باز نمی گردند؟! و بازماندگان که جاودان نمی شوند؟!!

خداوند متعال می فرماید: - و صدق و راستی گفتار خداوند است - «و بر [مردم] شهری که آن را هلاک کرده ایم،

أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ» (١) وَقَالَ: «كُلَّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ؛ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (٢).

أَوْلَسْتُمْ تَرَوْنَ إِلَىٰ أَهْلِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُصِيبُونَ عَلَىٰ أَحْوَالِ شَيْءٍ؛ فَمِنْ مَيِّتٍ يُبْكِي، وَمَنْجُوعٍ يُعْزَى، وَصَدْرٍ يُتْلَوَى (٣)، وَآخِرٍ يُبَشِّرُ وَيُهَيِّئُ، وَمِنْ عَائِدٍ يُعُودُ، وَآخِرٍ بِنَفْسِهِ يَجُودُ؛ وَطَالِبٍ لِّلدُّنْيَا وَالْمَوْتِ يَطْلُبُهُ، وَغَافِلٍ وَلَيْسَ بِمَغْفُولٍ عَنْهُ! وَعَلَىٰ أَثَرِ الْمَاضِي مَا يَمْضِي الْبَاقِي.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ؛ الَّذِي بَقِيَ وَيَفْنَىٰ مَا سِوَاهُ، وَإِلَيْهِ مَوْتٌ (٤) الْخَلْقِ وَمَرْجِعُ الْأُمُورِ، وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

أَلَا إِنَّ هَذَا يَوْمٌ جَعَلَهُ اللَّهُ لَكُمْ عِيدًا، وَهُوَ سَيِّدُ أَيَّامِكُمْ وَأَفْضَلُ أَعْيَادِكُمْ، وَقَدْ أَمَرَكُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِالسَّعْيِ فِيهِ إِلَىٰ ذِكْرِهِ فَلْتَعَظُمِ فِيهِ رَغَبَتُكُمْ، وَلْتَخْلُصَ نِيَّتُكُمْ، وَأَكْثِرُوا فِيهِ مِنَ التَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ وَالِدُعَاءِ، وَمَسْأَلَةِ الرَّحْمَةِ وَالْغُفْرَانِ، فَإِنَّ اللَّهَ يَسْتَجِيبُ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ دُعَاءَهُ، وَيُورِدُ النَّارَ كَمَا لَمْ تُسْتَكْبِرْ عَنْ عِبَادَتِهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (٥).

ص: ٤٠

١- (١) - الأنبياء: ٩٥..

٢- (٢) - آل عمران: ١٨٥..

٣- (٣) - تلوَى: انعطف و لم يجر على الاستقامه..

٤- (٤) - المواتل: الأول: الرجوع، و المواتل المرجع..

٥- (٥) - غافر: ٦٠..

بازگشتشان [به دنیا] حرام است.» و نیز می فرماید: «هر جاننداری چشندۀ [طعم] مرگ است، و همانا روز رستاخیز پادشاهیتان به طور کامل به شما داده می شود. پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت در آورند قطعاً کامیاب شده است؛ و زندگی دنیا جز مایۀ فریب نیست.»

آیا شما اهل دنیا را نمی نگرید که بر حالات مختلف صبح و شام می کنند مرده ای که بر او می گریند، داغ دیده ای که که او را تسلی می دهند، افتاده ای که بر خود می پیچد، و آن دیگری که مژده اش می دهند و تهنیت می گویند.

و مسافری که بر می گردد و دیگری که جان تسلیم می کند، و طالب دنیا که مرگ در طلب اوست، و غافل که مورد غفلت و فراموش شده نیست!! و بر منوال گذشته جاری است آنچه باقی است.

و حمد خدای را که پروردگار جهانیان، آسمانها و زمینهای هفتگانه و پروردگار عرش عظیم است خدای باقی که هر چه جز اوست فانی است و بازگشت آفریده ها و پدیده ها به سوی اوست و او مهربانترین مهربانان است.

همانا این [جمعه] روزی است که خداوند برای شما عید قرار داده و آن سید [و سرور] روزهای شما، و بهترین عیدهای شما است. خداوند در کتاب خود شما را فرمان داده که در آن روز به سوی یاد او (نماز جمعه) بشتابید. پس رغبت و میلتان را در آن بزرگ تر و نیتتان را خالص گردانید و در آن روز تضرع به سوی خدا و دعا و درخواست رحمت و بخشش را افزون کنید، چرا که خداوند دعای هر مؤمنی را اجابت می کند و هر کس را از پرستش او کبر بورزد به آتش [جهنم] در آورد، خداوند متعال می فرماید: «مرا بخوانید تا شما

را اجابت کنم. در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می ورزند به زودی خوار در دوزخ می آیند.»

وَعَلِّمُوا أَنَّ فِيهِ سَاعَةً مُبَارَكَةً لَا يَسْأَلُ اللَّهُ فِيهَا مُؤْمِنٌ خَيْرًا إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ.

وَالْجَمْعَةُ وَاجِبُهُ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ إِلَّا الصَّبِيَّ وَالْمَرَأَةَ وَالْعَبْدَ وَالْمَرِيضَ وَالْمَجْنُونَ وَالشَّيْخَ الْكَبِيرَ وَالْأَعْمَى وَالْمُسَافِرَ وَمَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ فَرَسَخَيْنِ.

غَفَرَ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ سَالِفَ ذُنُوبِنَا؛ وَعَصَمَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنْ اقْتِرَافِ الذُّنُوبِ بَقِيَّةَ أَعْمَارِنَا.

إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ وَأَبْلَغَ الْمَوْعِظَةِ كِتَابُ اللَّهِ الْكَرِيمِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ، مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

و كان عليه السلام يقرأ «قل هو الله أحد» أو «قل يا أيها الكافرون» أو «إذا زلزلت» أو «ألهاكم» أو «و العصر» و كان مما يدوم عليه «قل هو الله» ثم يجلس كلاولا (1) ثم يقوم فيقول:

الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمِدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنُؤْمِنُ بِهِ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ، وَنَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ؛ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَامُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوَانُهُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَصَفِيكَ صَلَاةً تَامَّةً نَامِيَةً زَاكِيَةً تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتَهُ، وَتُبَيِّنُ بِهَا فَضِيلَتَهُ.

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

ص: ۴۲

۱- (۱) - كلاولا: كناية عن قلّه جلوسه عليه السلام أى كان يجلس بقدر ما يتلفظ بقول «لاولا»..

و بدانید که در روز جمعه ساعتی مبارک است که [در آن ساعت] بنده مؤمن خیری را از خدا طلب نمی کند، مگر این که خداوند عطایش می کند.

و [نماز] جمعه واجب است بر هر مؤمن مگر بر کودک، زن، برده و مریض.

خداوند بر ما و شما گناهان گذشته مان را ببخشد و ما و شما را از ارتکاب گناهان در بقیه عمرمان حفظ فرماید.

همانا بهترین گفتارها و رساترین پندها کتاب خدای کریم است. از شیطان رانده شده به خداوند شنوا ودانا پناه می برم، درحقیقت، خداوند شنوا ودانا است.

آن گاه حضرت سوره «قل هو الله احد» یا «قل یا ایها الکافرون» یا «اذا زلزلت» یا «الهاکم التکاثر» یا «والعصر» را می خواند؛ و آنچه بیشتر بر آن مداومت داشت «قل هو الله» بود. سپس لحظه ای می نشست، سپس بر می خاست و می فرمود:

حمد خدای را، او را سپاس می گوئیم و از او مدد می جوئیم به او ایمان داریم و بر او توکل می کنیم و گواهی می دهیم که معبودی جز خدای نیست تنها است و بی شریک و محمّد بنده و فرستاده اوست. درود خدا بر او و خاندانش و نیز سلام و مغفرت و رضوانش.

خداوندا! بر محمّد، بنده، فرستاده، پیامبر و برگزیده ات درود بفرست درودی کامل، رشد یابنده و پاکیزه که مرتبه اش را با آن درود بالا ببری و فضیلتش را آشکار سازی.

و درود بفرست بر محمّد و آل محمّد چنان که درود فرستادی و مبارک گردانیدی بر ابراهیم و آل ابراهیم همانا تو پسندیده و بزرگواری.

اللَّهُمَّ عَذِّبْ كَفْرَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ، وَيَجْحَدُونَ آيَاتِكَ وَيُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ.

اللَّهُمَّ خَالَفَ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَأَلْقَى الرُّعْبَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَأَنْزَلَ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ (١) وَنَقَمَتَكَ (٢) وَبَأْسَكَ (٣) الَّذِي لَاتَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ.

اللَّهُمَّ انصُرْ جُيُوشَ الْمُسْلِمِينَ وَسَرَايَاهُمْ (٤) وَمُرَابِطِهِمْ (٥) حَيْثُ كَانُوا فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَلِمَنْ هُوَ لَمَّا حَقَّ بِهِمْ، وَاجْعَلِ التَّقْوَى زَادَهُمْ وَالْجَنَّةَ مِآبَهُمْ، وَالْإِيمَانَ وَالْحِكْمَةَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَأَوْزِعْهُمْ (٦) أَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، وَأَنْ يُوفُوا بِعَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَهُمْ عَلَيْهِ، إِلَهَ الْحَقِّ وَخَالِقِ الْخَلْقِ، آمِينَ.

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى، وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ، يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (٧).

أذْكُرُوا اللَّهَ فَإِنَّهُ ذَاكِرٌ لِمَنْ ذَكَرَهُ، وَسَيَلُوهُ رَحْمَتَهُ وَفَضْلَهُ فَإِنَّهُ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ دَاعٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ دَعَاةً. «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (٨). (٩)

ص: ٤٤

١- (١) - الرجز: العذاب..

٢- (٢) - النقمة: الأخذ بالعقوبة..

٣- (٣) - البأس: الشدة في الحرب، العذاب..

٤- (٤) - سرايا: سرية: القطعة من الجيش من خمس أنفس إلى ثلاثمأة وأربعمأة توجه مقدم الجيش إلى العدو، والجمع سرايا..

٥- (٥) - المرابطين: المرابطه: ملازمه ثغر العدو، والمقيم في الثغر هو المرابط..

٦- (٦) - أوزع: ألهم..

٧- (٧) - النحل: ٩٠..

٨- (٨) - البقره: ٢٠١..

٩- (٩) - مصباح المتهدج، بتصحيح الشيخ حسين الاعلمى، ص ٢٧٢. مصباح المتهدج، بتصحيح على اصغر مرواريد، ص ٣٨٠؛

من لا يحضره الفقيه: ١/٢٧٥ ح ٤٦ باختلاف لفظي وزيادات؛ نهج البلاغه: خطبه ٩٩، قطعه منها؛ نهج السعاده: ١/٤٩٩..

خداوندا! کافران اهل کتاب و مشرکان را که از راه تو باز می دارند و آیات تو را انکار و فرستادگانت را تکذیب می کنند، به عذابت گرفتار ساز.

خداوندا! اختلاف کلمه میان ایشان پدید آور، و ترس و وحشت در دلشان بینداز و عذاب و نعمت و شدت خود را که از گروه مجرمان بر نمی گردانی بر ایشان فرود آور.

خداوندا! لشکر مسلمین و پیشتازان ایشان و مرزدارانشان هر کجا که باشند از خاور زمین و باختر آن یاری فرما که تو بر هر چیزی توانایی.

خداوندا! مردان و زنان مؤمن و مسلمان و کسانی را که به آنها پیوسته اند بیامرز، پرهیزکاری را توشه راه و بهشت را برگشتنگاه ایشان قرار ده، و ایمان و حکمت را در دلشان مقرر فرما، و الهامشان کن که شکر نعمتی که به ایشان عطا کرده ای به جای آورند و به عهدی که با آنها بسته ای وفا کنند، ای خدای حق و آفریننده خلق، آمین.

«در حقیقت خدا به داد گری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می دارد، به شما اندرز می دهد باشد که پند گیرید.»

خدا را یاد کنید چرا که خداوند یاد کننده اش را یاد می کند و از خدا رحمت و فضلش را بخواهید چرا که هر دعا کننده ای از مؤمنان خدا را بخواند ناامید نمی شود.

«پروردگارا! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش [دور] نگهدار.»

خطبها في يوم الجمعة

□
الشيخ ابو جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسي (رضي الله عنه) قال: أخبرنا أحمد بن محمد بن الصلت الأهوازي، قال: أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد بن عبدالرحمان الحافظ، قال: حدّثني محمد بن عيسى بن هارون ابن سلام الضرير أبوبكر، قال: حدّثنا محمد بن زكريا المكي قال حدّثني كثير بن طارق، قال:

سمعت زيد بن علي - مصلوب الظالمين - يقول: حدّثني أبي علي بن الحسين بن علي عليهم السلام قال: خطب علي بن أبي طالب عليه السلام بهذه الخطبة في يوم الجمعة فقال:

□
الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَوَحِّدِ بِالْقَدَمِ (١) وَالْأَزَلِيِّ (٢)، أَلَّذِي لَيْسَ لَهُ غَايَةٌ فِي دَوَامِهِ وَلَا لَهُ أَوْلِيَّةٌ (٣)، أَنْشَأَ صُنُوفَ الْبَرِيَّةِ لِمِنْ أُصُولٍ كَانَتْ بَدِيَّةً (٤)، وَارْتَفَعَ عَنِ مُشَارَكَةِ الْأَنْدَادِ (٥)، وَتَعَالَى عَنِ اتِّخَاذِ صَاحِبِهِ وَأَوْلَادِهِ.

ص: ٤٦

-
- ١- (١) - الْقِدَمُ: ضد حدائه، والقديم من أسمائه تعالى وهو الموجود الذي لم يزل وإن شئت فسرتّه بالموجود الذي ليس لوجوده ابتداء..
 - ٢- (٢) - الْأَزَلُ: القدم، ومن صفاته تعالى ديمومي في المستقبل أزلي في الماضي..
 - ٣- (٣) - الْأَوْلِيَّةُ: في نهج البلاغه، خ ١٦٣: «ليس لأوليته ابتداء ولا لأزليته انقضاء».
 - ٤- (٤) - بَدِيَّةٌ: مؤنث البدى بالتشديد أى الاول، ومنه الحمد لله بدياً..
 - ٥- (٥) - الْأَنْدَادُ: جمع ندّ: المثل والنظير..

۷- خطبه دیگری از آن حضرت در روز جمعه

ستایش خداوندی را که در قدمت و ازلیت یگانه است، خدایی که جاودانگی او را پایانی نیست و ابتدائیت او را آغازی نباشد. گونه های مخلوق را بدون الگوی پیشین پدید آورد، و از مشارکت همتایان برتری جست (زیرا همه موجودات مخلوق خدایند و او را مثل و همتایی نیست). و والاتر از این است که همسر و فرزندان داشته باشد.

ص: ۴۷

هُوَ الْبَاقِي بِغَيْرِ مُدَّةٍ، وَالْمُنْشَىءُ لِبِأَعْوَانٍ، وَلَا بِأَلِهٍ فَطَرَ، وَلَا بِجَوَارِحٍ صَرَفَ مَا خَلَقَ، لَا يَحْتَاجُ إِلَى مُحَاوَلَةٍ التَّفَكِيرِ وَلَا مُزَاوَلَةٍ (١) مِثَالٍ
وَلَا تَقْدِيرٍ، أَحَدَتْهُمْ عَلَى صُنُوفٍ مِنَ التَّخْطِيطِ (٢) وَالتَّصْوِيرِ، لِابْرُوِيَّةِ (٣) وَلَا ضَمِيرِ (٤)!

سَبَقَ عِلْمُهُ فِي كُلِّ الْأُمُورِ وَنَفَذَتْ مَشِيئَتُهُ فِي كُلِّ مَا يُرِيدُ فِي الْأَزْمَنَةِ وَالذُّهُورِ، وَانْفَرَدَ بِصَنْعَةِ الْأَشْيَاءِ فَأَتَقَنَهَا بِلَطَائِفِ التَّدْبِيرِ سُبْحَانَهُ
مِنَ لَطِيفِ (٥) خَيْرٍ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. (٦)

ص: ٤٨

١- (١) - مزاوله: مثل المحاولة و المعالجه ..

٢- (٢) - التخطيط: ذواضلاع ..

٣- (٣) - رويّه: فكر و امعان نظر..

٤- (٤) - ضمير: و في نهج البلاغه، خ ١٠٨؛ «خلق الخلق من غير رويّه، إذ كانت الرّويّات لتأليق إلأبدوى الضمائر، و ليس بذى
ضمير في نفسه» و في خ ٢١٣ منه: «المقدّر لجميع الأمور بلا رويّه و لا ضمير».

٥- (٥) - لطيف: يعبر باللطافه و اللطف عن الحركة الخفيفه و تعاطى الأمور الدقيقه و قد يعبر باللطائف عمّا لاتدرکه الحاسه، و
يصح أن يكون وصف الله تعالى به على هذا الوجه و أن يكون لمعرفته بدقائق الأمور، و أن يكون لرفقه بالعباد في هدايتهم. و
اللطيف: الرفق..

٦- (٦) - كتاب الأمالي، لشيخ الطائفة أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي، ص ٧٠٤، حديث ١٥٠٩، مجلس ٤١؛ نهج السعادة:
..٦/٣

او باقی است بدون این که سرمدیت او محدود به زمانی باشد، پدید آورنده ای که نیازی به همکار ندارد، و بدون ابزار آفرید و بدون داشتن اندام و عضوی امور مخلوقات را تدبیر کرد. نیازی برای به کار انداختن فکر و تهیّه الگو و اندازه گیری ندارد.

پدیده ها را در اندازه ها و شکلهای گوناگون به وجود آورد، بدون فکر و اندیشه، علم او در همه امور سابق و مشیت او در هر آنچه که اراده کند در زمان ها و روزگاران نافذ است.

به تنهایی اشیاء را آفرید و با ظرائف و دقت تدبیر، ساخت آنها را کامل و استوار گردانید. پاک و منزّه است خدای لطیف و خبیر همانند او چیزی نیست و او شنوا و بینا است.

روى جابر عن أبى جعفر عليه السلام قال: خطب أمير المؤمنين صلوات الله عليه يوم جمعه فقال:

□
 الْحَمْدُ لِلَّهِ ذِي الْقُدْرَةِ وَالسُّلْطَانِ وَالرَّأْفَةِ وَالْإِمْتِنَانِ، أَحْمَدُهُ عَلَى تَتَابُعِ النُّعْمِ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنَ الْعَذَابِ وَالنَّقْمِ (١)، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ مُخَالَفَةً لِلْجَاهِلِينَ وَمُعَانَدَةً لِلْمُظْلِمِينَ وَإِقْرَاراً بِأَنََّّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ فَقَفَى بِهِ الْمُرْسَلِينَ وَخَتَمَ بِهِ النَّبِيِّينَ وَبَعَثَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ، فَقَدْ أَوْجَبَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ وَأَكْرَمَ مَثْوَاهُ (٢) لَدَيْهِ وَأَجْمَلَ إِحْسَانَهُ إِلَيْهِ. أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي هُوَ وَلِيُّ ثَوَابِكُمْ وَإِلَيْهِ مَرَدُّكُمْ وَمَا بَيْنَكُمْ فَبَادِرُوا بِمَذَلِكِ قَبْلَ الْمَوْتِ الَّذِي لَا يُنْجِيكُمْ مِنْهُ حِصْنٌ مَنِيْعٌ وَلَا هَرَبٌ سَرِيْعٌ فَإِنَّهُ وَارِدٌ نَازِلٌ وَوَاقِعٌ عَاجِلٌ وَإِنْ تَطَاوَلَ الْأَمَلُ وَامْتَدَّ وَكُلُّ مَا هُوَ آتٍ قَرِيْبٌ

ص: ٥٠

١- (١) - النقم: بالكسر جمع النقمه و هى المكافات بالعقوبه، و النقم: بالفتح مصدر..

٢- (٢) - مثنوى: المنزل و المنزله..

۸ - خطبه ای دیگر از علی علیه السلام در روز جمعه

جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که امیرالمؤمنین علیه السلام در روز جمعه چنین خطبه خواندند:

سپاس خدایی را که صاحب قدرت و اختیار، مهربان و حق شناس است، حمد می گویم او را در برابر نعمتهای پی در پی و پناه می برم به در گهش از عذاب و مکافات، و بر خلاف منکران و علی رغم اهل باطل شهادت می دهم معبودی جز خدای واحد و لاشریک نیست و این که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول اوست که او را در پی رسولان فرستاده و سلسله انبیاء را به وسیله او پایان بخشیده و حضرتش را رحمت برای جهانیان مبعوث کرده است - درود بر او و بر آل او اجمعین - و درود بر او را واجب گردانیده و منزلت او را در پیشگاه خود گرامی داشته و احسانش را نسبت به او نیکو قرار داده است.

بندگان خدا! شما را به تقوای الهی توصیه می کنم، او که متولی و صاحب پاداش شما است و برگشت و بازگشت شما به سوی اوست، پس پیش از مرگ به پرهیزکاری سبقت بجوید، مرگی که هیچ دژ استوار و هیچ گونه فرار با سرعت و شتاب. شما را از دست او رهایی نمی بخشد چرا که مرگ وارد می شود، فرود می آید و به سرعت واقع خواهد شد اگر چه آرزوها دراز و مهلت ها طولانی باشد؛ و هر چیزی که آمدن او قطعی باشد نزدیک است.

ص: ۵۱

وَمَنْ مَهَّدَ لِنَفْسِهِ فَهُوَ الْمُصِيبُ. تَزَوَّدُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ الْيَوْمَ لِيَوْمِ الْمَمَاتِ وَاحذَرُوا أَلِيمَ هَوْلِ الْبَيَاتِ (١)، فَإِنَّ عِقَابَ اللَّهِ عَظِيمٌ وَعَذَابُهُ أَلِيمٌ نَارٌ تَلْهَبُ وَنَفْسٌ تُعَذِّبُ وَشَرَابٌ مِنْ صَدِيدٍ (٢) وَمَقَامِعٌ (٣) مِنْ حَدِيدٍ، أَعَاذَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ النَّارِ وَرَزَقَنَا وَإِيَّاكُمْ مُرَافَقَهُ الْأَبْرَارِ وَغَفَرَ لَنَا وَلَكُمْ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. إِنَّ أَحَ سَنَ الْحَدِيثِ وَأَبْلَغَ الْمَوْعِظَةِ كِتَابُ اللَّهِ.

□
ثُمَّ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ، وَقَرَأَ سُورَةَ الْعَصْرِ، ثُمَّ قَالَ:

□
جَعَلْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِمَّنْ تَسْعُهُمْ رَحْمَتُهُ وَيَشْمَلُهُمْ عَفْوُهُ وَرَأْفَتُهُ، وَاسْتَغْفِرُ اللَّهُ لِي وَلَكُمْ.

ثُمَّ جَلَسَ يَسِيراً، ثُمَّ قَامَ، فَقَالَ:

□
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَنَا فِي عُلُوِّهِ وَعَلَا فِي دُنُوِّهِ وَتَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِجَلَالِهِ وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَ أَحَمَدُهُ مُقَصِّراً عَنْ كُنْهِ شُكْرِهِ وَأُومِنُ بِهِ إِذْعَاناً لِرُبُوبِيَّتِهِ وَاسْتَعِينُهُ طَالِباً لِعِصْمَتِهِ وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ مُفَوِّضاً إِلَيْهِ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَهًا وَاحِداً أَحِداً فَرِداً صَيِّمِداً وَتِراً لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلِداً، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُصْطَفَى □ وَرَسُولُهُ الْمُجْتَبَى □ وَأَمِينُهُ الْمُرْتَضَى □ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ

ص: ٥٢

١- (١) - البيات: بيت القوم أو العدو: أوقع بهم ليلاً من دون أن يعلموا..

٢- (٢) - صديد: ما حال بين اللحم والجلد من القيح و ضرب مثلاً لمطعم أهل النار (و يسقى من ماء صديد)..

٣- (٣) - مقامع: جمع مقمَع و هو ما يضرب به و يذلل، و في مجمع البحرين: جمع مقمعه و هي شىء من حديد كالمحجن يضرب به..

و هر کسی برای خود آمادگی کسب کند رستگار است.

خدا شما را رحمت کند، امروز برای روز مرگ توشه بگیرید و از رنج غافلگیری هراس انگیز مرگ حذر کنید. همانا کیفر الهی بزرگ و عذابش دردناک است. آتشی که شعله می کشد و جانی که شکنجه می شود، نوشیدنی از خونابه و چرک و گرزهایی از آهن [گداخته].

خداوند ما و شما را از آتش جهنم پناه دهد، و همراهی نیکان را روزی ما و شما گرداند و ما و شما را جملگی ببخشد که او بسیار بخشنده و مهربان است. همانا بهترین سخن و رساترین موعظه کتاب خدا است.

آن گاه حضرت اعوذ بالله... گفته و سوره عصر را قرائت کردند و فرمودند:

خداوند ما و شما را مشمول رحمت، گذشت و رأفت خود قرار دهد. از درگاه خداوند برای خود و شما طلب مغفرت می کنم.

با پایان خطبه اول حضرت اندکی نشسته سپس برخاسته و خطبه دوم را چنین بیان کردند:

سپاس خداوندی را که در عین بلندی مرتبت نزدیک است و در عین نزدیکی بودن عالی و بلند مرتبه است. هر چیزی در برابر جلال او، فروتن و همه اشیاء در برابر عزّتش تسلیم و در مقابل قدرتش خاضعند. و سپاس می گویم او را با عذر تقصیر در ادای شکرش، و ایمان دارم به او با اعتراف به پروردگاری و ربوبیتش، و از او مدد می جویم و حفظ و حمایتش را خواهانم، بر او توکل نموده و کار را به او واگذارده ام، و شهادت می دهم معبودی جز الله نیست تنها و بی شریک، خدای واحد و احد، فرد، بی نیاز، تک، که همسر و فرزند و برنگزیده است. و شهادت می دهم همانا محمد بنده برگزیده و پیامبر منتخب و امین پسندیده اوست که وی را به حق

بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَيْهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا فَلَغَّ الرِّسَالَةَ وَأَدَّى الْأَمَانَةَ وَنَصَحَ الْأُمَّةَ وَعَبَدَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الْأَوَّلِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ يَوْمَ الدِّينِ.

أَوْصِيَكُمْ عِيَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ فَإِنَّهُ مَنْ يُطِيعَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا، وَمَنْ يَعَصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا وَخَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا، «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ. (٢)

ص: ٥٤

١- (١) - الاحزاب: ٥٦..

٢- (٢) - مصباح المتهجد، شيخ الطائفة أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي، بتحقيق علي اصغر مرواريد، ص ٣٨٤؛ مصباح المتهجد بتحقيق الشيخ حسين الأعلمي، ص ٢٧٥..

به عنوان بشارت دهنده، ترساننده، دعوت کننده به سوی خود با اذن خود و چراغ روشن [هدایت] فرستاد. آن حضرت هم پیام الهی را رسانید و امانت را ادا نمود و برای امت خیرخواهی کرد و عبادت خدای را به جای آورد تا مرگ او فرا رسید. پس درود خدا بر او در میان پیشینیان و درود خدا بر او در میان آیندگان و درود خدا بر او در روز جزا.

بندگان خدا، شما را به مراعات تقوا و عمل به دستور خدا و پرهیز از نافرمانی او سفارش می کنم، زیرا آن کس که از خدا و پیامبرش پیروی کند به رستگاری بزرگی دست یافته است و آن کس که خدا و رسولش را نافرمانی کند بسیار گمراه شده و به زیانکاری آشکاری دچار گشته است. «خداوند و ملائکه او بر پیامبر درود می فرستند ای کسانی که ایمان آورده اید بر او درود بفرستید و به خوبی تسلیم او باشید.»

خداوندا! بر بنده و پیامبر خود محمد درود فرست بهترین درودهایی که بر پیامبران و اولیاء خود فرستاده ای.

مناسبه ليوم الجمعة (١)

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَخْلَصَ (٢) الْحَمْدَ لِنَفْسِهِ، وَاسْتَوْجَبَهُ (٣) عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِهِ الَّذِي نَاصِيَهُ (٤) كُلُّ شَيْءٍ بِيَدِهِ، وَمَصِيرُ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ، الْقَسْوَى فِي سُلْطَانِهِ، اللَّطِيفِ (٥) فِي حَيْرَتِهِ (٦)، لَأَمَانَعِ لِمَا أَعْطَى، وَ لَأَمُعِطَى لِمَا مَنَعَ، خَالِقِ الْخَلَائِقِ بِقُدْرَتِهِ، وَمَسْخَرِهِمْ بِمَشِيئَتِهِ، وَفِي الْعَهْدِ، صَادِقِ الْوَعْدِ، شَدِيدِ الْعِقَابِ، جَزِيلِ (٧) الثَّوَابِ.

أَحْمَدُهُ وَأَسْتَعِينُهُ عَلَيَّ مَا أَنْعَمَ بِهِ مِنِّي لِأَعْرِفُ كُنْهَهُ غَيْرُهُ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ تَوَكُّلِ الْمُتَسَلِّمِ لِقُدْرَتِهِ، الْمَتَّبِرِي مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ إِلَيْهِ. وَأَشْهَدُ شَهَادَةً لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ، أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، إِلَهًا وَاحِدًا صِدْمًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ

ص: ٥٦

- ١- (١) هذه الخطبة و الخطبة التي تليها مشابھتان لخطب الجمعة و إن لم تُذكر في خطبه عليه السلام يوم الجمعة..
- ٢- (٢) - استخلص: جعله خالصاً لنفسه..
- ٣- (٣) - استوجبه: عدّه واجباً لازماً..
- ٤- (٤) - ناصيه: مقدّم الرأس أو شعر مقدّم الرأس..
- ٥- (٥) - لطيف: ذوالرفق، من الأسماء الحسنى معناه البرّ بعباده و ايضاً العالم بخفيايا الأمور و دقائقها..
- ٦- (٦) - جيروت: صيغه مبالغه بمعنى القدره و السلطه و العظمه..
- ٧- (٧) - جزيل: الكثير من الشيء..

۹ - خطبه دیگری از آن حضرت علیه السلام مناسب روز جمعه

ستایش خداوندی را که حمد و ستایش را مخصوص خود گردانید، و انجام آن را بر تمام آفریده هایش لازم نمود، زمام هر چیزی به دست او، و بازگشت همه اشیاء به سوی اوست، در سلطنت خود نیرومند و در عین جبروت و قدرت، لطیف و مهربان است.

آنچه را می بخشد بازدارنده ای نیست و آنچه را باز می دارد بخشنده ای نیست تمام مخلوق را به قدرت خود پدید آورد و با مشیت و خواست خود در اختیار گرفت وفا کننده به پیمان و صادق در وعده و شدید در عذاب و صاحب پاداش فراوان.

حمد می کنم او را و استعانت می جویم از او در برابر نعمت هایی که عطا کرده و حقیقت آنها را جز او نمی داند، و توکل می کنم بر او توکل کسی که تسلیم قدرت او است و از اعتماد به نیرو و قدرت خود براثت جسته و به نیروی الهی پناه برده است.

شهادت می دهم شهادت خالص و بدون تردید این که معبودی جز او نیست تنها و بی شریک است، خدای واحد بی نیاز که نه همسر و فرزندی برگزیده «و نه در فرمانروایی شریکی دارد

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا» (١)؛ وَهُوَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، قَطَعَ ادِّعَاءَ الْمِدْعَى بِقَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (٢).

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَفْوَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ؛ وَأَمِينُهُ عَلِيُّ وَحِيهِ، أَرْسَلَهُ بِالْمَعْرُوفِ آمِرًا، وَعَنِ الْمُنْكَرِ نَاهِيًا، وَإِلَى الْحَقِّ دَاعِيًا، عَلِيُّ حِينَ فَتَرَهُ مِنَ الرُّسُلِ وَضَمَّالَهُ مِنَ النَّاسِ، وَاخْتِلَافِ مِنَ الْأُمُورِ، وَتَنَازُعِ مِنَ الْأَلْسُنِ حَتَّى تَمَّمَ بِهِ الْوَحْيَ وَأَنْذَرَ بِهِ أَهْلَ الْأَرْضِ.

أَوْصِيَتْكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ، فَإِنَّهَا الْعِصْمَةُ مِنْ كُلِّ ضَلَالَةٍ، وَالسَّبِيلُ إِلَى كُلِّ نَجَاةٍ؛ فَكَمَا نَكَمَ بِالْجُثِّ قَدْ زَايَلَتْهَا أَرْوَاحُهَا وَتَضَمَّنَتْهَا أَجْدَانُهَا (٣). فَلَنْ يَسْتَقْبَلَ مُعَمَّرٌ مِنْكُمْ يَوْمًا مِنْ عُمَرِهِ إِلَّا بِانْتِقَاصِ آخَرٍ مِنْ أَجَلِهِ، وَإِنَّمَا دُلِّيَاكُمْ كَفَىءَ الظِّلِّ (٤) أَوْ زَادَ الرَّاِكِبِ!

وَأَحْيَا ذُرِّيَّتَكُمْ دُعَاءَ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ عَبْدَهُ يَوْمَ تُعْفَى (٥) أَثَارُهُ وَتُوحَشُ (٦) مِنْهُ دِيَارُهُ وَيَسِيمُ صِهْرَهُ ثُمَّ يَصِيرُ إِلَى حَفِيرٍ مِنَ الْأَرْضِ مُتَعَفِّرًا (٧) عَلَى خَدِّهِ غَيْرَ مُوسَّدٍ (٨) وَلَا مُمَهَّدٍ (٩).

ص: ٥٨

١- (١) - الاسراء: ١١١..

٢- (٢) - الذاريات: ٥٦..

٣- (٣) - أجدات: جمع جدث: القبر..

٤- (٤) - فىء الظل: ما كان شمساً فينسخه أى يزيله الظل وهو من الزوال الى الغروب، وقد سمي الظل فيناً لرجوعه من جانب إلى جانب..

٥- (٥) - تعفى: عفا الأثر أو المنزل: أمحى و درس و بلى، عفا اثر فلان: هلك، عفت الريح الأثر: محته..

٦- (٦) - توحش: أوحش المكان: ذهب الناس عنه، والمكان: وجده خالياً..

٧- (٧) - متعفراً: متمرغاً خده فى التراب..

٨- (٨) - غير موسد: بلا وساده و مخده..

٩- (٩) - ممهد: المفروش..

و نه از سر ناچاری دوستی دارد؛ و او را چنان که باید و شاید بزرگ بشمار، و او بر هر چیزی توانا است و ادعای هر مُدعی (تقرب بدون عمل) را با آیه و ما خلقت الجنّ و الأانس إلّالیعبدون «جنّ و انس را جز برای آن که مرا بپرستند نیافریدم» پاسخ قاطع داد.

و گواهی می دهم محمّد - که درود و سلام خدا بر او باد - برگزیده خداوند از میان آفریده ها و امین بر وحی اوست که وی را جهت امر به معروف و بازداشتن از منکر و دعوت کننده به سوی حق، فرستاده است در زمان فترت رسولان [و انقطاع وحی] و گمراهی مردم و ناسازگاری امور و درگیری های زبانی تا این که وحی را به وسیله او پایان بخشید و مردم روی زمین را به وسیله او انداز کرد.

بندگان خدا! شما را به تقوای الهی توصیه می کنم چرا که پرهیزکاری مانع از هر گمراهی و مسیر هر رستگاری است. گویا شما پیکرهای بی جان را می بینید که قبرها آن ها را در بر گرفته است پس به پیشواز هیچ روزی از عمرتان نمی روید مگر این که روز دیگر از عمرتان کم شود و همانا این دنیای شما همانند بازگشت سایه یا توشه [اندک] سواره است.

شما را بیم می دهم از فراخوان خدای عزیز جبار بنده اش را در آن هنگام که بنده از دنیا می رود و آثار او تباه می شود و منازلش از وجود او خالی و فرزندانش یتیم می شوند، سپس به سوی گودالی از زمین رانده می شود، گونه اش بر خاک می رسد و پستی و فرشی در آنجا گسترده نشده است.

أَسْأَلُ اللَّهَ - الَّذِي وَعَدَنَا عَلِيٌّ طَاعَتِهِ جَنَّتُهُ - أَنْ يَقِينَنَا سَخَطَهُ، وَيُجِيبَنَا نِعْمَتَهُ وَيَهَبَ لَنَا رَحْمَتَهُ. إِنَّ أْبْلَغَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ (١).

ص: ٦٠

١- (١) - العقد الفريد، احمد بن محمّد بن عبد ربّه الأندلسي، مع تعاليق إبراهيم الأبياري، دارالكتاب العربي، بيروت، ج ٤،

ص ٧٠..

از خداوندی که در مقابل طاعتش بهشت را وعده فرموده می‌خواهم ما را از غضب خود باز داشته و از ناخشنودیش دور نگهدارد و رحمت خویش را به ما بگستراند، همانا رساترین موعظه کتاب خداست.

ص: ۶۱

قال ابن عبد ربّه: وخطب [أمير المؤمنين علي بن أبي طالب] عليه السلام فحمد الله و أثنى عليه ثم قال:

أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَتَزُومِ طَاعَتِهِ، وَتَقْدِيمِ الْعَمَلِ وَتَرْكِ الْأَمَلِ، فَإِنَّهُ مَنْ فَرَّطَ فِي عَمَلِهِ لَمْ يَنْتَفِعْ بِشَيْءٍ مِنْ أَمَلِهِ.
 أَيْنَ التَّعَبُ (١) بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ؟ الْمُقْتَحِمُ (٢) لِلْحَجِّ الْبَحَارِ، وَمَفَاوِزِ الْقِفَارِ (٣) يَسِيرٌ مِنْ وَرَاءِ الْجِبَالِ وَعَالِجِ الرَّمَالِ (٤) يَصِلُ الْغُدُوَّ
 بِالرُّوْحِ (٥) وَالْمَسَاءَ بِالصُّبْحِ، فِي طَلَبِ مُحَقَّرَاتِ الْأَرْبَاحِ! هَجَمْتَ عَلَيْهِ مَبِيئَتَهُ فَعَظُمَتْ بِنَفْسِهِ رَزِيئَتُهُ، فَصَادَرَ مَا جَمَعَ بُورًا (٦) وَمَا
 اكْتَسَبَ غُرُورًا، وَوَأْفَى الْقِيَامَةَ مَحْسُورًا! (٧)

١- (١) - التَّعِبُ: تَعَبٌ: ضِدُّ اسْتِرَاحٍ، أَعْيَا وَ كَلٌّ فَهُوَ تَعَبٌ..

٢- (٢) - الْمُقْتَحِمُ: اقْتَحَمَ الْأَمْرَ: رَمَى نَفْسَهُ فِيهِ بِشِدَّةٍ وَ مَشَقَّةٍ..

٣- (٣) - الْمَفَاوِزُ: جَمْعُ مَفَاوِزٍ: الْفَلَاهُ لَأَمَاءٍ فِيهَا. وَ الْقِفَارُ: جَمْعُ قَفَرٍ: الْأَرْضُ الَّتِي لَأَمَاءٍ فِيهَا وَ لَا كَلَاءَ وَ لَا نَاسٍ..

٤- (٤) - عَالِجِ الرَّمَالِ: الْمَتْرَاكِمُ مِنْهَا الدَّاخِلُ بَعْضُهَا فِي بَعْضٍ..

٥- (٥) - الرُّوْحُ: الْعَشِيُّ أَوْ مِنَ الرُّوَالِ إِلَى اللَّيْلِ وَ يَقَابِلُهُ الصُّبْحُ..

٦- (٦) - الْبُورُ: الْفَاسِدُ، الْهَالِكُ، الَّذِي لَأَخِيرٍ فِيهِ..

٧- (٧) - الْمَحْسُورُ: الْمَنْقَطِعُ عَمَّا جَمَعَهُ وَ اكْتَسَبَهُ أَوْ ذَا حَسْرَةٍ عَلَى ذَهَابِ مَالِهِ عَنْ يَدِهِ..

۱۰ - خطبه دیگری از امیرالمؤمنین علیه السلام مناسب روز جمعه

امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه خواند و بعد از حمد و ثنای الهی چنین فرمود:

بندگان خدا شما و خودم را به مراعات تقوای الهی و التزام به طاعت پروردگار و پیش داشتن عمل و رها کردن آرزو سفارش می‌کنم، چرا که کسی در عمل و انجام وظیفه کوتاهی کند به چیزی از آرزوهایش بهره مند نمی‌شود.

کجاست آن کسی که شب و روز در جستجوی سودهای اندک، خود را به رنج انداخته و در میان امواج دریاها و بیابان‌های برهوت فرو رفته و از فراز کوه‌ها و ریگزارها گذشته پگاه را به شبانگاه و شب را به صبح رسانده، آن گاه مرگش فرا رسیده و گرفتاری و مصیبتش سخت و ناگوار شده، آنچه فراهم کرده بود تباه و آنچه به دست آورده بود بیهوده و پوچ گردید و ناگهان با حسرت با رستاخیز مواجه شد.

ص: ۶۳

أَيُّهَا اللّٰهُمَّ الْغَايِبَ بِنَفْسِهِ كَأَنِّي بِكَ وَقَدِ اتَّكَرْتُ رَسُولُ رَبِّكَ لَا يَقْرَعُ لَكَ بَابًا وَلَا يَهَابُ لَكَ حِجَابًا، وَلَا يَقْبَلُ مِنْكَ بَدِيلًا، وَلَا يَأْخُذُ مِنْكَ كَفِيلًا، وَلَا يَرْحَمُ لَكَ صَغِيرًا وَلَا يُوقِرُ فِيكَ كَبِيرًا، حَتَّى يُؤَدِّيَكَ إِلَيَّ قَعْرَ مُظْلَمَةٍ، أَرْجَاؤُهَا (١) مُوحِشَةٌ كَفَعَلِهِ بِالْأُمَّمِ الْخَالِيَةِ وَالْقُرُونِ الْمَاضِيَةِ!

أَيْنَ مَنْ سَعَى وَاجْتَهَدَ؟ وَجَمَعَ وَعَدَّدَ؟ وَبَنَى وَشَيَّدَ؟ وَزَحَرَفَ وَنَجَّدَ (٢)؟ وَبِالْقَلِيلِ لَمْ يَقْنَعْ؟ وَبِالْكَثِيرِ لَمْ يَمْتَنِعْ؟

أَيْنَ مَنْ قَادَ الْجُنُودَ؟ وَنَشَرَ الْبُنُودَ (٣)؟ أَضْحُوا رُفَاتًا (٤) تَحْتَ الثَّرَى أَمْوَاتًا وَأَنْتُمْ بِكَأْسِهِمْ شَارِبُونَ وَلِسِيلِهِمْ سَالِكُونَ!

عِبَادَ اللَّهِ فَهَاتُوا اللَّهَ وَرَاقِبُوهُ (٥)، وَاعْمَلُوا لِلْيَوْمِ الَّذِي تَسِيرُ فِيهِ الْجِبَالُ (٦)، وَتَشَقُّقُ السَّمَاءِ بِالْغَمَامِ (٧)، وَتَطَايُرُ (٨) الْكُتُبِ عَنِ الْأَيْمَانِ وَالشَّمَائِلِ فَأَيُّ رَجُلٍ يَوْمئِذٍ تَرَكَ؟! أَقَائِلُ، هَاؤُمُ اقْرَأُوا كِتَابِيهِ (٩)؟ أَمْ «يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ» (١٠)؟

نَسَأَلُ مَنْ وَعَدْنَا بِإِقَامِهِ الشَّرَائِعِ جَنَّتَهُ أَنْ يَقِينَا سَخَطَهُ.

ص: ٦٤

١- (١) - الارحاء: جمع رجاء: الناحية..

٢- (٢) - نجد: نجد البيت: زينه..

٣- (٣) - البنود: جمع بند: العلم الكبير..

٤- (٤) - الرُّفَات: كلُّ ما تكسّر و يلى..

٥- (٥) - راقبوه: حاذروه..

٦- (٦) - مقتبس من الآية ١٠ من سورة الطور: يوم تمور السماء موراً و تسير الجبال سيرا أو من الآية ٣ من سورة التكوين: و إذا الجبال سيرت..

٧- (٧) - مقتبس من الآية ٢٥ من سورة الفرقان: و يوم تشقق السماء بالغمام....

٨- (٨) - تطاير: أى و تطاير و تطاير: إى تفرّق و انتشر..

٩- (٩) - الحاقه: ١٩..

١٠- (١٠) - الحاقه: ٢٥..

ای بازیگر مغرور به خود! گویا تو را در حالی می بینم که پیک پروردگارت به سراغت آمده، فرستاده ای که در نمی زند و از پوشش و حجاب تو احترام نمی کند، عوض نمی پذیرد، کفیل و ضامن قبول نمی کند، نه به فرزندان کوچک تو رحم می کند و نه از بزرگان تو احترام می کند. تا این که تو را به گودالی که اطراف آن تاریک و وحشتناک است برساند. چنان که رفتار او با امت های پیشین و ملت های گذشته نیز چنین بوده است.

کجاست آن که تلاش و کوشش نمود، گرد آورد و مهیا نمود، بنای محکم ساخت و بر زیور و آرایش آن افزود. به کم قانع نگشت و از بیش سود نجست.

کجاست آن سرداری که لشکرها را فرماندهی کرده و درفش ها و پرچم ها بیفراشت؟

اکنون همه در زیر خاک پوسیده و مرگ را چشیده اند و شما در جام ایشان می نوشید و به راه آنها می روید.

بندگان خدا! تقوا پیشه کنید و از خدا بترسید و عمل کنید برای روزی که کوهها به حرکت در می آیند و آسمان با ابری سپید از هم می شکافد و نامه های اعمال از راست و چپ گشوده می شود. در آن روز خود را چگونه می بینی؟ آیا خواهی گفت: «بیاید نامه عملم را بخوانید» یا خواهی گفت: «ای کاش نامه عملم را دریافت نکرده بودم.»

از خداوندی که در مقابل برپایی شریعت وعده بهشت داده خواهیم که ما را از سخط و غضب خود باز دارد.

إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ، وَأَبْلَغَ الْمَوْعِظَةِ كِتَابُ اللَّهِ الَّذِي «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (١). (٢).

ص: ٤٤

١- (١) - فصلت: ٤٢..

٢- (٢) - العقد الفريد، أحمد بن محمد بن عبدربه الأندلسى تحقيق الدكتور عبدالمجيد الترحينى، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤٠٤، ج ٤، ص ١٥٨؛ نهج السعاده: ١٣٤/٣..

همانا بهترین سخن و رساترین موعظه کتاب خداوند است کتابی که «از پیش رو و از پشت سرش باطل به سویش نمی آید
وحی [نامه] ای است از سوی حکیمی ستوده [صفات]». «

ص: ۶۷

شيخ الطائفة أبو جعفر محمّد بن الحسن الطوسي بسنده عن محمّد بن سيرين، قال: سمعت غير واحد من مشيخه أهل البصره يقول: لما فرغ أمير المؤمنين عليّ ابن أبي طالب عليه السلام من حرب أصحاب الجمل لحقه مرض و حضرت الجمعة، فقال لابنه الحسن عليه السلام: انطلق يا بُنَيَّ فجمّع بالناس. فأقبل الحسن عليه السلام إلى المسجد، فلما استقلّ على المنبر حمد الله وأثنى عليه و تشهّد و صلّى على رسول الله صلى الله عليه و آله ثم قال:

أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَنَا لِنُبُوَّتِهِ، وَاصْطَفَانَا عَلَى خَلْقِهِ، وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا كِتَابَهُ وَوَحْيَهُ، وَأَيَّمُ اللَّهُ لَا يَنْتَقِضُنَا أَحَدٌ مِنْ حَقِّهَا شَيْئًا إِلَّا انْتَقَصَهُ اللَّهُ فِي عَاجِلِ دُيُوتِهِ وَآجِلِ آخِرَتِهِ، وَلَا يَكُونُ عَلَيْنَا دَوْلَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَنَا الْعَاقِبَةُ «وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ» (١).

ثم جمّع بالناس، و بلغ أباه كلامه، فلما انصرف إلى أبيه عليه السلام نظر إليه فما ملك عبرته أن سالت على خديّه ثم استدناه فقبل بين عينيه، و قال: بأبي أنت و أمي «دُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (٢). (٣)

١- (١) - ص: ٨٨..

٢- (٢) - آل عمران: ٣٤..

٣- (٣) - البحار: ٢٢٨/٣٢ عن أمالي الطوسي، المجلس الثالث ح ٣٠ و المجلس الرابع ح ١٣..

۱۱ - خطبه امام حسن علیه السلام روز جمعه در بصره

محمد بن سیرین می گوید: از چند نفر از بزرگان و پیرمردان بصره شنیدم می گفتند: هنگامی که امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام از جنگ اصحاب جمل فراغت پیدا کرد کسالتی بر آن حضرت عارض شد و روز جمعه فرا رسید، پس به فرزندش حسن علیه السلام فرمود: فرزندم! برو نماز جمعه را با مردم برپا کن.

امام حسن به سوی مسجد حرکت کرد و چون روی منبر قرار گرفت پس از حمد و ستایش پروردگار و بیان شهادتین و درود بر رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین فرمود:

ای مردم! همانا خداوند ما را برای رسالت خود انتخاب کرد و ما را بر آفریده های خود برگزید، و کتاب و وحیش را بر ما نازل نمود. سوگند به خدا هیچ کس چیزی از حق ما را ضایع نمی گرداند مگر این که خداوند در دنیا و آخرت او را ضایع می گرداند، و دولتی بر ما غلبه نکند مگر آن که عاقبت برای ما باشد، «و قطعاً خبر آن را بعد از چندی خواهید دانست.»

سپس امام حسن علیه السلام نماز جمعه را با مردم به جای آورد و سخنانش به اطلاع امیرالمؤمنین علیه السلام رسید، چون به سوی پدر بازگشت حضرت به سوی او نظر افکند و توانست از گریه خودداری کند و اشک بر گونه هایش جاری شد، آن گاه امام حسن را طلبید و میان دو چشم او را بوسید و فرمود: پدر و مادرم فدایش «فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند و خداوند شنوای دانا است.»

عن أبي جعفر عليه السلام

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن يحيى الحلبي، عن بريد بن معاوية، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام في خطبه يوم الجمعة:

الخطبة الأولى:

الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، [مَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يُضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ] (١).

وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَنْتَجِبُهُ لَوْلَايَتِهِ وَاخْتَصَّهُ بِرِسَالَتِهِ وَأَكْرَمَهُ بِالنَّبَوَّةِ، أَمِينًا عَلَيَّ غَيْبِهِ وَرَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَأَخَوْفِكُمْ مِنْ عِقَابِهِ [فَإِنَّ اللَّهَ يُنَجِّي مَنْ اتَّقَاهُ بِمَفَازَتِهِمْ (٢) لَا يَمَسُّهُمْ الشُّؤْمُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ] (٣) وَيُكْرِمُ مَنْ خَافَهُ

ص: ٧٠

١- (١) - مقتبس من الآيتين ٣٦ و ٣٧ من سورة الزمر..

٢- (٢) - المفازه: المنجاه و هي مفعلة من الفوز، يقال فاز فلان: إذا نجا..

٣- (٣) - مقتبس من الآية ٦١ من سورة الزمر: وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمْ الشُّؤْمُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ..

۱۲ - خطبه نماز جمعه منقول از امام محمدباقر علیه السلام

حمد مخصوص خداوند است، او را سپاس می گوئیم و از او مدد می جوئیم و طلب مغفرت می کنیم و هدایت می خواهیم و از شرّ نفسمان و بدی های اعمالمان به او پناه می بریم، هر کسی را خدا هدایت کند گمراه کننده ای برای او نیست و هر کسی را گمراه کند هدایتگری برای او نیست.

□
گواهی می دهم معبودی جز الله نیست تنها و بی شریک است و شهادت می دهم محمد بنده و فرستاده اوست که او را به امر ولایت خود انتخاب و به رسالتش اختصاص و با نبوت و پیامبری گرامی داشته و او را برای سرّ و غیب خود امین و برای جهانیان رحمت قرار داده است. صلوات خداوند بر محمد و آل او و درود بر ایشان.

بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می کنم و از عذاب الهی بر حذر می دارم، همانا خداوند تقوا پیشگان را به [پاس] کارهایی که مایه رستگاری شان بوده، نجات می دهد. عذاب به آنان نمی رسد و غمگین نخواهند گردید، و کسانی را که از خداوند بترسند گرامی داشته

يَقِيهِمْ شَرٌّ مَا خَافُوا وَيُلْقِيهِمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا [١] وَأَرْغَبَكُمْ فِي كَرَامَةِ اللَّهِ الدَّائِمَةِ وَأَخَوْفَكُمْ عِقَابَهُ الْبَدِيءَ لَأَنْقِطَاعَ لَهُ وَلَا نَجَاءَ لِمَنْ اسْتَوْجَبَهُ فَلَا تُغْرَنُكُمْ الدُّبْيَا وَلَا تَرْكِنُوا إِلَيْهَا فَإِنَّهَا دَارُ غُرُورٍ، كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا وَعَلَى أَهْلِهَا الْفَنَاءَ فَتَزَوَّدُوا مِنْهَا الَّذِي أَكْرَمَكُمْ اللَّهُ بِهِ مِنَ التَّقْوَى وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ فَإِنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْمَالِ الْعِبَادِ إِلَّا مَا خَلَصَ مِنْهَا وَلَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ وَقَدْ أَخْبَرَ كُمْ اللَّهُ عَنْ مَنَازِلٍ مِنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَعَنْ مَنَازِلٍ مَنْ كَفَرَ وَعَمِلَ فِي غَيْرِ سَبِيلِهِ وَقَالَ: «ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ * وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجْلِ مَعْدُودٍ * يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ * فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ * خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ * وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَجْدُودٍ» [٢] نَسَأَلَ اللَّهُ الَّذِي جَمَعَنَا لِهَذَا الْجَمْعِ أَنْ يَبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَأَنْ يَرْحَمَنَا جَمِيعًا إِنَّهُ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ إِنَّ كِتَابَ اللَّهِ أَصْدَقُ الْحَدِيثِ وَأَحْسَنُ الْقَصَصِ وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» [٣] فَاسْمَعُوا طَاعَةَ [اللَّهِ] وَأَنْصِتُوا ابْتِغَاءَ رَحْمَتِهِ.

ص: ٧٢

١- (١) مقتبس من الآية ١١ من سورة الانسان: فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا..

٢- (٢) - هود: ١٠٣ - ١٠٨..

٣- (٣) - الاعراف: ٢٠٤..

و از شر آنچه می ترسیدند [شر روز قیامت] حفظ نموده و شادابی و شادمانی به آنان ارزانی خواهد داشت. شما را نسبت به کرامت جاودان الهی ترغیب می کنم و از عذاب او - که پایانی ندارد و کسی که مستوجب آن شد نجاتی ندارد - می ترسانم. مغرور به دنیا نشوید و به آن اعتماد نکنید که خانه فریب است و خداوند فنا و نابودی را بر آن و اهلش مقرر کرده است. از دنیا آنچه خداوند شما را به آن گرامی داشته از تقوا و عمل صالح توشه بگیرید، زیرا چیزی از اعمال بندگان به خدا نمی رسد مگر آن مقداری که خالص باشد و خداوند جز از پرهیزکاران نمی پذیرد. و همانا خداوند شما را از منازل مؤمنان و کسانی که عمل صالح کنند و نیز منازل کسانی که کفر ورزیده و در غیر راه او تلاش کنند آگاه کرده و فرموده است: «... آن [روز] روزی است که مردم را برای آن گرد می آورند و آن، روزی است که [جملگی در آن] حاضر می شوند، و ما آن را جز تا زمان معینی به تأخیر نمی افکنیم، روزی که چون فرا رسد هیچ کس جز به اذن وی سخن نگوید. آنگاه بعضی از آنان تیره بختند و [برخی] نیکبخت، و اما کسانی که تیره بخت شده اند در آتش، فریاد و ناله ای دارند. تا آسمانها و زمین برجاست در آن ماندگار خواهند بود، مگر آنچه پروردگارت بخواهد. زیرا پروردگار تو همان کند که خواهد و اما کسانی که نیکبخت شده اند تا آسمانها و زمین برجاست در بهشت جاودانند مگر آنچه پروردگارت بخواهد که بخششی است پایان ناپذیر.» از خداوندی که ما را برای این اجتماع [جمعه] فراهم آورده خواهانیم که این روز ما را برایمان مبارک گرداند و همه ما را مشمول رحمت خود قرار دهد که او بر هر چیزی توانا است. همانا کتاب خدا راست ترین گفتار و زیباترین سرگذشت است و خداوند عزوجل می فرماید: «و چون قرآن خوانده شود، گوش بدان فرا دارید و خاموش مانید، امید که بر شما رحمت آید» پس برای طاعت امر خداوند گوش فرا دارید و به جهت طلب رحمتش خاموش باشید.

ثم اقرء سورة من القرآن و ادع ربك و صل على النبي صلى الله عليه و آله و ادع للمؤمنين و المؤمنات. ثم تجلس قدر ما تمكن
هنيهة ثم تقوم فتقول:

الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمِدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ وَنُؤْمِنُ بِهِ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ
يَهْدِي اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَا هَادِيَ لَهُ.

وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ [أرسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو
كره المشركون] (١) وَجَعَلَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ [بشيراً ونديراً وداعياً إلى الله ياذنه ورسلاً منيراً] (٢) مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ رَشَدَ
وَمَنْ يَعْصِهِمَا فَقَدْ غَوَى.

أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي يَنْفَعُ بِطَاعَتِهِ مَنْ أَطَاعَهُ وَالَّتِي يَضُرُّ بِمَعْصِيَتِهِ مَنْ عَصَاهُ، الَّتِي إِلَيْهِ مَعَادُكُمْ وَعَلَيْهِ حِسَابُكُمْ فَإِنَّ
التَّقْوَى وَصِيَّةُ اللَّهِ فِيكُمْ وَفِي الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ
وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا» (٣) انْتَفَعُوا بِمَوْعِظَةِ اللَّهِ وَالزُّمُوا كِتَابَهُ فَإِنَّهُ أَبْلَغُ
الْمَوْعِظَةِ وَخَيْرُ الْأُمُورِ فِي الْمَعَادِ عَاقِبَةُ وَلَقَدْ اتَّخَذَ اللَّهُ الْحُجَّةَ [فلا يهلك من هلك إلا عن بينة ولا يحيى من

ص: ٧٤

١- (١) مقتبس من الآية ٣٣ من سورة التوبة..

٢- (٢) - مقتبس من الآية ٤٥ و ٤٦ من سورة الاحزاب..

٣- (٣) - النساء: ١٣١..

سپس سوره ای از قرآن قرائت کن و پروردگارت را بخوان و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست و برای مؤمنین و مؤمنات دعا کن، سپس می نشینی به اندازه ای که آرام بگیری آنگاه برمی خیزی و می گویی:

حمد مخصوص خداوند است، او را سپاس می گوئیم، و از او مدد می جوئیم و طلب مغفرت می کنیم و هدایت می خواهیم، به او ایمان داریم و به او توکل می کنیم و از شر نفسمان و بدی های اعمالمان به او پناه می بریم، هر کسی را خدا هدایت کند، گمراه کننده ای برای او نیست و هر کسی را گمراه کند هدایتگری برای او نیست.

شهادت می دهم معبودی جز الله نیست تنها و بی شریک است و گواهی می دهم همانا محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول اوست که او را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند، و او را رحمت برای جهانیان و بشارتگر و هشدار دهنده و دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی تابناک قرار داد. هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند به هدایت ره یافته و کسی که آنها را نافرمانی کند گمراه شده است. بندگان خدا! شما را به تقوای خداوندی توصیه می کنم که هر کسی او را اطاعت کند از طاعت او بهره مند می شود و هر کسی او را عصیان کند از نافرمانی او زیان می بیند، خداوندی که بازگشت شما به سوی او و حسابتان به دست اوست، چرا که تقوا سفارش الهی درباره شما و پیشینیان شماست، خداوند عزوجل فرموده است: «و ما به کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شد و [نیز] به شما سفارش کردیم که از خدا پروا کنید. و اگر کفر ورزید، آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست، و خدا بی نیاز ستوده است.»

از موعظه خداوند بهره مند شوید و به کتاب او پای بند باشید چرا که رساترین موعظه و بهترین و نتیجه بخش ترین کارها در معاد است. و همانا خداوند حجت را تمام کرده، پس هلاک نمی شود کسی که هلاک می شود مگر با دلیلی روشن و زنده [و سعادت مند] نمی شود کسی که زنده می شود

حَتَّىٰ إِلَّامًا عَنِ بَيْنِهِ [١] وَقَدْ بَلَغَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الَّذِي أُرْسِلَ بِهِ فَأَلْزَمُوا وَصِيَّتَهُ وَمَا تَرَكَ فِيكُمْ مِنْ بَعْدِهِ مِنَ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ الَّذِينَ لَا يَضِلُّ مَنْ تَمَسَّكَ بِهِمَا وَلَا يَهْتَدِي مَنْ تَرَكَهُمَا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَرَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. ثُمَّ تَقُولُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. ثُمَّ تَسْمِي الْأَيْمَةَ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِكَ، ثُمَّ تَقُولُ: افْتَحْ لِي فَتْحًا يَسِيرًا وَأَنْصِرْهُ نَصْرًا عَزِيمًا، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسَيِّئَهُ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغُبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمِهِ تُعْزُبُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ مَا حَمَلْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَعَرَّفْنَاهُ (٢) وَمَا قَصْرْنَا عَنْهُ فَعَلَّمْنَاهُ.

ثُمَّ يَدْعُوا اللَّهَ عَلَى عَدُوِّهِ وَيَسْأَلُ لِنَفْسِهِ وَأَصْحَابِهِ ثُمَّ يَرْفَعُونَ أَيْدِيَهُمْ فَيَسْأَلُونَ اللَّهَ حَوَائِجَهُمْ كُلَّهَا حَتَّى إِذَا فَرَغَ مِنْ ذَلِكَ قَالَ: اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا.

وَيَكُونُ آخِرَ كَلَامِهِ أَنْ يَقُولَ: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (٣) ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَذَكَّرَ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَىٰ ثُمَّ يَنْزِلُ. (٤)

ص: ٧٦

١- (١) - مقتبس من الآية ٤٢ من سورة الأنفال..

٢- (٢) - في دعاء الإفتتاح: «اللَّهُمَّ مَا عَرَّفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَا» وَهُوَ الْأَظْهَرُ مَعْنَى..

٣- (٣) - النحل: ٩٠..

٤- (٤) - الكافي: ٤٢٢/٣ ح ٦..

مگر از روی دلیلی روشن، و همانا رسول خدا آنچه را برای آن فرستاده شده بود ابلاغ کرد پس به وصیت او و آن دو چیز گران بها - کتاب خدا و اهل بیتش - که بعد از خود در میان شما به یادگار گذاشته، پای بند باشید. کسی که به آن دو تمسک جوید، گمراه نمی شود، و کسی که آنها را رها کند هدایت نمی یابد.

خداوندا بر محمد، بنده و فرستاده ات، سالار رسولان و پیشوای پرهیزکاران و فرستاده پروردگار عالمیان درود فرست. سپس می گویی: خداوندا! بر علی امیر مؤمنان و جانشین رسول پروردگار عالمیان درود فرست. آنگاه ائمه را نام میبری تا به صاحب خود (امام عصر) بررسی پس می گویی: [خداوندا] بر او پیروزی آسان عطا کن و با نصرت شکست ناپذیر مدد فرما، خداوندا! دین خود و سنت پیامبرت را به وسیله او آشکار گردان تا پنهان نکند چیزی از حق را از ترس احدی از مردم.

خداوندا! ما مشتاقیم به سوی تو در دولت کریمه ای که اسلام و اهلش را به وسیله آن عزت بخشی، و نفاق و اهلش را خوار گردانی، و ما را از دعوت کنندگان به فرمانبرداریت و از پیشوایان راه هدایتت قرار دهی و در آن دولت حق کرامت دنیا و آخرت را روزی ما گردانی، خداوندا! آنچه از حق بر عهده ما گذاشته ای به ما بشناسان و آنچه دست ما از آن کوتاه است به ما بیاموز.

آن گاه بر دشمن حضرت نفرین می کند و حوائج خود و یارانش را طلب می کند در این وقت [امام و نمازگزاران همگی] دستهایشان را بلند می کنند و همه نیازهایشان را از خداوند می خواهند و در نهایت امام جمعه می گوید: خداوندا اجابت کن برای ما و آخرین سخنش این است که بگوید: «همانا خداوند به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می دارد. به شما اندرز می دهد باشد که پند گیرید» خداوندا! ما را در زمره کسانی قرار ده که پند پذیرند و اندرز سودشان دهد. در این هنگام از منبر پایین می آید.

روى الشيخ فى المصباح و الصدوق فى الفقيه الخطبه الأولى ليوم الفطر و لم يذكر الخطبه الثانيه بتفصيلها و لكن السيد أباطالب روى الخطبتين فى تيسير المطالب. و نحن نذكر هنا الخطبه الأولى كما رواها الشيخ لأنها أكمل و أجمع عما فى غيرها و فيها زيادات و نذكر الخطبه الثانيه كما رواها السيد أبوطالب.

□
 روى أبو مخنف عن جندب بن عبدالله الأزدي عن أبيه، أن علياً عليه السلام كان يخطب يوم الفطر، فيقول: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ» (١)(٢) لَأَنْشُرِكَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ، يَعْلَمُ مَا يَلُجُّ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ، كَذَلِكَ رَبُّنَا جَلَّ شَأْنُهُ لَا أَمْرَ لَهُ وَلَا غَايَةَ (٣) وَلَا نَهَايَةَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي «يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرؤُفٌ رَحِيمٌ» (٤).

ص: ٧٨

١- (١) - يعدلون: أى يجعلون له عديلاً..

٢- (٢) - الأنعام: ..١

٣- (٣) - الغايه: المدى..

٤- (٤) - الحج: ٦٥..

۱۳ - خطبه روز عید فطر از امیرالمؤمنین علیه السلام

□
ابومخنف از جناب بن عبدالله ازدی و او از پدرش نقل کرده است که علی علیه السلام در روز عید فطر چنین خطبه می خواند:

«ستایش خدایی را که آسمان و زمین را آفرید و تاریکیها و روشنایی را پدید آورد. با این همه کسانی که کفر ورزیده اند [غیر او را] با پروردگار خود برابر می کنند» چیزی را با خدا شریک قرار نمی دهیم و جز او را سرپرست نمی گیریم. حمد خدایی را که آنچه در آسمان و زمین است از آن اوست.

و حمد او را در آخرت و او حکیم و آگاه است. آنچه در زمین فرو می رود و آنچه از زمین سر می زند و آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه به سوی آسمان بالا می رود همه را می داند و او مهربان و بخشنده است چنین است پروردگار ما - ستایش او بلند مرتبه باد - زمانی، مدّتی و پایانی برای او نمی باشد، و معبودی جز او نیست و بازگشت به سوی اوست. و حمد خدایی را که «آسمان را نگاه می دارد تا مبادا بر زمین فرو افتد مگر به اذن خودش، در حقیقت خداوند نسبت به مردم سخت رؤوف و مهربان است.»

اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ وَاغْمِنَا بِعَافِيَتِكَ وَاْمُدْنَا بِعِصْمَتِكَ وَلَا تُخَلِّنَا (١) مِنْ رَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
لَمَقْنُوطًا مِنْ رَحْمَتِهِ وَلَا مَخْلُوعًا مِنْ نِعْمَتِهِ وَلَا مُؤَيَّسًا مِنْ رَوْحِهِ (٢) وَلَا مُسْتَنْكِفًا عَنْ عِبَادَتِهِ، الَّذِي بِكَلِمَتِهِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ
وَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَثَبَّتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي (٣) وَجَرَّتِ الرِّيَّاحُ اللُّوَاقِحُ وَسَيَّارَ فِي جَوْ السَّمَاءِ السَّحَابُ وَقَامَتِ عَلَيَّ حُدُودَهَا
الْبَحَارُ فَتَيَّارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، إِلَهٌ قَاهِرٌ قَادِرٌ ذَلَّ لَهُ الْمُتَعَزِّزُونَ وَتَضَاءَلَ (٤) لَهُ الْمُتَكَبِّرُونَ وَدَانَ (٥) طَوْعًا وَكَرْهًا لَهُ الْعَالَمُونَ،
نَحَمِيدُهُ بِمَا حَمَدَ نَفْسَهُ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، يَعْلَمُ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَمَا
تُجِنُّ (٦) الْبَحَارُ وَمَا تُوَارِي الْأَسْرَابُ «وَمَا تَغِيضُ (٧) الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» (٨) لَمَّا تُوَارِي مِنْهُ ظُلُمَاتٌ وَلَا
تَغِيبُ عَنْهُ غَائِبَةٌ «وَمَا تَسْتَقِطُّ مِنْ رَوْحِهِ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَيَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (٩) وَيَعْلَمُ مَا
يَعْمَلُ الْعَالَمُونَ، وَإِلَى أَى مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، وَنَسْتَهْدِي اللَّهَ بِالْهُدَى وَنَعُوذُ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَالرَّدَى (١٠)، وَنَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَنَبِيُّهُ
وَرَسُولُهُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً وَآمِينُهُ عَلَيَّ وَحِيهِ وَ أَنَّهُ بَلَّغَ رِسَالَةَ رَبِّهِ

ص: ٨٠

١- (١) - لَا تُخَلِّنَا: أَى لَا تُجْعَلُنَا خَالِيًا..

٢- (٢) - الرُّوحُ: الفَرْجُ وَ الرَّحْمَةُ..

٣- (٣) - الرُّوَاسِي: الْجِبَالُ الثَّوَابِتُ الرُّوَاسِخُ..

٤- (٤) - تَضَاءَلَ: تَصَاغَرَ وَ تَقَاَصَرَ..

٥- (٥) - دَانَ: أَطَاعَ، عَصَى، مِنْ الْأَضْدَادِ وَ الْمَقْصُودُ هُنَا الْمَعْنَى الْأَوَّلُ..

٦- (٦) - تُجِنُّ: أُجِنُّهُ: سَتَرَهُ..

٧- (٧) - تَغِيضُ: (وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ) أَى تَنْقِصُ عَنْ مِقْدَارِ الْحَمْلِ الَّذِي يَسْلَمُ مَعَهُ الْوَالِدُ..

٨- (٨) - الرُّعْدُ: ٨..

٩- (٩) - الْأَنْعَامُ: ٥٩..

١٠- (١٠) - الرُّدَى: الْمَهْلِكَةُ..

خداوندا! با رحمت خود به ما رحم کن و عافیت را به همه ما ارزانی دار و با محافظت خود ما را مدد رسان و ما را از رحمت خویش بی بهره مگردان چرا که تو بسیار بخشنده و مهربان هستی.

حمد خدای را که نه از رحمتش نومید و نه از نعمتش بی بهره و نه از فرج و گشایش او مأیوس و نه از عبادتش سرپیچانیم. آن خدایی که به واسطه کلمه او هفت آسمان بر پا و زمینهای هفتگانه و کوههای ریشه دار برقرار و بادهای گردافشان (تلقیح کننده) در جریان و ابرها در فضای آسمان در حرکت و دریاها در محدوده خود باقی است. پس خجسته باد خدای پروردگار جهانیان خدای پیروز و قدرتمند که زورمندان در برابر او ذلیل و مستکبران در مقابلش خوار و صغیرند و جهانیان خواه ناخواه تسلیم اویند. او را حمد می گوئیم به آنچه خود را ستوده است و چنان که او سزاوار اوست و از او مدد می جوئیم و طلب بخشش می کنیم و شهادت می دهیم که معبودی جز او نیست تنها و بی شریک است. به آنچه در سینه ها پنهان و در دریاها مستور و در دلها مخفی است «و آنچه را رحمتها کم می کنند و آنچه را افزون می کنند آگاه است و هر چیز در نزد او مقدار معینی دارد.» هیچ ظلمت و تاریکی از او پوشیده و هیچ ناپیدایی از او غائب نیست، «و هیچ برگی [از درختی] نمی افتد مگر این که از آن آگاه است و نه هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد جز این که در کتابی آشکار (کتاب علم خدا) ثبت است.» و او می داند آنچه را عمل کنندگان انجام می دهند و به سوی چه بازگشتگاهی ره می سپارند. و از خداوند هدایت می خواهیم و از گمراهی و هلاکت به او پناه می بریم و گواهی می دهیم همانا محمد صلی الله علیه و آله بنده، پیامبر و فرستاده او به سوی همه مردم و امین وحی اوست و این که پیام پروردگارش را ابلاغ کرد

وَجَاهَدَ فِي اللَّهِ الْمُدْبِرِينَ عَنْهُ وَعَبَدَهُ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي لَا تَبْرُحُ (١) مِنْهُ نِعْمَةٌ وَلَا تُفْقَدُ لَهُ رَحْمَةٌ وَلَا يَسْتَعْنِي عَنْهُ الْعِبَادُ وَلَا تَجْزِي أَنْعَمَهُ الْأَعْمَالُ، الَّتِي رَغِبَ فِي الْآخِرَةِ وَزَهَّدَ فِي الدُّنْيَا وَحَذَرَ الْمَعَاصِيَ وَتَعَزَّزَ بِالْبَقَاءِ وَتَفَرَّدَ بِالْعِزِّ وَبِالْبَهَاءِ وَجَعَلَ الْمَيِّتَ غَايَةَ الْمَخْلُوقِينَ وَسَبِيلَ الْمَاضِينَ فَهُوَ مَعْقُودٌ بِنَوَاصِي الْخَلْقِ كُلِّهِمْ حَتَّمْ فِي رِقَابِهِمْ لِأَعْيُنِهِمْ لُحُوقَ (٢) الْهَوَارِبِ وَلَا يَفُوتُهُ نَاءٌ (٣) وَلَا آيِبٌ (٤) يَهْدِمُ كُلَّ لَذَّةٍ وَيُزِيلُ كُلَّ بَهْجَةٍ وَيَقْشَعُ (٥) كُلَّ نِعْمَةٍ.

عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ رِضَى اللَّهِ لِأَهْلِهَا الْفَنَاءِ وَقَدَّرَ عَلَيْهِمْ بِهَا الْجَلَاءَ، فَكُلُّ مَا فِيهَا نَافِئٌ (٦) وَكُلُّ مَنْ يَسْلُكُهَا بَائِدٌ (٧) وَهِيَ مَعَ ذَلِكَ حُلُوهُ غَضَبِ ربه (٨) زَائِفَةٌ (٩) نَضْرَةٌ (١٠) قَدْ زُيِّنَتْ لِلطَّالِبِ وَالطَّالِبِ بِقَلْبِ الرَّاعِبِ يَطِيئُهَا الطَّامِعُ وَيَجْتَنِبُهَا (١٢) الْوَجِلُ الْخَائِفُ فَارْتَحِلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ مِنْهَا بِأَحْسَنِ مَا بِحَضْرَتِكُمْ مِنَ الزَّادِ، وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا سِوَى الْبُلْغَةِ (١٣) وَكُونُوا فِيهَا كَسْفَرٍ (١٤)

ص: ٨٢

١- (١) - تبرح: برح المكان و منه: زال عنه..

٢- (٢) اللحوق: يمكن أن يكون بمعنى السرعة (قوس لحق: سريعه السهم لا تريد شيئاً إلا للحقته)..

٣- (٣) النائي: البعيد..

٤- (٤) الأيب: الراجع..

٥- (٥) - يقشع: يُفَرِّقُ..

٦- (٦) النافذ: نفذ الشيء: فرغ و انقطع و فنى..

٧- (٧) - البائد: باد: هلك..

٨- (٨) - الغضاره: النعمه، السعه، الخصب، طيب العيش..

٩- (٩) - الرائق: الجميل، الصافي، الخالص..

١٠- (١٠) - النضرة: الحسن و الرونق..

١١- (١١) - لاطت: لصقت..

١٢- (١٢) - اجتوى البلد: كره المقام به..

١٣- (١٣) - البلغه: ما يكفي من العيش و لا يفضل..

١٤- (١٤) - السفر: جمع سافر: المسافرون..

و در راه خدا با کسانی که از راه خدا روی گردان بودند جهاد کرد و خدا را پرستش کرد تا این که مرگش فرا رسید، درود و سلام خداوند بر او و خاندانش.

بندگان خدا! شما را سفارش می‌کنم به تقوای خداوندی که هیچ نعمتی از کف او بیرون نیست و هیچ رحمت و مهربانی از او دور نیست و بندگان از او بی‌نیاز نیستند، و عمل‌های بندگان با نعمتهای او برابری نمی‌کنند، خداوندی که به آخرت تشویق کرده و نسبت به دنیا زهد را روا دانسته و از گناهان برحذر داشته و با جاودانگی عزت یافته و در شکست ناپذیری و جلال بی‌همتا است. همو که مرگ را پایان آفریده‌ها و روش پیشینیان قرار داده، مرگی که به پیشانی همه مردم بسته شده و بر گردنشان چسبیده، نه سرعت شخص گریزان او را ناتوان می‌کند و نه دور و نزدیک از دست او در امان است همه لذتها را نابود می‌کند و هر خوشی را از بین می‌برد و هر نعمتی را پراکنده می‌سازد.

بندگان خدا! دنیا خانه‌ای است که خداوند برای ساکنان آن زوال و نابودی را پسندیده و عزیزت و کوچ کردن از آن را برایشان مقدر فرموده است. از این رو هر چه در دنیا است نابود شدنی است و هر کسی به دنبال آن باشد هلاک شدنی است ولی در عین حال [ظاهر دنیا] شیرین، سرسبز، جالب و زیبا است و برای طالبش آرایش شده و به قلب آرزومندش چسبیده، برای آزمند پسندیده و مطلوب و برای هراسان و خائف ناپسند و مکروه است. پس کوچ کنید از دنیا - خداوند شما را رحمت کند - با بهترین توشه‌ای که در اختیار دارید و جز به اندازه کفاف (قوت لایموت) از آن برنگیرید، و در دنیا مانند مسافرانی باشید

نَزَلُوا مِنْزِلًا فَتَمَتَّعُوا مِنْهُ بِأَدْنَىٰ ظِلٍّ ثُمَّ ارْتَحَلُوا لِشَانِهِمْ وَلَا تَمُدُّوْا أَعْيُنَكُمْ فِيهَا إِلَّآ مَا مُتَّعَ بِهِ الْمُتَرَفُّونَ وَأَضِرُّوْا (١) فِيهَا بِأَنْفُسِكُمْ فَإِنَّ ذَٰلِكَ أَخْفَىٰ لِلْحِسَابِ وَأَقْرَبُ مِنَ النَّجَاحِ.

[أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَنَكَّرَتْ وَأَدْبَرَتْ وَآذَنْتْ بِوَدَاعٍ، أَلَا وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ وَأَشْرَفَتْ وَنَادَتْ بِاطِّلَاعِ (٢)، أَلَا وَإِنَّ الْمِضْمَارَ (٣) الْيَوْمَ وَغَدًا السَّبَاقُ، أَلَا وَإِنَّ السَّبَقَةَ (٤) الْجَنَّةَ وَالْغَايَةَ النَّارَ، أَفَلَا تَأْتِبُ مِنْ خَطِيئَتِهِ قَبْلَ هُجُومِ مَبِيَّتِهِ، أَوْ لَا عَامِلٌ لِنَفْسِهِ قَبْلَ يَوْمِ فَقْرِهِ وَبُؤْسِهِ] (٥) جَعَلْنَا اللَّهَ وَإِيَّاكُمْ مِمَّنْ يَخَافُهُ وَيَرْجُو ثَوَابَهُ. أَلَا وَإِنَّ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمٌ جَعَلَهُ اللَّهُ عِيدًا وَجَعَلَكُمْ لَهُ أَهْلًا فَذَكِّرُوا اللَّهَ يَذْكُرْكُمْ وَكَبِّرُوهُ وَعَظِّمُوهُ وَسَبِّحُوهُ وَمَجِّدُوهُ وَادْعُوهُ يَسْتَجِبْ لَكُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَكُمْ وَتَضَرَّعُوا وَابْتَهِلُوا (٦) وَتَوَيُّوْا وَأَنِيبُوا (٧) وَادُّوْا فِطْرَتَكُمْ (٨) فَإِنَّهَا سُنَّةُ نَبِيِّكُمْ وَفَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ، فَلْيُخْرِجْهَا كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ عَنْ نَفْسِهِ وَعَنْ عِيَالِهِ كُلِّهِمْ ذَكَرَهُمْ وَأُنْتَاهُمْ صَغِيرِهِمْ وَكَبِيرِهِمْ حُرَّهُمْ وَمَمْلُوكِهِمْ، يُخْرِجُ عَنْ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ

ص: ٨٤

- ١- (١) - اضرب به: ضربه، و ايضا دنا منه دنواً شديداً و لصق به..
- ٢- (٢) الاطلاع: الصعود على الشيء و المطلع: المأتى و قد يجىء بمعنى الاتيان. اطلع فلان علينا: أتانافجأه..
- ٣- (٣) - المضمار: أى العمل اليوم يعنى فى الدنيا لاستباق غداً يعنى فى الآخرة..
- ٤- (٤) - السبقة: ما يتسابق إليه و السبقة بالضم إسم لما يجعل للسابق من مال او عرض..
- ٥- (٥) - كذا فى نهج البلاغه خطبه ٢٨ بتفاوت يسير..
- ٦- (٦) - الابتهاال: رفع اليدين و مدهما تلقاء الوجه او مدهما حتى تتجاوزا الرأس، للدعا و أصله التضرع فى السؤال..
- ٧- (٧) - الإنابه: الرجوع بالتوبه..
- ٨- (٨) - الفطره: الخلقه، و المقصود هنا زكاه الفطره بحذف المضاف..

که در منزلی اتراق می کنند و از اندک سایه ای بهره مند می شوند سپس کوچ کرده در پی کار خویش می روند. دیدگان خود را به بهره مندیهای افراد خوش گذران نگشایید و در دنیا مراقب نفس خود باشید چرا که موجب آسانی حساب و نزدیک شدن به سعادت و نجات است.

آگاه باشید! دنیا تغییر قیافه داده، روی باز گرداننده و وداع خود را اعلام کرده است، آگاه باشید! همانا آخرت روی آورده، نزدیک شده و نشانه هایی را ابراز کرده است. آگاه باشید! امروز روز تمرین و فردا روز مسابقه است و جایزه [برندگان] بهشت و سرانجام [عقب ماندگان] آتش است. آیا کسی هست که پیش از فرا رسیدن مرگش توبه کند؟! آیا کسی نیست که قبل از فرا رسیدن روز تهیدستی و بیچارگی، برای خود عمل (و کار نیکی) فراهم کند.

خداوند ما و شما را در زمره کسانی قرار دهد که از او خائف بوده و امید ثوابش را دارند.

آگاه باشید! همانا امروز روزی است که خداوند آن را عید قرار داده و شما را سزاوار آن دانسته پس خدا را یاد کنید تا خدا هم شما را یاد کند. او را بزرگ و با عظمت بشمارید، تسبیح او بگویید بستایید و او را بخوانید تا اجابت کند برای شما، از او طلب بخشش کنید تا برایتان ببخشد به درگاه او تضرع و التماس کنید و بازگشت نمایید و اصرار کنید. و زکات فطره خود را پرداخت نمایید که سنت پیامبرتان و تکلیفی واجب از سوی پروردگارتان می باشد، پس هر شخصی از جانب خودش و خانواده اش همه خانواده اش مرد و زن، کوچک و بزرگ، آزاد و برده برای هر نفر از آنها

صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ أَوْ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ أَوْ نِصْفَ (١) صَاعٍ مِنْ بُرٍّ مِنْ طَيِّبٍ كَسَبِهِ طَيِّبُهُ بِذَلِكَ نَفْسُهُ. عِبَادَ اللَّهِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى
وَتَرَاهُمْ وَتَعِبَاطَفُوا وَأَدُّوا فَرَائِضَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ مِنْ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَاتِ وَأَدَاءِ الزَّكَاةِ وَصِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ
وَحِجِّ الْبَيْتِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّوْبَةِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْإِحْسَانِ إِلَى نَسَائِكُمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ، وَاتَّقُوا اللَّهَ فِيمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ وَ
أَطِيعُوا فِي اجْتِنَابِ قَدْفِ الْمُحْصَنَاتِ وَإِثَانِ الْفَوَاحِشِ وَشُرْبِ الْخَمْرِ وَبَخْسِ (٢) الْمِكْيَالِ وَنَقْصِ الْمِيزَانِ وَشَهَادَةِ الزُّورِ (٣) وَ
الْفِرَارِ مِنَ الرَّحْفِ (٤)، عَصَى مَنْ أَلَّهِ وَإِيَّاكُمْ بِالتَّقْوَى وَجَعَلَ الْآخِرَةَ خَيْرًا لَنَا وَلَكُمْ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا، إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ وَأَبْلَغَ
الْمَوْعِظَةِ كَلَامُ اللَّهِ تَعَالَى أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» إِلَى آخِرِهَا. (٥)

ثم جلس ثم قام فقال:

الْحَمْدُ لِلَّهِ أَحْمَدُهُ وَأَسْتَعِينُهُ وَأُؤْمِنُ بِهِ وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ، وَأَسْتَهْدِي اللَّهَ الْهُدَى وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَالرَّدَى وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَاحِدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَرْسَلَهُ عَلَيَّ حِينَ فَتَرَهُ

ص: ٨٦

١- (١) - في الفقيه: «صاعاً من برٍّ أو صاعاً من تمرٍ أو صاعاً من شعير..».

٢- (٢) - البخس: النقصان..

٣- (٣) - الزور: الكذب و الباطل..

٤- (٤) - الزحف: المقصود هنا: الجهاد و لقاء العدو في الحرب..

٥- (٥) - مصباح المتهجد، شيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي، ص ٤٥٩، مؤسسه الأعلمی، بيروت..

یک صاع از جو یا خرما یا نصف صاع از گندم پرداخت کنند از کسب و درآمد پاکیزه و حلالش و به این وسیله خود را پاکیزه گردانند.

بندگان خدا! در نیکی و تقوا همکار هم باشید و نسبت به یکدیگر محبت و عطوفت داشته باشید و وظایفی که خدا بر شما واجب کرده و فرمان داده از بر پا داشتن نمازهای واجب و پرداخت زکاتها و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا و امر به معروف و باز داشتن از منکر و نیکی کردن به زنهائیان و خدمتگزارانتان انجام دهید. و از خدا پروا کنید در آنچه نهی کرده و اطاعت کنید در پرهیز از تهمت زدن به پاکدامن ها و انجام فحشا و نوشیدن شراب و کم کردن در کیل، و نقصان در وزن و اندازه گیری و گواهی باطل دادن و فرار از جنگ. خداوند ما و شما را به وسیله تقوا محفوظ دارد و آخرت را برای ما و شما بهتر از این دنیا قرار دهد.

همانا بهترین سخن و رساترین موعظه کلام خداوند متعال است. أعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم، قل هو الله أحد، الله الصمد، لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفواً أحد.

در این هنگام حضرت نشست سپس برخاست و خطبه دوم را چنین ایراد فرمود:

حمد خدای را، او را ستایش می کنم و از او مدد می جویم و به او ایمان دارم و بر او توکل می کنم و درخواست هدایت دارم، و از گمراهی و هلاکت به او پناه می برم، و شهادت می دهم معبودی جز خدای تنها و بی شریک نیست، و گواهی می دهم همانا محمد بنده و فرستاده اوست - درود و سلام خداوند بر او و خاندانش - که او را در زمان فترت

مِنَ الرُّسُلِ، وَانْقِطَاعِ مِنَ الْوَحْيِ وَطُمُوسٍ (١) مِنَ الْعِلْمِ وَدُرُوسٍ مِنَ مَعَالِمِ الْهُدَى فَصَدَعَ (٢) بِوَحْيِهِ وَجَدَّ غَمْرَاتٍ (٣) الظَّلْمِ بِنُورِ [هـ] وَقَمَعَ مُشْرِفًا (٤) الْبَاطِلَ بِحَقِّهِ حَتَّى أَنْزَلَ الْإِسْلَامَ، وَوَضَحَتِ الْأَحْكَامَ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

أَوْصِيَكُمْ عِيَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْإِعْتِصَامِ بِوَثَائِقِ عُرَاهَا (٥)، وَالْمُؤَاظَنَةِ عَلَى رِعَايَتِهَا فَإِنَّهَا جُنَّةٌ حَصِيْنَةٌ وَعُقْدَةٌ (٦) مَتِينَةٌ، وَغَنِيْمَةٌ مُغْتَنَّمَةٌ، قَبْلَ أَنْ يُحِيَالَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهَا بِانْقِطَاعِ مِنَ الرِّجَالِ (٧) وَحِدُوْثِ مِنَ الزَّوَالِ وَدَنْفٍ (٨) مِنَ الْإِنْتِقَالِ فَاذْكُرُوا مَنْ فَارَقَ الدُّنْيَا، وَلَمْ يَأْخُذْ مِنْهَا فَكَاكٍ رَهْنِهِ وَلَا بَرَاءَةَ أَمْنِهِ، فَخَرَجَ مِنْهَا سَلِيْبًا (٩) مَحْسُورًا، قَدْ أَتَعَبَ الْمَلَائِكَةُ نَفْسَهُ الَّتِي هِيَ مُطَّلَعَةٌ عَلَيْهَا، وَهُوَ (١٠) مُسَوِّدٌ وَجْهُهُ مُزْرَقَةٌ (١١) عَيْنَاهُ بِأَدْيِهِ عَوْرَتَهُ

ص: ٨٨

- ١- (١) - الطموس: طمس طموساً: درس و انمحي..
- ٢- (٢) - صدع الشيء: أظهره و بينه، و صدع بالحق: أظهره و تكلم به جهاراً..
- ٣- (٣) - غمرات: جمع غمره، و غمره الشيء شدته و مزدحمه..
- ٤- (٤) - المشرف: من الاماكن: العالى، المطل على غيره..
- ٥- (٥) - العرى: جمع العروه: ما يوثق به، ما يعول عليه، و من الابريق و نحوه: مقبضه..
- ٦- (٦) - العقده: ما يمسك الشيء و يوثقه، و من كل شيء إحكامه و إبرامه..
- ٧- (٧) - كذا فى الأصل و المحتمل «الرجاء»..
- ٨- (٨) - الدنف: الدنوّ..
- ٩- (٩) - السليب: المستلب العقل و المال. و المحسور: المنقطع عن النفعه او ذوالحسره على ذهاب ماله..
- ١٠- (١٠) - فى الأصل «هى»..
- ١١- (١١) - الزرقه: أبغض شيء من ألوان العيون عند العرب، و العين إذا ذهب نورها أزرقت..

رسولان (نیامدن پیامبران) و منقطع بودن وحی و تباهی دانش و محو شدن نشانه های هدایت، مبعوث کرد.

پس او وحی را آشکار و شدت تاریکیها را با نور خود زدود و فرازهای باطل را با حقیقت خود ریشه کن نمود تا این که اسلام آشکار شد و احکام آن روشن گردید. پس درود، رحمت و برکات خداوند بر او و خاندانش باد.

بندگان خدا! شما را به تقوای الهی و چنگ زدن به محکمترین دستگیره های آن و مواظبت در رعایت آن فرا می خوانم. چرا که تقوا سپری محکم و نگهدارنده ای استوار و بهره ای است به دست آمده، [پس باید مراقب باشید و آن را غنیمت شمرید] پیش از آن که میان شما و تقوا به وسیله نومیدی و پدیده نابودی و نزدیک شدن مرگ جدایی بیفتد.

پس به یاد بیاورید کسی را که از دنیا رخت بر بسته در حالی که وسیله رهایی و جواز آسایش خود را از آن برنگرفته و غارت زده و حسرت زده از دنیا بیرون آمده و نفسش که خود از آن آگاه است فرشتگان را به رنج انداخته، روسیاه، دیده کبود و نابینا، زشتیهایش آشکار

يَدْعُو بِالْوَيْلِ وَالتُّبُورِ (١)، لَأُيرْحَمَ دُعَاؤُهُ، وَلَا يُفْتَرُ عَنْهُ مِنْ عَذَابِهَا، كَذَلِكَ يُجْزَى كُلَّ كَافُرٍ (٢).

وَإِذْ كُرُوا مَنْ فَارَقَ الدُّنْيَا وَقَدْ أَخَذَ مِنْهَا فَكَأَكْ رَهْنِهِ وَبَرَاءَةَ أَمْنِهِ (٣) فَرَّ [حَلَّ] (٤) آمِنًا مَرْحُومًا مُوقَفًا مَعْصُومًا قَدْ ظَفَرَ بِالسَّعَادَةِ، وَفَازَ بِالْخُلُودِ، وَأَقَامَ بِبَدَارِ الْحَيَوَانِ، وَعَيْشَةِ الرِّضْوَانِ، حَيْثُ لَا تَنْتُوبُ الْفَجَائِعُ (٥)، وَلَا تَحُلُّ الْقَوَارِعُ (٦) وَلَمَّا تَمُوتُ النُّفُوسُ عَطَاؤُهُمْ غَيْرُ مَجْدُودٍ. (٧)

ثمَّ أَخَذَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] فِي الدُّعَاءِ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالمُؤْمِنَاتِ وَدَعَا عَلَى أَهْلِ الشَّرْكَ، ثُمَّ قَرَأَ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (٨) إِلَى آخِرِ آيَةِ. (٩)

ص: ٩٠

١- (١) - الثبور: الهلاك، دعا بالويل و الثبور أى قال واويلاه، و اثوراه..

٢- (٢) - مقتبس من الآية ٣٦ من سورة الفاطر، و فى الأصل «كذلك نجزي كل كفور» كما فى الآية الشريفه..

٣- (٣) - فى الأصل «منه» و الأصح «أمنه» بقرينه ما قبلها..

٤- (٤) - فى الأصل «فرَّ» و الأولى «فرحل»..

٥- (٥) - الفجائع: جمع فجيعة: الرزية..

٦- (٦) - القوارع: القارعه: البليّة التى تفرع القلب بشده المخافه، و قوارع الدهر: دواهيه..

٧- (٧) - المجدود: المقطوع..

٨- (٨) - النحل: ٩٠..

٩- (٩) - تيسير المطالب فى أمالى أبى طالب: ٢٠٠ و ٢٠١، مؤسسه الأعلمى، بيروت، ١٣٩٥ هـ ..

و فریاد و اویلای او بلند است، دعا و التماس او مورد توجه و دلسوزی قرار نمی گیرد و از عذاب جهنم که برای اوست کاسته نمی شود. و هر ناسپاسی این چنین مجازات می شود.

هم چنین به یاد آورید آن را که از دنیا مفارقت کرده ولی وسیله رهایی و آسایش خود را برگرفته و با امنیت، بخشیده شده، موفق و پاکیزه از دنیا کوچ کرده و به سعادت و جاودانگی دست یافته و در خانه زندگی حقیقی، پسندیده، خوش و خرم مسکن گزیده همان جا که مصیبتی پیش آمد نمی کند و وحشت و اضطرابی پدید نمی آید و مرگی در پیش نیست، با عطا و بخششی پایان ناپذیر.

آن گاه حضرت شروع کرد به دعا برای مؤمنین و مؤمنات و نفرین به اهل شرک، سپس آیه شریفه **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ** الاحسان را تا آخر قرائت کرد.

ص: ۹۱

۱۴ - خطبه دیگری از آن حضرت در روز عید فطر

امام صادق علیه السلام از پدرش از جدش روایت کرده که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در روز فطر برای مردم چنین خطبه خواند:

ای مردم! این روزتان روزی است که نیکوکاران به پاداش خود می رسند و تبهکاران زیان می بینند و شبیه ترین روز به روز قیامت است. پس به یاد بیاورید با بیرون آمدن از خانه هایتان به سوی نمازگاهتان، بیرون آمدن از قبرها به سوی پروردگارتان را و به یاد بیاورید با ایستادن در مصلاًیتان، ایستادن در پیشگاه پروردگارتان را و با بازگشت به سوی منازلتان بازگشت به سوی خانه هایتان در بهشت یا در آتش!

و بدانید ای بندگان خدا! که کمترین پاداش روزه داران از زن و مرد این است که در روز آخر ماه رمضان فرشته ای آنها را ندا می کند که: مژده باد شما را ای بندگان خدا! همانا گناهان گذشته شما آمرزیده شد پس بنگرید در آینده چگونه خواهید بود.

فِي يَوْمِ الْأَضْحَى

قال شيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي قدس الله نفسه: روى أبو مخنف، عن عبدالرحمان بن جندب، عن أبيه، أن علياً (عليه السلام) خطب يوم الأضحى فكبر فقال:

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَبْلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمِهِ الْأَنْعَامِ (١).

اللَّهُ أَكْبَرُ زِنَةَ عَرْشِهِ وَرِضًا نَفْسِهِ وَمَدَادَ كَلِمَاتِهِ وَعِيدَدَ قَطْرِ سَمَاوَاتِهِ وَنُطْفِ (٢) بُحُورِهِ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى حَتَّى يَرْضَى؛ وَبَعْدَ الرِّضَا؛ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ.

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا مُتَكَبِّرًا، وَإِلَهًا عَزِيزًا (٣) مُتَعَزِّزًا، وَرَحِيمًا عَطُوفًا مُتَحَنِّنًا،

ص: ٩٤

١- (١) - بهيمه الأنعام: البهيمه: ما لا نطق له و ذلك لما فى صوته من الإبهام لكن خصّ فى التعارف بما عدا السباع و الطير. و الأنعام: جمع نَعَم، و هو مختصّ بالإبل و جمعه يشمل الإبل و البقر و الغنم. و جاء هذا التركيب فى موارد ثلاثه من القرآن الكريم: المائده: ١ -الحج: ٢٨ و ٣٤ و الظاهر أنّ الإضافه هنا بيانیه..

٢- (٢) - نُطْفِ: جمع النطفه: الماء الصافى قلّ أو كثر..

٣- (٣) - العزيز: الذى يُقهر و لا يُقهر..

۱۵ - خطبه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در عید قربان

شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی روایت کرده که امیرالمؤمنین علیه السلام در روز اضحی (عید قربان) خطبه خواند و آن را با تکبیر چنین آغاز کرد:

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، و سپاس خدای را.

خدای را شکر که ما را هدایت کرد و سپاس او را که ما را آزمایش کرد و حمد او را برای آنچه از چارپایان روزی ما قرار داد.

خدای را تکبیر می گویم و بزرگ می شمارم به اندازه عرش و خشنودی ذات او و به مقدار مرگب کلمات او و تعداد قطره های باران و آب دریاهايش.

و اسماء حسنی و نیک برای اوست. و حمد برای اوست در دنیا و آخرت تا آن گاه که راضی شود، و بعد از خشنودی نیز، همانا خداوند بلند مرتبه و بزرگ است.

خداوند بزرگتر است، بزرگ و تنها شایسته کبریا. و معبودی است عزیز و با قدرت که عزت را تنها برای خود پسندیده است. و خدای مهربان شفیق و بامحبت،

يَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَيُقِيلُ الْعَثْرَةَ (١)، وَيَعْفُو بَعْدَ الْقُدْرَةِ، وَلَا يَقْطُطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الضَّالِّونَ.

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا، وَسَيِّبَحَانَ اللَّهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ اهْتَدَى وَفَازَ فَوْزًا عَظِيمًا، وَمَنْ يَعَصِ هِمَا فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا.

أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَكَتْرِهِ ذِكْرِ الْمَوْتِ، وَأَحْيِدْكُمْ الدُّنْيَا الَّتِي لَمْ يُمْتَعْ بِهَا أَحَدٌ قَبْلَكُمْ وَلَا تَبْقَى لِأَحَدٍ بَعْدَكُمْ فَسَبِيلٌ مَنْ فِيهَا سَبِيلُ الْمَاضِينَ مِنْ أَهْلِهَا.

[أَلَا وَإِنَّهَا قَدْ تَصَرَّمَتْ (٢) وَأَذَنْتْ بِانْقِضَاءِ وَتَنَكَّرَ مَعْرُوفُهَا وَأَصْبَحَتْ مُدْبِرَةً مُؤَلِّيَةً فِيهَا تَهْتَفُ بِالْفَنَاءِ وَتَصْرُخُ بِالْمَوْتِ قَدْ أَمَرَ مِنْهَا مَيَّا كَانَ حُلُوءًا، وَكَادِرَ مِنْهَا مَا كَانَ صَيْفُوءًا، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا شُفَافَةٌ (٣) كَشَفَافَةِ الْإِنَاءِ وَجُرْعَةٌ كَجُرْعَةِ الْإِدَاوَةِ (٤) لَوْ تَمَرَّزَهَا (٥) الصَّدِيَانُ (٦) لَمْ تَنْقَعْ (٧) غُلَّتُهُ (٨) فَازْمَعُوا عِبَادَ اللَّهِ عَلَى الرَّجِيلِ عَنْهَا وَأَجْمِعُوا مُتَارَكَتَهَا فَمَا مِنْ حَيٍّ يَطْمَعُ

ص: ٩٦

١- (١) - العثرة: السقطه و الزلّه. .

٢- (٢) - تصرّم: تقطع، تصرّمت السنه: انقضت..

٣- (٣) - شفافه: بقيه الماء فى الإناء. .

٤- (٤) - الإداوّه: إناء صغير من جلد..

٥- (٥) - تمرّز: أكل او شرب. .

٦- (٦) - الصديان: عطشان. .

٧- (٧) - نقع: نقع الماء العطش: سكّنه و قطعه..

٨- (٨) - غلّه: شدّه العطش..

توبه را می پذیرد و از لغزش در می گذرد و با وجود توان و قدرت عفو می کند، خداوندی که از رحمت او جز گمراهان مأیوس نمی شوند.

خدای بزرگتر است او را بزرگ می شمارم و از روی اخلاص \square لا اله الا الله می گویم و صبح و شام تسبیح برای خداست، حمد خدای را، حمد می کنم او را، و از او مدد می جویم و طلب مغفرت و هدایت می کنم، و شهادت می دهم معبودی جز الله نیست، تنها و بی شریک است، و همانا محمد بنده و فرستاده اوست. کسی که خداوند و پیامبرش را پیروی کند به درستی هدایت یافته و به رستگاری بزرگ رسیده است و هر شخصی نسبت به خدا و پیامبرش نافرمانی کند در گمراهی دور [و عمیقی] گرفتار شده است.

بندگان خدا! شما را به تقوای الهی و زیاد در یاد مرگ بودن توصیه می کنم و شما را از دنیایی که پیشینیان از او بهره نبردند و برای آیندگان نیز باقی نخواهد ماند، برحذر می دارم. مسیر کسانی که در دنیا هستند همان مسیر گذشتگان از اهل دنیاست.

آگاه باشید! روزگار سپری شده و دنیا پایانش را اعلام کرده است، آشنایش غریب و ناآشنا و در حال ادبار و گذشتن است و ندایش به نابودی و فنا و فریادش به مرگ بلند است. آنچه شیرین در اوست تلخ و آنچه صاف و خالص است با کدورت همراه است. و باقی نمانده از آن مگر به مقدار آب اندکی که بعد از سر کشیدن در ظرف بجا می ماند و یا جرعه آبی در ظرف آبخوری که اگر تشنه کام بنوشد عطش او را برطرف نکند.

بندگان خدا! برای کوچ کردن از دنیا عزم جزم کنید و به ترک و وانهادن دنیا تصمیم قطعی بگیرید، هیچ زنده ای نیست مگر این که در بقا

فِي بَقَاءٍ، وَلَا نَفْسٍ إِلَّا وَقَدْ أذَعَتِ لِلْمُنُونِ (١)، فَلَا يَغْلِبَنَّكُمُ الْأَمَلُ، وَلَا يَطُلْ عَلَيْكُمُ الْأَمِيدُ فَتَقْسُو قُلُوبَكُمْ، وَلَا تَعْتَرُّوا بِالْمَنَى وَخُدَعِ الشَّيْطَانَ وَتَسْوِيفِهِ (٢)، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ عَدُوُّكُمْ حَرِيصٌ عَلَى إِهْلَاكِكُمْ، تَعَبَّدُوا لِلَّهِ - عِبَادَ اللَّهِ - أَيَّامَ الْحَيَاةِ، فَهَلَّا لَوْ حَنَنْتُمْ حَيْنَ (٣) الْوَالِيهِ (٤) الْمَعْرِالِ (٥) وَوَدَعْتُمْ دُعَاءَ الْحَمَامِ، وَحَيَّرْتُمْ جُؤَارَ (٦) مُتَبَتِّلِي (٧) الرَّهْيَانِ، وَخَرَجْتُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ إِيْتِمَاسَ الْقُرْبَةِ إِلَيْهِ فِي ارْتِفَاعِ دَرَجَةٍ وَعُفْرَانِ سَيِّئَةٍ أَحْصَيْتَهَا كَتَبْتَهُ وَحَفِظْتَهَا رُسُلُهُ، لَكَانَ قَلِيلًا - فِيمَا تَرْجُونَ مِنْ ثَوَابِهِ وَتَخْشَوْنَ مِنْ عِقَابِهِ، وَتَالَلَّهِ لَوْ إِنَّمَا تَأْتِ (٨) قُلُوبُكُمْ إِنَّمَا تَأْتِ مِنْ رَبِّهِ اللَّهُ عُنُونُكُمْ دَمًا ثُمَّ عُمَرْتُمْ عُمَرَ الدُّنْيَا عَلَى أَفْضَلِ اجْتِهَادٍ وَعَمَلٍ مَا جَزَتْ أَعْمَالُكُمْ حَقَّ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ (٩) وَلَمَّا اسْتَحَقَقْتُمُ الْجَنَّةَ بِسُورَى رَحْمَةِ اللَّهِ وَمَنَّةِ عَلَيْهِمْ، جَعَلْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الْمُقْسَطِينَ التَّائِبِينَ الْأَوَابِينَ.

□
 أَلَا وَإِنَّ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمٌ حُرْمَتُهُ عَظِيمَةٌ وَبَرَكَتُهُ مَأْمُولَةٌ وَالْمَغْفِرَةُ فِيهِ مَرْجُوءَةٌ، فَأَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَتَعَرَّضُوا لِثَوَابِهِ بِالتَّوْبَةِ وَالْإِنَابَةِ وَالْخُضُوعِ

ص: ٩٨

-
- ١- (١) - منون: الموت..
 ٢- (٢) - تسويق: مطل..
 ٣- (٣) - حنين: حنّ حيناً: صوت لا سيما عن طرب او حزن..
 ٤- (٤) - الواله: كلّ أنثى فقدت ولدها فهي واله و والهه..
 ٥- (٥) - المعجال: العجول: الواله من النساء لعجلتها في جيئها و ذهابها جذعاً، الشكلى؛ و من الإبل التي فقدت ولدها. و المعجال: المرأة التي وضعت ولدها قبل أوانه..
 ٦- (٦) - الجؤار: الصوت المرتفع..
 ٧- (٧) - المتبتل: المنقطع للعباده..
 ٨- (٨) - إنمات: ذابت..
 ٩- (٩) - من قوله «ألا و إنّها قد تصرّمت» إلى هنا رواه في نهج البلاغه (خ ٥٢) بتفاوت يسير..

طمع دارد و هیچ صاحب حیاتی نیست مگر این که تسلیم مرگ است، مراقب باشید آرزوها بر شما چیره نگردند و مهلت زندگی برایتان طولانی جلوه نکند و قلبتان سخت شود. گول آرزو و فریب شیطان و امروز و فردا کردن او را نخورید، زیرا شیطان دشمن شما است و بر هلاکت و نابودی شما بسیار علاقه مند است. بندگان خدا! در زندگانی و زمان حیات خود عبادت پروردگار را بجای آورید.

به خدا، اگر چون شتر بچه مرده زاری کنید و چون کبوتر جفت از دست داده بانگ بر آورید و چون راهبان ترک دنیا گفته فریاد کشید و مال و فرزندان در راه قرب خدا دهید تا درجه و مرتبه شما افزون گردد یا گناهتان بخشوده گردد گناهی که در نامه های او ثبت و شمرده شده و فرشتگانش آن ها را به خاطر سپرده اند، در مقابل ثوابی که از خدا امید دارید و کیفر و مجازاتی که از آن واهمه دارید اندک و ناچیز است.

سوگند به خدا اگر دل های شما یکسره بگدازد و دیدگانتان از بیم پروردگار خون ببارد و عمرتان تا پایان روزگار دنیا با بهترین کوشش و کردار سپری شود، با این حال تمام اعمالتان پاداش حق نعمت پروردگار بر شما نخواهد بود و جز با رحمت و منت خداوند سزاوار بهشت نخواهید گشت.

خداوند ما و شما را اهل قسط و عدل و از جمله توبه کنندگان و بازگشت کنندگان قرار دهد.

آگاه باشید که این روز روزی است که حرمتی عظیم دارد و برکتش مورد انتظار است و امید بخشش و مغفرت در آن است، پس یاد خدا را بسیار کنید و به وسیله توبه و انابه، فروتنی

والتَّضَرُّعُ فَإِنَّهُ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَن عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَهُوَ الرَّحِيمُ الْوَدُودُ.

وَمَن ضَحَّى مِنْكُمْ فَلْيُضَحِّ بِجَدْعِ (١) مِنَ الضَّانِّ وَلَا يُجْزِئُهُ عَنْهُ جِدْعٌ مِنَ الْمَعْرِ. [وَمِن تَمَامِ الْأُضْحِيَّةِ (٢) اسْتِشْرَافُ (٣) أُذُنِهَا وَسَلَامُهُ عَيْنِهَا فَإِذَا سَلِمَتِ الْأُذُنُ وَالْعَيْنُ سَلِمَتِ الْأُضْحِيَّةُ وَتَمَّتْ وَإِنْ كَانَتْ عَضْبَاءَ (٤) الْقَرْنِ تَجُرُّ رِجْلَيْهَا إِلَى الْمَنَسْكِ (٥)]. (٦)

وَإِذَا ضَحَّيْتُمْ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا وَأَدَّخِرُوا وَاحْمِدُوا اللَّهَ عَلَى مَا رَزَقَكُمْ مِنْ بَهِيمِهِ الْأَنْعَامِ، وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَحْسِنُوا الْعِبَادَةَ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ بِالْقِسْطِ، وَارْعَبُوا فِيهَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ، وَأَدُّوا مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ مِنَ الْحَجِّ وَالصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَمَعَ الْإِيمَانِ، فَإِنَّ ثَوَابَ اللَّهِ عَظِيمٌ وَخَيْرُهُ جَسِيمٌ، وَأَمْزُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَعِينُوا الضَّعِيفَ وَانصُرُوا الْمَظْلُومَ، وَخُذُوا فَوْقَ يَدِ الظَّالِمِ أَوْ الْمُرِيبِ، وَأَحْسِنُوا إِلَى نَسَائِكُمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَاصدُقُوا الْجَدِيثَ وَأَدُّوا الْأَمْيَانَ، وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ وَكُونُوا قَوَامِينَ بِالْقِسْطِ، وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ

ص: ١٠٠

١- (١) - الجَدْعُ: من البهائم صغيرها، ما كمل سنه سبعة أشهر..

٢- (٢) - الأضحية: الشاه التي طلب الشارع ذبحها بعد شروق الشمس من عيد الأضحى..

٣- (٣) - إستشراف الأذن: تفقدها حتى لا تكون مجدوعه ولا مشقوقه وقد يراد من استشراف الأذن: طولها و انتصابها..

٤- (٤) - عضباء القرن: مكسورته..

٥- (٥) - المنسك هنا بمعنى المذبح..

٦- (٦) - هذه القطعه رواها في نهج البلاغه (خ ٥٣)..

و لابه خود را در معرض ثواب و پاداش الهی قرار دهید، چرا که او توبه‌بندگانش را می‌پذیرد و گناهان را می‌بخشد همانا او مهربان و با محبت است.

هر کسی از شما قربانی می‌کند پس باید بزه‌ای باشد که هفت ماهش را تمام کرده باشد و بزغاله هفت ماهه کفایت نمی‌کند.

قربانی آنگاه کامل و تمام است که گوش آن را نیک بنگرند تا بریده و شکافته نباشد چشم آن نیز سالم باشد گوش و چشم اگر درست باشد قربانی درست و تمام است هر چند شاخش شکسته و پایش لنگ باشد و لنگ و لنگان به قربانگاه رود.

وقتی قربانی کردید، هم از گوشت آن بخورید و هم احسان کنید و هم ذخیره کنید، و خدای را بر آنچه از چارپایان روزی شما کرد، سپاس گوئید، و نماز را اقامه نموده و زکات را پرداخت کنید و عبادت را نیک انجام دهید و شهادت دادن از روی حق و عدالت را بر پا دارید، و آنچه را خداوند برایتان مقرر فرموده خواستار شوید، و آنچه را خداوند از حج و روزه و نماز و زکات و نشانه‌های ایمان بر شما واجب گردانیده بجای آورید، زیرا پاداش الهی عظیم و خیر و نیکی او بزرگ است. و امر به معروف و نهی از منکر کنید و ناتوان و ستم‌دیده را یاری کنید، و از فراز دست ستمگر و یا اهل تردید بگیرید. و به زنهائیان و نیز به بردگانتان نیکی کنید، و سخن راست بگوئید و امانت را ادا نمایید، و به پیمان وفا کنید و به عدل و داد قیام نمایید و پیمانه و وزن را کامل پرداخت کنید،

وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّىٰ جِهَادِهِ، وَ «لَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ» (١).

□
إِنَّ أَبْلَغَ الْمَوْعِظَةِ وَأَحْسَنَ الْقَصَصِ كَلَامُ اللَّهِ.

ثمَّ تَعَوَّذَ (عليه السلام) و قرء سورة الإخلاص و جلس كالرائد (٢) العجلان ثم نهض فقال:

□
الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنُؤْمِنُ بِهِ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ. وَ ذَكَرَ بَاقِيَ الْخُطْبَةِ الْقَصِيرَةِ نَحْوًا مِنْ خُطْبَةِ الْجُمُعَةِ. (٣)
[التي مرّت في الرّقم ٦ من الخطب]

ص: ١٠٢

١- (١) - لقمان: ٣٣، فاطر: ٥. و لفظ الآية الشريفه: «فلا تغرّنكم...»..

٢- (٢) - الرائد: الرسول الذي يرسله القوم لينظر لهم مكاناً ينزلون فيه..

٣- (٣) - مصباح المتعجد، شيخ الطائفة محمّد بن الحسن الطوسي: ٤١١، مؤسّسه الأعلّمى، بيروت، و فى طبعه مؤسّسه فقه الشيعه، ص ٦٦٢. و رواها الشيخ الصدوق باختلاف طفيف فى بعض الجملات فى كتاب من لا يحضره الفقيه: ٣٢٨/١؛ نهج السعاده: ٥١٦/١..

و در راه خدا آنچه‌ان که شایسته است جهاد کنید، و «زندگی دنیا شما را گول نزند و [شیطان] فریبنده شما را درباره خدا فریب ندهد.» همانا رساترین پند و زیباترین حکایت کلام خداوند است.

آن گاه حضرت «اعوذ باللّه...» گفته و سوره اخلاص را قرائت کرد و اندکی همانند دیده وری شتابان نشست سپس برخاست و فرمود:

حمد خدای را، او را سپاس می گوئیم و از او مدد می جوئیم به او ایمان داریم و بر او توکل می کنیم.

سپس بقیه خطبه را همانند خطبه دوّم جمعه (خطبه شماره ۶ که در صفحه ۴۲ گذشت) بیان فرمود.

ص: ۱۰۳

لعلّي عليه السلام

إذا أجدبت البلاد وقلت الأمطار وقحط الزمان، يُستحب أن يلتجئ الناس إلى الله تعالى و يستسقوا الغيث. و ينبغي للإمام أن يتقدم إليهم أن يصوموا يوم السبت و الأحد و الاثنين، فإذا أصبح يوم الاثنين خرج الإمام و الناس كما يخرجون إلى العيد مشاءً بين يديه المؤذنون في أيديهم العنز، فإذا انتهوا إلى المصلّى صَلَّى بالناس ركعتين بغير أذان و لا إقامة كهيته صلاه العيد باثنتي عشرة تكبيره، سبع في الأولى، و خمس في الثانيه بعد القراءة، منها تكبيره الافتتاح و تكبيره الرّكوع، يفصل بين كلّ تكبيرتين بدعاء، فإذا سلّم صعد المنبر و قلب رداءه، فيجعل الذي على يمينه على يساره، و الذي على يساره على يمينه، ثمّ يستقبل القبله، فيكبر الله مائه تكبيره رافعاً بها صوته، ثمّ يلتفت يميناً إلى الناس، فيسبح الله مائه تسبيحه رافعاً بها صوته، ثمّ يلتفت إلى الناس عن يساره، فيهلل الله مائه تهليله رافعاً بها صوته، ثمّ يستقبل الناس فيحمد الله مائه تحميده، ثمّ يرفع يديه فيدعو و يدعون معه فإنّ الله تعالى يستجيب لهم.

و يستحب أن يدعو بهذه الخطبه: روى أنّ أمير المؤمنين عليه السلام خطب بهذه الخطبه في صلاه الاستسقاء فقال:

هنگامی که خشکسالی سرزمین ها را فرا بگیرد، باران کم بیارد و دوران قحطی شود، مستحب است مردم به خداوند متعال پناهنده شوند و طلب باران کنند. و سزاوار است که امام و پیشوا به مردم پیشنهاد کند که روز شنبه، یکشنبه و دوشنبه را روزه بگیرند و صبح روز دوشنبه همانند روز عید، پیشوا و مردم پیاده به بیرون شهر بروند در حالی که مؤذنان پیشاپیش حرکت می کنند و عصا به دست دارند.

هنگامی که به مصلی (محل نماز) رسیدند امام دو رکعت نماز با مردم همانند نماز عید بدون اذان و اقامه به جا می آورد، با دوازده تکبیر، هفت تکبیر در رکعت اول و پنج تکبیر در رکعت دوم بعد از قرائت حمد و سوره - تکبیره الأحرام اول نماز و تکبیر قبل از رکوع جزء همین دوازده تکبیر است - بین هر دو تکبیر [قنوت می گیرد و] دعا می خواند [بنابراین پنج قنوت در رکعت اول و چهار قنوت در رکعت دوم می گیرد].

هنگامی که نماز را به پایان بُرد به روی منبر می رود و عباي خود را وارونه می پوشد به گونه ای که طرف راست آن بر دوش چپ و طرف چپ آن بر دوش راست قرار بگیرد. آن گاه رو به قبله می ایستد و صد مرتبه با صدای بلند تکبیر می گوید.

سپس به طرف راست برمی گردد و صد مرتبه با صدای بلند تسبیح (سبحان الله) می گوید، پس از آن به طرف چپ برمی گردد و صد مرتبه با صدای بلند لا اله الا الله می گوید. و بالاخره روبرو روی مردم می ایستد و صد مرتبه الحمد لله می گوید. آن گاه دستهایش را بلند می کند و دعا می کند و مردم نیز همراه او دعا می کنند، همانا خداوند متعال دعایشان را اجابت خواهد کرد.

و مستحب است که این خطبه را بخواند. [و به وسیله آن دعا کند.] روایت شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام در نماز استسقاء این چنین خطبه خواندند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ سَابِغِ النَّعْمِ (١) وَمُفَرِّجِ الْهَمِّ وَبَارِي النَّسَمِ (٢) الَّذِي جَعَلَ السَّمَوَاتِ الْمُرْسَاهَ (٣) عِمَادًا، وَالْجِبَالِ أوتَادًا، وَالْأَرْضَ لِلْعِبَادِ مِهَادًا، وَمَلَائِكَتَهُ عَلَيَّ أَرْجَائِيهَا (٤) وَحَمَلَهُ عَرْشِهِ عَلَيَّ أَمْطَائِيهَا (٥)، وَأَقَامَ بِعِزَّتِهِ أَرْكَانَ الْعَرْشِ، وَأَشْرَقَ بِضَوْئِهِ شُعَاعَ الشَّمْسِ، وَأَطْفَأَ بِشُعَاعِهِ ظُلْمَةَ الْغَطْشِ (٦)، وَفَجَّرَ الْأَرْضَ عُيُونًا وَالْقَمَرَ نُورًا وَالنُّجُومَ بُهُورًا (٧) ثُمَّ تَجَلَّى فَتَمَكَّنَ (٨)، وَخَلَقَ فَأَتَقَنَ، وَأَقَامَ فَتَهَيَّمَنَ (٩)، فَخَضَعَتْ لَهُ نَخْوُهُ (١٠) الْمُسْتَكْبِرِ وَطَلِبَتْ إِلَيْهِ خَلَّهُ (١١) الْمُتَمَسِّكِينَ (١٢).

اللَّهُمَّ فَبِدَرَجَتِكَ الرَّفِيعَةِ (١٣) وَمَحَلَّتِكَ الْمَنِيعَةِ (١٤) وَفَضْلِكَ الْبَالِغِ وَسَبِيلِكَ الْوَاسِعِ أَسْأَلُكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا دَانَ لَكَ (١٥) وَدَعَا إِلَيَّ عِبَادَتِكَ وَوَفَّقِي بِعُهُودِكَ وَأَنْفِذْ أَحْكَامَكَ وَاتَّبِعْ أَعْلَامَكَ، عَبْدُكَ

ص: ١٠٦

- ١- (١) - سابغ النعم: ذوالنعمه السابغه الكامله..
- ٢- (٢) - النَّسَم: جمع النَّسْمه: الإنسان..
- ٣- (٣) - المرساه: المثبتات: و هي عماد لما فوقها من العرش و الكرسي..
- ٤- (٤) - الأرجاء: جمع الرجا و هي الناحيه..
- ٥- (٥) - الامطاء: جمع مطاء و هو الظهر. قال المجلسي قدس سره: و في أكثر نسخ المصباح «و جعل عرشه على أمطائها» فالضمير راجع إلى الملائكه..
- ٦- (٦) - الغش: الظلمه، و المراد هنا الليل المظلم او الإسناد على المجاز..
- ٧- (٧) - البهور: الأضاءه او المضى، الغلبه و العجب..
- ٨- (٨) - في نسخه البحار: «علا و تمكّن»..
- ٩- (٩) - تهيمن: صار رقيباً و شاهداً و حافظاً..
- ١٠- (١٠) - النخوه: العظمه و التكبر..
- ١١- (١١) - خَلَّهُ: الحاجه و الفقر و الخصاصه، و طلب إليه: إذا رغب..
- ١٢- (١٢) - المتمسكن: الذي صار مسكيناً..
- ١٣- (١٣) - بدرجتك الرفيعه: أى بعلو ذاتك و صفاتك..
- ١٤- (١٤) - محلتك المنيعه: أى بجلالتك و عظمتك المانع..
- ١٥- (١٥) - دان لك: أطاعك او تذلل لك..

سپاس خدای را که صاحب نعمتهای فراوان، دور کننده غصه ها و آفریننده مخلوقات است خدایی که آسمانهای استوار را پایه و ستون کرسی خود و کوهها را چون میخها و زمین را محل آسایش برای بندگان و فرشتگان را بر اطراف آسمان و زمین و حاملان عرش را بر پشت آنها قرار داد. و به عزت خود ارکان عرش را بر پا داشت و با روشنایی خود شعاع خورشید را نورانی ساخت و با شعاع او ظلمت شب تاریک را برطرف نمود و از زمین چشمه هایی جاری ساخت، ماه را نور و ستارگان را روشنایی بخشید، آن گاه تجلی کرد و اقتدار یافت و پدید آورد و استحکام بخشید، و هر چیزی را در مقام خود بر پا داشت و حافظ و شاهد آن گردید. پس فخر فروشی متکبران در مقابل او خاضع و علاقه مساکین به سوی او مایل گشت.

خداوندا! به بلندی ذات و صفات و عظمت و جلال مقامت و احسان رسایت و راه وسیع و گشوده ات، از تو مسئلت دارم بر محمد و آل او درود فرستی، چنان که او تسلیم تو بود و مردم را به بندگی و عبادت تو فرا خواند، به پیمانهای تو وفا کرد و احکام تو را اجرا، و از نشانه های تو پیروی نمود، هم او که بنده،

وَنَبِيِّكَ وَأَمِيَّتِكَ عَلَيَّ عَهْدِكَ إِلَيَّ عِبَادَتِكَ الْقَائِمِ بِأَحْكَامِكَ وَمُرِيدِ (١) مِنْ أَطَاعَتِكَ وَقَاطِعِ عُذْرٍ مَنْ عَصَاكَ. اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ مُحَمَّدًا أَجْزَلَ (٢) مَنْ جَعَلْتَ لَهُ نَصِيبًا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَنْضَرَ (٣) مَنْ أَشْرَقَ وَجْهُهُ بِسَجَالِ (٤) عَطِيَّتِكَ، وَأَقْرَبَ الْأَنْبِيَاءِ زُلْفَةً (٥) يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَكَ، وَأَوْفَرَهُمْ حَظًّا مِنْ رِضْوَانَتِكَ، وَأَكْثَرَهُمْ صُفُوفَ أُمَّهِ فِي جَنَاتِكَ، كَمَا لَمْ يَسْجُدْ لِلْأَحْيَارِ، وَلَمْ يَعْتَكِفْ لِلْأَشْجَارِ، وَلَمْ يَسْتَحِلَّ السَّبَاءَ (٦)، وَلَمْ يَشْرَبِ الدَّمَاءَ.

اللَّهُمَّ خَرَجْنَا إِلَيْكَ حِينَ فَاجَأَتْنَا الْمَضَائِقُ الْوَعْرَةَ (٧)، وَالْجَأَتْنَا الْمَحَابِسَ الْعَسِرَةَ (٨)، وَعَضَّتْنَا (٩) عَلَمَاتُ الشَّيْنِ (١٠)، وَتَأَثَلْت (١١) عَلَيْنَا لَوَاحِقُ الْمَيِّنِ (١٢)، وَاعْتَكَرَتْ (١٣) عَلَيْنَا حَدَابِيرُ السَّنِينِ (١٤)، وَأَخْلَفْتَنَا مَخَائِلُ (١٥) الْجُودِ، وَاسْتَظْمَأْنَا لِصَوَارِحِ (١٦) الْعُودِ (١٧)، فَكُنْتُ رَجَاءَ الْمُسْتَيْسِ وَالثَّقَّةَ لِلْمُلْتَمِسِ.

ص: ١٠٨

- ١- (١) - في نسخة البحار: «مؤيد»..
- ٢- (٢) - أجزل: أى أكمل و أعظم من حيث النصيب..
- ٣- (٣) - أنضر: أى أحسن و أبهى..
- ٤- (٤) - السجال: جمع السجل و هو الدلو إذا ملئ ماءً..
- ٥- (٥) - الزلفة: القرب و المنزله..
- ٦- (٦) - السبأ: الخمر، او شرائها او حملها من بلد إلى بلد..
- ٧- (٧) - الوعره: الصعبه..
- ٨- (٨) - المحابس العسره: الشدائد التى صعب الصبر عليها..
- ٩- (٩) - عضتتا: عضه و عض عليه: أمسكه بأسنانه..
- ١٠- (١٠) - الشين: خلاف الزين..
- ١١- (١١) - تأثل: تأصل و استحکم او عظم..
- ١٢- (١٢) - المين: الكذب..
- ١٣- (١٣) - الاعتكار: الازدحام و الكثره و الحمله..
- ١٤- (١٤) - حدابير السنين: الحدابير جمع حدبار: الناقه التى بدا عظم ظهرها من الهزال فشبهه بها السنين التى كثر فيها الجذب و القحط..
- ١٥- (١٥) - المخائل: جمع المخيله و هى السحابه المخيله التى تحسبها ما طره..
- ١٦- (١٦) - الصوارخ: جمع صارخه من صرخ إذا صاح او استغاث..
- ١٧- (١٧) - العود: المسن من الإبل و الشاء و فى بعض النسخ: «القود» و هو الخيل. و معنى الجملة: إننا صرنا عطاشا لصراخها، او رضينا بالعطش مع زوال عطشهم، او صرنا طالبين لإزاله العطش لصوارخها..

فرستاده و امین پیمانهای تو نسبت به بندگانت بود، برپا دارنده دستورات تو و طالب خیر برای بندگان فرمانبرت و بُرنده بهانه و دستاویز گناهکاران.

خداوندا! برترین سهم را از رحمت خود برای محمد صلی الله علیه و آله قرار بده، و سیمای او را شادابترین چهره ای که از عطای سرشار تو برخوردار گشته و نزدیکترین پیامبران در روز قیامت به مقام قرب تو و بهره مندترینشان از رضوان تو و صاحب بیشترین صف پیروان در بهشت هایت مقرر فرما. چرا که او در برابر بتها و سنگها سجده نکرد و درختان را معبود نگرفت، شراب را حلال نشمرد و خونخواری نکرد.

خداوندا! هنگامی به سوی تو رو کرده ایم که تنگناهای سخت ناگهان برای ما رخ نموده و شداید ناگوار ما را گرفتار کرده، و وابستگی به زشتیها و آثار دروغها و لافهایمان دامن ما را گرفته، سالهای قحطی به ما هجوم آورده و ابرهای باران را به ما پشت نموده و ناله و فریاد حیوانات عطش ما را افزوده، خداوندا! تو امید هر ناامیدی و امین و تکیه گاه هر متقاضی و لابه کننده ای.

نَدْعُوكَ حِينَ قَنَطَ الْأَنَامُ وَمَنَعَ الْغَمَامُ وَهَلَكَ السَّوَامُ (١) يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمَ عَدَدَ الشَّجَرِ وَالنُّجُومِ (٢) وَالْمَلَائِكَةِ الصُّفُوفِ (٣) وَالْعَنَانَ
 الْمَكْفُوفِ (٤)، أَن لَمَّا تَرَدُّنَا خَائِبِينَ، وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِأَعْمَالِنَا، وَلَا تُحَاصِّنَا (٥) بِعَدُنُونَا وَانْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِالسَّحَابِ الْمُتَأَقِّ (٦) وَ
 النَّبَاتِ الْمُوتِقِ (٧)، وَالرَّبِيعِ الْمُغْدِقِ (٨) وَآمِنِ عَلَيَّ عِبَادِكَ بِتَنْوِيعِ الثَّمَرِ، وَأَحْيِ بِلِمَادِكَ بِيُلُوغِ الزَّهْرَةِ (٩)، وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ
 الْكِرَامِ السَّفَرَةَ (١٠) سَيِّقِيَا مِنكَ نَافِعَةَ دَائِمَةٍ غُزْرَهَا (١١)، وَاسْعَا دَرَّهَا (١٢) سَحَابًا وَابِلًا (١٣) سَيَّرِيْعًا عَاجِلًا، تُحْيِي بِهِ مَا قَد مَاتَ،
 وَتَرُدُّ بِهِ مَا قَد فَاتَ وَتُخْرِجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ.

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا (١٤) مُمْرِعًا (١٥) طَيِّبًا طَبَقًا (١٦) مُجَلِّجًا (١٧)، مُتَابِعًا

ص: ١١٠

- ١- (١) - السوام: السائمة: الماشية و الإبل الراعية..
- ٢- (٢) - النجوم: جمع النجم و هو ما نجم أى طلع من الأرض من النبات بغير ساق ويحتمل الكوكب والأول هو الانسب..
- ٣- (٣) - الصفوف: أى الملائكة القائمين فى السموات صفوفًا..
- ٤- (٤) - العنان المكفوف: السحاب الممنوع من المطر..
- ٥- (٥) - المحاصه: المقاسمه بالحصص، و المراد المقاصه بالأعمال..
- ٦- (٦) - المتأق: على بناء المفعول أى الممتلى و المتق، على بناء الفاعل أى الذى يملأ الغدران والجباب والعيون..
- ٧- (٧) - الموتق: الحسن المعجب..
- ٨- (٨) - المغدق: غُدقت العين: كثر ماؤها. و الربيع المغدق: أى كثير المطر و الماء..
- ٩- (٩) - الزهره: النبات و نوره..
- ١٠- (١٠) - السفرة: الكتبه..
- ١١- (١١) - الغزاره: الكثره، و الاسم الغزر كالضرب..
- ١٢- (١٢) - درها: أى مطرها و خيرها..
- ١٣- (١٣) - وابلًا: أى ذا وابل و الوابل: المطر الشديد..
- ١٤- (١٤) - المغيث: إمّا من الإغاثه بمعنى الإعانه او من الغيث أى الموجب لغيث آخر..
- ١٥- (١٥) - الممرع: ذا مرع و كلاء. مرع المكان: أخصب..
- ١٦- (١٦) - طبقًا: الطبق من المطر: العام..
- ١٧- (١٧) - المججلج: الججلجه: شدّه الصوت و صوت الرعد..

ای خدای حیّ و قیوم! هنگامی که مردم مایوس شده و ابرها از بارش باز مانده و چرندگان نابود شده اند، تو را می خوانیم به تعداد درختان و گیاهان و شمار ملائکه صف کشیده در آسمان و ابرهای بی باران فراوان، این که ما را با نومیدی و ناکامی برنگردانی و ما را به کردارمان مؤاخذه نکنی و به گناهانمان نگیری. خداوندا رحمت خود را با ابر پر باران و گیاهان سرسبز، و بهاری پر آب بر ما فرو ریز و با انواع میوه ها بر بندگانت منت گذار و سرزمینهایت را با گیاهان و شکوفه ها، حیات بخش. و ملائکه کرام و نویسندگان را شاهد بارش پر سودی از جانب خود قرار بده که فراوانی آن پیوسته و خیرش گسترده باشد. ابری باران زا، تند و زود که به وسیله آن سرزمینهای مرده را زنده بگردانی و آنچه از بین رفته برگردانی و رستنیها را برویانی.

خداوندا! ما را سیراب کن با بارانی پی در پی، رویاننده، پاکیزه، فراگیر و پر صدا که رعد و برق آن پی در پی،

خُفُوقُهُ (١)، مُنْبِجِسَهُ بُرُوقُهُ (٢) مُرْتَجِسَهُ (٣) هُمُوعُهُ (٤)، وَسَيِّبُهُ (٥) مُسْتَدِرٌّ، وَصَوْبُهُ مُسْبِطٌ (٦)، وَلَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَيِّمُومًا (٧) وَبَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُومًا (٨) وَضَوْعَهُ عَلَيْنَا رُجُومًا وَمَاءَهُ أَجَاجًا وَنَبَاتَهُ رَمَادًا رَمَدَادًا (٩).

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِكِ وَهَوَادِيهِ (١٠) وَالظُّلْمِ وَدَوَاهِيهِ وَالْفَقْرِ وَدَوَاعِيهِ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ مِنْ أَمَاكِنِهَا وَمُرْسِلَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا مِنْكَ الْغَيْثِ الْمَغِيثِ، وَأَنْتَ الْغِيَاثُ الْمُسْتَعَاثُ، وَنَحْنُ الْخَاطِئُونَ مِنْ أَهْلِ الذُّنُوبِ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعْفِرُ الْغَفَّارُ نَسْتَغْفِرُكَ لِلْجَهَالَاتِ مِنْ ذُنُوبِنَا، وَنُتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ عَوَامٍ (١١) خَطَايَانَا.

اللَّهُمَّ فَأَرْسِلْ عَلَيْنَا دِيمَةً (١٢) مِدْرَارًا، وَاسْقِنَا الْغَيْثَ وَكَفًّا مِغْزَارًا (١٣) غَيْثًا وَسَيْعًا، وَبَرَكَهَ مِنَ الْوَابِلِ نَافِعَةً يُدَافِعُ الْوَدْقَ (١٤) فِيهَا الْوَدْقُ دِفَاعًا، وَيَتَلَوُّ الْقَطْرَ مِنْهَا الْقَطْرُ غَيْرَ خُلْبٍ (١٥) بَرْقُهُ، وَلَا مُكْذِبٍ رَعْدُهُ وَلَا عَاصِفِهِ

ص: ١١٢

- ١- (١) خفوقه: أى اضطراب بروقه او أصوات رعوده..
- ٢- (٢) - منبجسه بروقه: أى يفتجر الماء من بروقه..
- ٣- (٣) - مرتجسه: رجست السماء و ارتجست: رعدت شديداً..
- ٤- (٤) - الهموع: همعت عينه هموعاً: أسالت الدمع، وسحاب همع: ماطر..
- ٥- (٥) - السيب: العطاء..
- ٦- (٦) - الصوب: الانصباب، و اسبطر أى امتد..
- ٧- (٧) - السموم: الريح الحارّه..
- ٨- (٨) - الحسوم: الشوم او المتتابع..
- ٩- (٩) - رماداً رمداداً: المتناهى فى الاحتراق كما يقال ليلٌ أليلٌ إذا أرادوا المبالغه..
- ١٠- (١٠) - هواديه: أى مقدماته..
- ١١- (١١) - العوام: الجميع و الشامل..
- ١٢- (١٢) - الديمه: مطر يدوم فى سكون بلا رعدٍ و برقٍ..
- ١٣- (١٣) - واكفاً مغرازاً: أى متقاطراً كثيراً..
- ١٤- (١٤) - الودق: المطر..
- ١٥- (١٥) - الخلب: الذى لاغيث معه..

درخشش ابرش موجب باران و صدای رعدش سبب گریه آسمان. خیر و عطای او جاری و ریزش او مدام. خداوندا! سایه آن ابر را برای ما سموم و باد سوزان و خنکی آن را شوم و طولانی و روشنائی اش را برای ما تیر شهاب و آب آن را تلخ و ناگوار و گیاهش را سوخته و خاکستر شده، قرار مده.

خداوندا! به تو پناه می بریم از شرک و مقدماتش، و ستم و آفاتش، و از فقر و موجبات آن، ای عطا کننده خیرات از محل آن و فرستنده برکات از منابع آن، باران کمک رسان (یا پی در پی و رویاننده) از جانب تو است و تو پناه و فریاد رسی. و ما خطاکاران از اهل گناهیم و تو پناه آمرزش خواهان و بخشنده و غفاری، از تو برای گناهانمان که از روی نادانی انجام داده ایم آمرزش می خواهیم و از همه خطاها و اشتباهاتمان به سوی تو بازگشت می کنیم.

خداوندا! برای ما باران سنگین و بسیار بفرست و ما را با بارانی با قطرات سرشار، بارانی گسترده و فراگیر و بارانی تند و مفید که با قطرات پی در پی که به هم برخورد می کنند سیراب ساز بارانی که درخشش برق او و صدای رعد او تو خالی نیست و وزش او طوفانی و ویرانگر

جَنَائِبُهُ (١)، بَيْلٍ رِيًّا (٢) يَغْصُ (٣) بِالرِّيّ رِبَابُهُ (٤)، وَفَاضَ فَانْصَاعَ (٥) بِهِ سَحَابُهُ، وَجَرَى آثَارَ هَيْدِيهِ (٦) جَنَابُهُ (٧) سُقِيًّا مِنْكَ مُحْيِيَهُ مُرَوِيَهُ مُحْفَلَهُ (٨) مُفْضَلَهُ مُتَّصِلَهُ زَاكِيًا نَبْتَهَا نَامِيًّا زَرْعَهَا نَاضِرًا عُوْذَهَا ثَامِرًا فَرَعَهَا مُمْرِعَةً آثَارَهَا جَارِيَهُ بِالْخِصْبِ وَالْخَيْرِ عَلَيَّ أَهْلِهَا، تَنْعَشُ (٩) بِهَا الضَّعِيفُ مِنْ عِبَادِكَ، وَتُحْيِي بِهَا الْمَيِّتَ مِنْ بِلَادِكَ وَتَنْعِمُ بِهَا الْمَبْسُوطَ مِنْ رِزْقِكَ وَتُخْرِجُ بِهَا الْمَخْزُونَ مِنْ رَحْمَتِكَ وَتَنْعُمُ بِهِمَا مِنْ نَأَى مِنْ خَلْقِكَ، حَتَّى يُخْصِبَ لِإِمْرَاعِهَا الْمُجْدِبُونَ (١٠) وَيَحْيِي بِبِرْكَتِهَا الْمُسْتُونَ وَتَتَرَعُ (١١) بِالْقِيَعَانِ (١٢) عُذْرَانِهَا وَتُورِقُ ذُرَى الْآكَامِ رَجَوَاتُهَا (١٣) وَيَدَهَامُ (١٤) بِذُرَى الْآكَامِ شَجْرُهَا وَتَسْتَحِقُّ عَلَيْنَا بَعْدَ الْيَأْسِ شُكْرًا مِنْهُ مِنْ مَنَّكَ مُجَلَّلَهُ (١٥)، وَنَعْمَهُ مِنْ نَعْمِكَ مُتَّصِلَهُ عَلَيَّ بِرَيْتِكَ الْمُرْمَلِ (١٦) وَبِلَادِكَ الْمُعْزَبِ (١٧) وَبِهَائِمِكَ الْمُعْمَلِ وَوَحْشِكَ الْمُهْمَلِ.

ص: ١١٤

- ١- (١) - جنائب: جمع جنوب. أى لا تكون رياح جنوبه شديده مهلكه، مفسده..
- ٢- (٢) - الرّى: الأرتواء من الماء..
- ٣- (٣) - الغصّ: الأمتلاء..
- ٤- (٤) - الرّباب: السحاب الأبيض، او السحاب الذى تراه كأنه دون السحاب..
- ٥- (٥) - انصاع: انفتل راجعاً مسرعاً، أى يكون غيثاً يفيض كثيراً ثم يرجع سحابه بالفيضان..
- ٦- (٦) - الهيدب: السحاب المتدلّى..
- ٧- (٧) - الجناب: الفناء و الناحيه، و المراد هنا الأرض التى يقع الغيث عليها..
- ٨- (٨) - محفله: أى مالئاً للحياض و الأوديه، و فى القاموس: حفل الماء اجتمع، و السماء اشتد مطره..
- ٩- (٩) - تنعش: ترفع، و تجبره بعد فقر..
- ١٠- (١٠) - المجدبون: المبتلون بالجذب. و كذا المستنون..
- ١١- (١١) - ترع: تمتلئ..
- ١٢- (١٢) - قيعان: جمع قاع و هو ارض سهله مطمئنه قد انفرجت عنها الجبال و الآكام..
- ١٣- (١٣) - الرجوات: جمع الرجا بمعنى الناحيه..
- ١٤- (١٤) - يدهام: مضارع ادهامّ بمعنى اسودّ، و العرب تقول لكل أخضر أسود..
- ١٥- (١٥) - مجلله: عامه. و المجلل: السحاب الذى يعم الارض بالمطر..
- ١٦- (١٦) - المرملة: الفقيره..
- ١٧- (١٧) - المعزبه: اعزب: بُعد و أبعد. و فى بعض النسخ «المعرنه» و المعنى قريب..

نیست بلکه ابر او سرشار و پر از آب است و چون بارانش فرو ریزد دوباره پر آب شده می بارد. و در اثر نزول بارانش آب در سرزمینها جاری می شود.

سیراب کردنی از جانب تو که حیات بخش، فروشاننده عطش و پرکننده برکه ها و افزون و پیوسته، گیاهش پاکیزه، زراعتش رشد کننده، چوب و درختش خرم شاخه هایش پر ثمر نتیجه اش رویش مرغزار و چراگاه با فراوانی و خیر برای مردم به گونه ای که بندگان ضعیفت به خوشی برسند و به وسیله آن باران، شهرهای مرده و دچار خشکسالی را زندگی ببخشی و روزی گسترده ات را ارزانی ببخشی و رحمت مخزون و پنهان را آشکار کنی و شامل حال بندگان دور و نزدیک سازی. تا این که در اثر سرسبزی مرغزارها قحطی زدگان به گشایش برسند و به برکت او گرفتاران خشکسالی به زندگی دست یابند و برکه ها و گودیهای بیابانها لبریز شوند و بالایی تپه ها در اثر بارش به نواحی و اطراف، خرم و فراز بلندیاها با رویش بیشه ها سرسبز شوند و بعد از نومیدی، شکر و سپاس تو بر ما لازم شود به جهت احسانی از احسانهای فراگیرت و نعمتی از نعمتهای پیوسته ات بر آفریدگان نیازمندت و شهرهای دوردست و حیوانهای اهلی و وحشی ات.

اللَّهُمَّ مِنْكَ ارْتِجَاءَنَا (١) وَإِلَيْكَ مَا بَيْنَنَا، فَلَا تَحْسِبْهُ عَنَّا لِتَبَطْنِكَ (٢) سِرَائِرِنَا وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا فَعَلَ الشَّفَهَاءُ مِنَّا، [فَإِنَّكَ تُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا، وَتَنْشُرُ رَحْمَتَكَ وَأَنْتَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ] (٣).

ثم بكى، فقال: سَيِّدِي صَاحَتْ (٤) جِبَالُنَا وَاغْبَرَّتْ أَرْضُنَا وَهَامَتْ (٥) دَوَابُّنَا وَقَنَطَ أَنَاسٌ مِنَّا (٦) وَتَاهَتْ (٧) الْبَهَائِمُ وَتَحَيَّرَتْ فِي مَرَاتِعِهَا وَعَجَّتْ (٨) عَجِيحُ الثَّكَلِي عَلَى أَوْلَادِهَا، وَمَلَّتِ الدَّوْرَانَ (٩) فِي مَرَاتِعِهَا حِينَ حَبَسَتْ عَنْهَا قَطْرَ السَّمَاءِ، فَدَقَّ لِذَلِكَ عَظْمُهَا وَذَهَبَ لِحُمُومِهَا وَذَابَ شَحْمُهَا وَانْقَطَعَ دُرُّهَا. اللَّهُمَّ ارْحَمْ أُنَيْنَ الْآئِنِ (١٠) وَحَيْنَ الْحَائِنِ (١١) ارْحَمْ تَحْيِيرَهَا وَأُنَيْنَهَا فِي مَرَابِضِهَا (١٢) يَا كَرِيمُ. (١٣)

قال المجلسي (قُدَّسَ سِرُّهُ): الظاهر أن هذه الخطبة هي الأولى، و الثانية كما في الجمعة و العيد مشتمله على التَّحْمِيدِ وَ الشَّنَاءِ وَ الصَّلَوَاتِ عَلَى الرُّسُولِ وَ الْأَثْمَةِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، وَ قَلِيلٌ مِنَ الْوَعْظِ، ثُمَّ الدُّعَاءُ كَثِيرًا. (١٤)

ص: ١١٤

- ١- (١) - الارتجاء: الرجاء..
- ٢- (٢) - التبطن: الوقوف على السر و الباطن..
- ٣- (٣) - مقتبس من الآيه الشريفه ٢٨ من سوره الشورى..
- ٤- (٤) - صاحت: جفت و يبست..
- ٥- (٥) - هامت: عطشت، او ذهبت على وجوهها لشده المحل..
- ٦- (٦) - كذا في نسخه البحار و في نسخه المطبوعه من المصباح بزياده «او من قنط منهم»..
- ٧- (٧) - تاهت: تحيرت..
- ٨- (٨) - عجت: رفعت أصواتها..
- ٩- (٩) - ملت الدوران: أعت و سئمت من التردد في مراتعها..
- ١٠- (١٠) - الآئنه: الشاه..
- ١١- (١١) - الحائنه: الناقه..
- ١٢- (١٢) - المرائب: جمع مريض موضع ربح الدواب..
- ١٣- (١٣) - مصباح المتهجد: ٣٦٩؛ الفقيه: ٣٣٥/١؛ التهذيب: ١٥١/٣ واللفظ للأول. و رواها في نهج السعاده: ٣٣٠/٣ عنها وعن غيرها. و روى السيد الرضى فى نهج البلاغه خطبتين فى الاستسقاء. الأولى الخطبه (١١٥) وهى قطعته من هذه الخطبه مع تفاوت فى ألفاظها والثانى الخطبه (١٤٣) ومضامينها أيضاً قريبه منها..
- ١٤- (١٤) - بحار الأنوار: ٣١١/٩١. و جدير بالذكر أن أكثر ما كتبه فى شرح لغات هذه الخطبه استفدته من شرح العلامة المجلسي (ره) للخطبه فى بحار الأنوار: ٩١ من ص ٢٩٥ إلى ص ٣١١..

خداوندا! امید ما به سوی توست. بازگشت ما هم به سوی توست باران را به سبب اطلاع و آگاهی از نهران ما، از ما باز ندار و ما را به سبب آنچه نابخردان و گستاخان ما انجام می دهند، نگیر. چرا که تو بعد از نومییدی مردم، باران می فرستی و رحمت خود را می گسترانی و تو سرپرست ستوده ای.

آن گاه امیرالمؤمنین علیه السلام گریه کرد و عرضه داشت:

سرورم! کوههای مان خشکیده اند سرزمین مان گردآلود شده چارپایانمان بی آب مانده اند و گروهی از مردم ما مأیوس شده اند و حیوانات ما در چراگاهها سرگردان و متحیر گردیده اند و مانند زن فرزند از دست داده ناله و فریاد می کنند و از گشتن بی حاصل در مراتع به جهت نیامدن باران، رنجور شده استخوانهایشان نازک و گوشت و چربی آنها زایل و شیرشان قطع گردیده است.

خداوندا! به زاری گوسپندان و ناله ماده شتران رحم کن. خداوندا! به سرگردانی آنها در چراگاهها و ناله و فریادشان در آغلها رحم کن ای خدای کریم.

ص: ۱۱۷

- ١ - قرآن مجيد.
- ٢ - أعلام الدين، للدّيلمى، مؤسسه آل البيت (ع) لآحياء التراث، قم، الطبعه الأولى، ١٤٠٨ هـ .
- ٣ - الأمالى، للشيخ الصدوق، تحقيق مؤسسه البعثه، قم، الطبعه الأولى، ١٤١٧ هـ .
- ٤ - الأمالى: للشيخ الطوسى، تحقيق مؤسسه البعثه، نشر دارالثقافه، قم، الطبعه الأولى، ١٤١٤ هـ .
- ٥ - بحار الأنوار، للعلامة المجلسى، دارالكتب الاسلاميه و المكتبه الاسلاميه، طهران.
- ٦ - تاريخ الطبرى، لأبى جرير الطبرى، منشورات الأعلمى، بيروت.
- ٧ - التهذيب، للشيخ الطوسى، دارالكتب الاسلاميه، طهران.
- ٨ - تيسير المطالب فى أمالى السيد أبى طالب، مؤسسه الأعلمى، بيروت، ١٣٩٥ هـ .
- ٩ - شرح نهج البلاغه، لابن أبى الحديد، تحقيق محمد ابوالفضل إبراهيم، دار إحياء الكتب العربيه، مصر، الطبعه الثانيه، ١٣٨٦ هـ .

١٠ - العقد الفريد، لابن عبد ربّه الأندلسي، تحقيق الدكتور عبدالمجيد الترحيني، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤٠٤هـ .

* العقد الفريد، لابن عبد ربّه الأندلسي، مع تعاليق إبراهيم الأبياري، دارالكتاب العربي، بيروت.

١١ - الكافي، لثقه الإسلام الكليني، دارالكتب الإسلاميه، طهران.

١٢ - مجمع البيان، للشيخ الطبرسي، تحقيق سيّد هاشم الرسولي المحلّاتي و السيّد فضل الله اليزدي الطباطبائي، دارالمعرفه، بيروت، الطبعة الثانيه.

١٣ - مصباح المتهدّد، للشيخ الطوسي، مؤسسه الأعلمي، بيروت، ١٤١٨هـ .

* مصباح المتهدّد، بتحقيق علي أصغر مرواريد، مؤسسه فقه الشيعه بيروت، ١٤١١هـ .

١٤ - من لا يحضره الفقيه، للشيخ الصدوق، دارالكتب الاسلاميه، طهران، ١٤١٠هـ .

١٥ - نهج البلاغه، للسيّد الرّضي، بتصحيح صبحي صالح.

١٦ - نهج الخطابه، للسيّد علي علم الهدى.

١٧ - نهج السعاده، للعلّامة الشيخ محمّدباقر المحمودي.

١٨ - وقعه صفّين، لنصر بن مزاحم المنقري.

ص: ١٢٠

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

